

مجلس خورشید بر کمرک تجرین

ایوانکتابخانهامروز

خشونت و افراطی گری!

دکتر روحانی رئیس جمهوری پیشنهاد «جهان علیه خشونت و افراطی گری» را در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل ارائه داد. این پیشنهاد به صورت قطعنامه‌ای در مجمع عمومی سازمان ملل به اتفاق آراء به تصویب رسید.
دیروز اولین کنفرانس بین المللی جهان علیه خشونت و افراطی گری در تهران برگزار شد. رئیس اجرائی اولین همایش بین المللی جهان علیه خشونت و افراطی گری گزارشی کرد که در این اجلاس ۵۳ کشور در سطح رؤسای جمهور سابق، وزرای خارجه و نهادهای کلی و دانشگاهی حضور دارند. این همایش یک نهاد دایمی یاتی خواهد ماند و از هم اکنون تقاضای میزبانی سال بعد، از کشورهای دریافت شده است.

همایش در تهران با سخنرانی رئیس جمهور افتتاح شد. دکتر روحانی در سخنرانی خود خشونت و افراطی گری را واقعیت تلخ در جهان امروز معرفی کرد که خسارت‌های آن موجب نگرانی دولت‌ها و ملت‌ها در سراسر جهان شده است. رئیس جمهور گفت: ... هر چه همکاری‌های گسترده اقتصادی و تعامل سیاسی در بخش‌های مهمی از نظام بین الملل، خشونت و افراطی گری را کاهش داده ولی در عین حال متأسفانه در بخش‌های دیگری از جمله منطقه خاورمیانه خشونت همچنان حضور دارد و بعضاً به طور روزانه جان دهها کودک و زن و مرد را می گیرد. همه کشورها و جریان‌های حامی صلح، باید همکاری و تعامل، در چه نظام و جدیت خود را در مبارزه با خشونت و افراطی گری به حد اکثر برسانند.»
خاورمیانه امروز در بحران است. در نقد و بررسی جریای بحران فراگیر است. این منطقه با اخبار جنگ و کشتار در رسانه‌های تلویز مشاهده شده است. در این منطقه با خشونت و خشونت و افراطی گری نیز شناخته شده است.
صور روزانه خیر سراسر است. در نقد و بررسی جریای بحران فراگیر خشونت و افراطی گری در خاورمیانه بسیار نوشته اند. همچنان موضوع روز محافل سیاسی و رسانه‌ها است. این نظر پردازان‌ها از جرایم خشونت و افراطی گری را می توان در چند محور دید.

- حاکمیت دولت‌های مستبد یا وابسته به قدرت‌های خارجی و فاقد قبولیت مردمی
- تضاد فقرزدگی با سلسله قدرت‌های حاکم (دیکتاتوری).
- منافع قدرت‌ه‌های بین المللی در مدیریت نفت و بحران در خاورمیانه.
- تفاوت دولت‌ها در منطقه خاورمیانه از یکدیگر و نبود همکاری‌های منطقه‌ای با اتلاف امنیتی در میان دولت‌های این منطقه.
- مقدان نامردم‌سی در بافت اجتماعی، سیاسی و جرخش قدرت در اغلب کشورهای این منطقه.
- وجود رژیم صهیونیستی که بقاء خود را در تداوم بحران‌ها در کشورهای پیرامونی خود می بیند.
- تجحر ایدئولوژیکی به نام دین و باورهای دینی در قالب داعش و شبه داعش.
- جستجوی راهایی از طریق نظامی گری، تروریسم و افراطی گری.
- پیازهای مطلوب تسلیحاتی برای کشورهای تولید کننده تسلیحات نظامی و جذب دلارهای نفتی با رونق بخشیدن این بازار از طریق قز فراگیری خشونت و جنگ.
- تنگنا غرب (آمریکا) به خاورمیانه با استراتژی: آمریکای امن مسای با خاورمیانه تا امن.

این محورها و بسیاری دیگر، موضوع هر روز نوشته‌ها در محافل سیاسی و در رسانه‌ها است. واقعیت این است که تا امروز خشونت و افراطی گری در خاورمیانه برای بازنگران این منطقه تا حد خاصی را تأمین می کند و خلالت‌های آنها با ادعای مبارزه با خشونت و افراطی گری در خاورمیانه بجای راه حل، موجب تشدید بحران‌ها شده است.
دکتر روحانی در سخنرانی خود راه حل را پذیرش اشتباهات مؤثر اقتصادی، سیاسی و امنیتی منطقه‌ای از سوی دولت‌های منطقه می داند و می گوید: ... در نظام بین الملل امروز جنگ و درگیری‌های نظامی جز تولید هزینه و تنش و از هم گسیختگی زندگی اجتماعی و اقتصادی شهروندان غیر نفعی ندارد. اروپایی‌ها باید از درن‌ها باز گیری و نزاع و دو جنگ جهانی در نهایت به همکاری‌های جدید، اقتصاد در به نهانند و ما هم گری اقتصادی، سیاسی و امنیتی دستاوردهای بزرگی را برآی صلح و امنیت منطقه خود به ارغوان افروز کنند. در کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین نیز همکاری‌های گسترده منطقه‌ای اقتصادی در قز آیند اشتباهات مؤثر سیاسی و امنیتی قدیم برمی دارند. از همه کشورهای منطقه (خاورمیانه) درخواست می کنم که با همکاری و هماهنگی و ایجاد اتلاف و سیاست گذاری‌های منطقی و عقلانی، بسوی خاورمیانه‌ای در سوی صلح و امنیت سوق پیدا کنیم. رئیس جمهوری آنگاه به واقعیت دیگری در سخنان خود اشاره کرد و گفت: ... دولتهای این منطقه خورده‌ای آراش و مبارزه با خشونت و افراطی گری هستند. ضرورتی دیده نمی‌شود که بازنگران فراتر از منطقه‌ای که منافع خاص خود را دنبال می کنند سر نوشت مردم این منطقه را رقم بزنند. جهان عاری از خشونت در شرایطی محقق می شود که دولت‌ها به هم همکاری کنند و در سیاست گذاری‌ها هماهنگی باشند. وقتی دولت‌ها هماهنگ باشند، جریان‌های افراطی در حاشیه قرار خواهند گرفت. دولت‌های مختلف اگر با همسایگان خود به سیاست‌های مشترکی دست یابند، می توانند در مدت زمان کوتاهی ریشه‌های خشونت را بشکستند. جمهوری اسلامی ایران در دوره جدید مدیریت و تدبیر و امید، از روز اول مسئولیت خود را بر عاتق آورده و مبارزه با خشونت تأکید کرد. است و در عموم مجامع منطقه‌ای و بین المللی خواستار همکاری دولت‌ها برایشه کنن کردن خشونت شده است.»

دیروز رئیس جمهور کشور ما به معتقد است از مسیر «منطقی و عقلانی» و با ایجاد ائتلاف سیاسی –امنیتی در «مدت زمان کوتاهی» می توان ریشه‌های خشونت و افراطی گری را در منطقه از بین برد، با نگاه آمریکا که مدام می گوید، حداقل تا ۱۰ سال آینده جنگ و بحران در خاورمیانه و مبارزه علیه داعش و دیگر گروه‌های تروریستی ادامه خواهد داشت، تفاوت بسیار دارد و نشان می دهد که منافع خصوصی از ادامه خشونت و افراطی گری در خاورمیانه از سوی طرف دیدل می گردد.
در پایان سخنرانی رئیس جمهوری بطور مشخص ۱۰ پیشنهاد به همایش ارائه کرد.
دکتر روحانی در حالی که تفکرهای غلط و افراطی را از مسیرهای مثبتی به حاشیه معرفی کرد، اظهار کرد: «توسعه زیانتیگی و نیازهای مادی پاسخ داده نشده، یکبارگی، فقر، نبود امکانات زندگی و ناامیدی از آینده یا یقین به آینده‌ای قابل تحمل را ازرمند، بستی برای خشونت طلبی است. این همان بایالی است که در خاورمیانه و بخش‌های غربی از جهان گسترش آن آموند. خود را بر ترسیمی در مقیاس ملی و بین المللی و تقسیم کشورها به خودی و غیر خودی، زمینه‌ساز فرهنگ خشونت و کشتار شنی در ابعاد بین المللی است. سایر ارقام خود خشونت‌های ساختاری همچون تحریم و تهدید، نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، چالشی جدی برای امنیت در نظام بین الملل است. برخی از این فرآیندها عیان شد: از حکومت‌های مستبد و وابسته که حقوق شهروندان خویش را بر رسمیت نمی شناسند و حق مشارکت محلهانی را محترم نمی‌شمارند، موجب افزایش فقر و توسعه زیانتیگی را فراهم آورده‌اند. همچنین دولت‌های خارجی و اشکالی از استعمار نو، سبب شده است که در پی ناوایی‌های خود را برای افزایش فقر و حذف زمینه‌های خشونت، از دست بدهند.

آیت اله‌اشمی رفسنجانی: آگاهی بهتری آینده را برای جامع تو تسیم می کند

آیت اله‌اشمی رفسنجانی در دیدار اعضای مرکز پژوهشایی نهضت جنگل، قیام میرزا کوچک خان را یک موضوع مهم تاریخی، اسلامی و ملی خواند و گفت: اسناد دقتیمنی از این قطعه تاریخی وجود دارد که باید جوانان دانشجویان و مردم با آن آشنا شوند.

رئیس مجمع تشخیص صلیحت نظام جلال جمعه را بهترین وسیله حاکمان برای سرکوب قیام‌ها دانست و گفت: آگاهی، بهتری آینده را برای جامع ترسیم می کند و جوانان آگاهی بهر سبب به در سیدان به این هدف هستند.

وی افزایش رشد آگاهی را مهم‌رون انفجار اطلاعات خواند و گفت: مردمی که آگاه شوند با زبان مقوله مسائل خود و جامعه را حل می کنند.

رئیس مجمع تشخیص صلیحت نظام افزایش گروه تروریستی را برنامه هاشمی رفسنجانی در ادامه به تلاش‌ها استعمار و استبداد به عنوان دو لبه پیچی در چپاول منابع تلخ اشاره کرد و گفت: اگر چه این دو با امپداری به حضور تندروها، برای دو هدف پراکنش امپداریتد، اما روزی که جوانان مسلح به دانش و آگاهی شوند، هیچ دشمنی توان مقابله با آنان را ندارد.

رئیس مجمع تشخیص صلیحت نظام افزایش گروه تروریستی را برنامه

رئیس جمهوری با تأکید بر این که ایران همواره در کنار ملت و دولت سوریه در مبارزه علیه تروریسم بوده و خواهد بود، اظهار امیدواری کرد که مسیر پیروزی ملت سوریه ادامه یابد و صلح و آرامش به طور کامل در این کشور مستقر شود.
حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی در دیدار اولیاد المعلم، وزیر امور خارجه سوریه تأکید کرد: امروز برای همگان روشن شده است که راه برخی کشورها در حمایت از تروریست‌ها نادرست و بی‌نتیجه بوده و این حمایت‌ها فقط منجر به توسعه خشونت و ناامنی در منطقه شده است.

رئیس جمهوری با بیان این که کسانی که در سوریه سلاح به دست گرفته‌اند نه معارض بلکه تروریست هستند، اظهار داشت: در ماه‌های اخیر این واقعیت برای جهانپای بیش از پیش آشکار شده است به گونه ای که امروز حتی کسانی که آن‌ها را به وجود آوردند و حمایت کردند، آرام، آرام از تروریست‌ها فاصله می گیرند.

روحانی ادامه داد: امروز برای منطقه و جهان روشن شد که دولت و ارتش سوریه توان مقابله با تروریست‌ها و حفظ کشور را دارند.

رئیس جمهوری با اشاره به این که شرایط منطقه و جهان به سمت بهره‌گیری از راه حل سیاسی، معادل و عاقلانه در سوریه است، گفت: مطمئن هستیم که ملت سوریه پیروز نهایی این صحنه خواهد بود.



وزیر امور خارجه سوریه هم در این دیدار با اعلام تشکر دولت و ملت کشورش از رهبر معظم انقلاب، دولت و ملت ایران به دلیل حمایت‌های پرانده، گفت: تهران و دمشق در سنگری مشترک قرار دارند. باید معلم، مأموریت تروریست‌ها در منطقه را چنگ و خو پیروزی دانست و از حمایت آمریکا و برخی کشورها در پشتیبانی و حمایت از گروه‌های تروریستی در سوریه انتقاد کرد.

دیدار وزیر خارجه عراق

رئیس جمهوری همچنین در دیدار "ابراهیم جعفری" وزیر خارجه عراق با

حجت الاسلام والمسلمین سید علی خمینی: امیدواریم گزینۀ نظامی روی هیچ میز ی نباشد

حجت الاسلام والمسلمین سید علی خمینی یادگار امام در کنفرانس بین المللی "جهان علیه خشونت و افراطی گری" گفت: پرچم حقانیت انقلاب به رهبری امام

برافراشته شد.

به گزارش مجارن، سید علی خمینی، امام ارفدی دانست که در دنیای مدرنی که سخن از کنار گذاشتن رنگ سنت به‌مان آمده بود، پرچم دیداری توم با عقابیت را برداشت و راه بازگشت حقانیت را به جهان هموار کردوی افزود: سخن به گزافه نمی گویم، تنها نکته‌ای است به بررسی جامعه بشری پیش از انقلاب و پس از انقلاب اسلامی برآیزیم. در این راستا هیچ فرد منصفی نمی تواند منکر این نکته نشود که این انقلاب ترانسیت پرچم حقانیت را به رهبری حضرت امام بر محور دیداری توم با عقابیت برافرازد. یادگار امام با اظهار تأسف از انواع افراط گری‌ها در دنیای امروز، اظهار داشت: هرچه در اینجا محاجلی نیست تا از رابطه حقانیت، انقلاب و خشونت سخن بگیریم اما می توان اشاره را به این موضوع کرد که جهان امروز داخنت.

وی تصریح کرد: افراط گرای می تواند به دو گونه افراط گرای نظری و عملی،

مجلس کلیات لایحه خروج از رکود را تصویب کرد

سرویس پارلمانی: لایحه یک فوریتی «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور»، در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و کلیات آن به تصویب رسید.

به موجب این لایحه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، موظف شد مطالبات و بدهی‌های اشخاص حقوقی خصوصی و تعاونی - نهادهای و مؤسسه‌های عمومی غیر دولتی و بانک‌ها و نهادهای اعتباری را به کمسیون‌های اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس، ارائه دهند.

دولت، موظف است حداکثر در مدت ۶ ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، بدهی‌های قطعی خود به اشخاص حقوقی، حقوقی، تعاونی و اشخاص صوری را که تا پایان سال ۱۳۹۲ ایجاد شده است، با حفظیات قطعی دولت از تخصیص مزبور تسویه کند. برای این منظور دولت، اسناد تعهدی خاصی را عوان اوراق تسویه خزانه صادر می کند و در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی طلبکار و بدهکار قرار می دهد.

این اسناد فقط برای تسویه بدهی اشخاص مزبور به دولت مورد استفاده قرار می گیرد. جمع مبلغ اوراق تسویه خزانه در اختیار طلبکاران قرار می گیرد و به صورت صدور - خرجی در بودجه سالانه درج می شود.

هر سال میزان امثال تفاوت مطالبات قطعی اشخاص حقیقی و حقوقی خصوصی و تعاونی و دولت و شرکت‌های دولتی و بدهی قطعی آنها به دولت و شرکت‌های دولتی، انتشار اوراق صکوک اجاره در بودجه سالانه کل کشور پیش بینی می شود. این اوراق در بازار ثانویه برای اعمال معامله خواهد بود. دولت، می تواند عملیات اجرائی وصول مطالبات دولت را از پایان سال ۱۳۹۵ امتد و محدودیت خروج مدبران مردم را از کشور را به دلیل داشتن بدهی رفع کند. سازمان تأمین اجتماعی، مکلف خواهد بود تا پایان سال ۱۳۹۵ از منوع‌الخروج کردن کار فرما و معین افراد، مانع از تولید و مواد اولیه خودداری کند. بانک‌ها و مؤسسه‌های اعتباری، تا مدت سه سال از تاریخ اجرای این قانون، سلالانه حداقل ۳۳ درصد از اموال خود اعر از مغفول، غیر مغفول و سرقفی را که به تمکک اوراق و شرکت‌های شعب از ادامه است، واکذار کنند. بانک‌های دولتی و مؤسسه‌های اعتباری که منافع آن فعالیت‌های بی‌پایانگی شامل بنگاهداری و نگهداری مهم باشد، در سال ۱۳۹۵ با نرخ ۲۸ درصد مشمول مالیات خواهد شد. پس از آن، هر سال ۳۲ واحد به درصد این نرخ افزوده می شود تا در ۵۵ درصد برسد. عایدات املاک غیر مغفول بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری، شامل زمین، مستداکات، سرقفی و اموال مشابه آن در سال ۱۳۹۵ با نرخ ۲۸ درصد مشمول مالیات می شود. پس از آن، هر سال با افزایش سه واحد درصد به این نرخ به ۵۵ درصد می‌رسد.

به مخالفت با کلیات این لایحه، دکتر قاضی پور نماینده اوبه - مجلس وارد شد. موجب به حراج گذاشتن منابع صندوق توسعه ملی و صندوق ذخیره ارزی و سازمان تأمین اجتماعی دانست و تأکید کرد: «این دولت مردم نمی توان کرد و تا شکست دارد. علی رضایی سلمانی، نماینده مجلس مردم در تأیید کلیات این لایحه از تعطیلی ۴ هزار واحد تولیدی و ۲۵ هزار میلیارد تومان چک‌های بر شستی خرید داد افزود: همه این‌ها ناشی از وجود رکود است و برای آن باید چاره‌جویی شود. علی اصغر یوسف‌زاده، معاون پارلمانی وزارت امور اقتصادی و دارایی، در دفاع از کلیات لایحه، اظهار داشت: نهادهای مردم با بحث معنوالخرج و فروش اموال مزاد بانک‌ها، استفاده از ظرفیت‌های موجود و ایجاد ظرفیت‌های جدید از جمله مزیت‌های لایحه است. حمیدرضا فولادگر، نماینده اصفهان هم تأکید کرد: رانداندازی چرخ تولید، نیازمند سه جنبه گراییم: یعنی تأمین منابع تولید، سرمایه گذار و کارگر است و اگر این موارد یکپساکه عمل کنیم، باید از رکود خواهد بود. برای این بحث،ها کلی و بین المللی این لایحه از تصویب گذشت و بررسی جزئیات آن به جلسه علنی امروز (چهارشنبه) موکول شد.

مجلس تعیین قیمت خوراک واحدهای پتروشیمی

بررسی طر «الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت»، در این جلسه ادامه یافت و چند بند و ماده جایی به کمسیون برنامه و بودجه محاسبات پس از تجدینظرات اساسی، در مورد تصویب قرار گرفت. به موجب جزء ۴ بند الف ماده ۱ (وزارت نفت مکلف است قیمت خوراک گاز و خوراک مایع تحویلی به واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی را با رعایت معیارهای زیر تعیین کند: متوسط قیمت مناسب با قیمت گاز یا مایع تحویل برای سایر مصرف داخلی، متوسط قیمت

دکتر پوریان: ایران و ۵+۱ به زودی بر گزار می شود

وزیر خارجه کشورمان گفت: مذاکرات ایران و ۵+۱ به زودی بر گزار می شود. به گزارش ایسنا، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان عصر سهشنبه در جمع خبرنگاران درحاشیه کنفرانس جهان علیه خشونت و افراطی گری در پاسخ به سئوالی این پرسش بر این که ایران و ۵+۱ به توافق نرسیده است و در هفتده اخیر در قم برگزار شد چه تفاوتی دارد؟ گفت: هر کدام از این دو جلسه با یک هدف اما در دو وجه برگزار شده است. یکی این که صرفاً هماهنگی‌های مذهبی علیه گروه‌های تکفیری صورت گیرد و اینچنانیز هماهنگی‌های وسیع سیاسی صورت گرفت که یکی از ابعاد مهم این اجلاس بحث فرهنگی و مذهبی است اما ایجاد دیگری هم دارد که در حال بررسی است.

او گفت: اجلاس قم بسیار ارزنده بود به ویژه بهر سبب همکاری داخل جهان اسلام علیه حرکت‌های تکفیری و این اجلاس هم حرکت‌های مکمل آن اجلاس در قزوین دارد. البته ما در برگزاری اجلاس قم به محضر ابی عظام مکارم شیرازی و سبحانی بودیم و ان‌شاءالله این دو اجلاس به هم مشترک می‌خورد و در حرکت‌های ضد اسلامی و تکفیری برسد.

وزیر خارجه درباره دیدار سه جانبه‌اش

اخبار داخلی

رئیس جمهوری: ایران در کنار ملت و دولت سوریه است



اظهار امیدواری نسبت به این که با تدبیر مسئولان سیاسی و امنیتی این کشور، شاهد اولین به عنوان بزرگترین اجتماع مسلمانان، پیام وحدت، اتحاد و عشق خاندان رسالت و برای ایران و پیام مقاومت و یکپارچگی مردم را در زمینه اعتقاداتشان برای تروریست‌ها دارد روحانی با تشکر از حضور جعفری در کنفرانس جهان علیه خشونت و افراطی گری، اظهار داشت: دوستی عمیق دو ملت ایران و عراق نتیجه اشتراکات دینی و فرهنگی دو ملت است.

رئیس جمهوری با اظهار خشونتوی این که عراق در دوره جدید بر مشکلات فائق آمده و تمامی نهادهای آن طبق قانون، مستقر شده و مشغول کارند، افزود: امروز عراق از شرایط حاد و نگران کننده امنیتی عبور کرده است.

وی، یکسازای مناطق وسیعی از عراق را از وجود تروریست‌ها برای ملت ایران خوشحال کننده توصیف و اظهار امیدواری کرد با فداکاری ملت، دولت و ارتش

عراق این سرزمین از حضور تروریست‌ها پاک شود.

رئیس جمهوری با یادآوری این که زن و مردی را در رهبری تا اتحاد ملت همواره در کنار

ملت عراق حضور داشته و خواهند داشت، تصریح کرد: ایران و بغداد علاوه بر اینکه

ثبات و امنیت خود می داند و این موضوع در عمل به اثبات رسیده است.

روحانی با بیان این که خواستار گسترش روابط صمیمانه و برادرانه ایران و عراق در زمینه‌ها هستیم، خاطر نشان کرد: تهران و بغداد علاوه بر اینکه در حوزه سیاست منطقه‌ای و بین المللی همراه هم هستند، باید در عرصه‌های داخلی هم در زمینه‌های مختلف از جمله میان عملی و تحقیقی روابط گسترده‌ای را که از گذشته میان خود‌های ملی به یکجایف و هم قرار بر یوده، توسعه دهند. ابراهیم جعفری وزیر امور خارجه عراق هم در این دیدار با تشکر از سخنان رئیس جمهوری کشورمان که به صورت ریشه‌ای خاکسپاره‌ای بروز خشونت رامورد از خشونت راداده بود، گفت: عمیق ترین وجه مشکل تروریسم در عراق خلایف فرهنگی است. نیروهای داعش به دلیل انحراف فکری و انسانی قبل از آنکه قربانی خود را



بروز یابد. افراط گرای نظری به معنای بروز این واکنش در ساخت اندیشه و افراط گرای عملی به معنای بروز این واکنش در ساخت عمل است. یادگار امام در ادامه تصریح کرد:

مجلس کلیات لایحه خروج از رکود را تصویب کرد

سرویس پارلمانی: لایحه یک فوریتی «رفع موانع تولید رقابت پذیر محصولات تولیدی در بازارهای بین المللی و بهبود متغیرهای کلان اقتصادی، ایجاد انگیزه و امکان جذب سرمایه گذاری داخلی و خارجی، اعمال تخفیف پلکانی تا ۳۰ درصد با انعقاد قرارداد بلندمدت با واحدهایی که مواد اولیه واحدهای پتروشیمی داخلی را تولید می کنند و زنجیره ارزش افزوده و افزایش می دهند. در این قرارداد، بنگاهایی که به

مناطق کمتر توسعه یافته، اقدامات می شوند، از تخفیف بیشتری برخوردار می شوند.

در صورت قطع یا کاهش حقوق گاز و خوراک مایع و خدماتی مشمول این بند

خارج از قرارداد و یا اراده دولت، وزارت نفت، مکلف است برابر ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار مصوب ۱۳۹۰/۱/۱۶ خسارت وارده را در محل خوراک تحویلی در مراحل بعدی جبران کند.

معافیت ساجد، حسینه‌ها، حوزه‌های علمیه

همچنین باراکراف الحاقی به بند ۲ از ماده یک به این شرح، اصلاح و به ابتدای ماده ۱۲۱ انتقال می یابد:

ساجد، حسینه‌ها، دارالقرآن‌ها، حوزه‌های علمیه، گلزارهای شهدا، اماکن امدادها و خانه‌های عالم روستها و معابد اخلاقی‌های دینی مشمول در قانون اساسی، از پرداخت هزینه‌های خدماتی، ساختمان، قرض‌های مصرفی در امورهای اشغال آب و فاضلاب، برق و گاز برای یک بار تا سقف الگوی مصرف معاف خواهند بود.

وزارت راه و شهرسازی، معافیت دولتی و بدهی قطعی آنها به دولت و شرکت‌های راه‌ها، شرکت‌های دولتی و راه‌های روستایی و نقل و حمل و غیره، هزینه کند. از ماده ۴، شرکت‌های دولتی، به هر بانک‌ها و موسسه‌های دولتی، سازمان‌های توسعه‌ای، شامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان توسعه و نوساز معادن و صنایع معدنی ایران، سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت بهره‌های کشاورزی، مشمول مقررات قانون محاسبات عمومی کشور خواهد بود و تمامی درآمدهای حاصل از فروش کالا و خدمات آنها به حساب‌های معرفی شده از سوی خزانه‌داری کل کشور واریز می شود تا حسب مورد طبق احکام و حساب قانونی بر هزینه طریقه شود.

بانک‌های عامل، محسوب بانک مرکزی و خزانه‌داری کل کشور، موظفند

نسبت به بشتن حساب‌هایی که برخلاف مقررات افتتاح شده‌اند، اقدام کنند.

استخدام قبول شدگان در آزمون استخدامی

در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی، در آموتهای استخدامی، به‌محمدباقر نوبخت، معاون برنامهریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، گزارش‌ازویزگی‌های لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ که در جلسه اول دادوی سبب اعلام کرد: همه قبول شدگان در آزمون استخدامی که به هر دلیل جواب ندادند، شامل آئینه استخدامی می‌شوند. غلامعلی جعفرزاده، امین آذین، عضو کمسیون برنامهریزی و محاسبات، بیان این مطلب، گفت: «تکلیف این بود که قرارداد است که فائز این نرخ کند و برایانی - حرفه‌ای هم استخدام شوند. وی افزود: نماینده دولت از اجرا نشدن ماده ۳۴ قانون باید پنجم توسعه انتقاد کرد و یادآور شد که دو حربه تحریم و توقیف تولید نفت را در بودجه سال آینده با برنامه‌ها و تدابیری که اتخاذ خواهیم کرد، ریشتم سر می‌آورد.

جعفرزاده سپس یادآور شد: قز است ۱۳۰۰ میلیارد تومان در بخش مسکن سرمایه‌گذاری شده که نتیجه آن کاهش ۱۰ درصدی نرخ مسکن خواهد بود. به صورت پاره و پاره پرداخت می‌شود، یعنی اولی‌ها افزایش ازان قیمت خواهد کرد. علاوه بر این یکپهزار میلیارد تومان هم برای طرح‌های اشتغالزایی در سال ۹۴ تخصیص داده می‌شود که ۵ هزار ۷۲۰ میلیارد تومان برای تولید و بنگاهداری به صورت پاره و پاره خواهد شد.

جبران افزایش قیمت نان

در مورد دیگر مباحث مطرح شده در این جلسه، عباس پای زاده، عضو کمسیون

کشاورزی، اعلام کرد: دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، اقدام اخیر دولت در افزایش ۴۰ درصدی قیمت نان را مورد انتقاد قرار داد و آن را تصمیمی کارشناسی نشده توصیف کرد. لاریجانی همچنین پیشنهاد کرد که دولت با یک کارگری سیاست‌های اجرایی، امر فشار اقتصادی بر قشرهای کم درآمد شود. در این جلسه همچنین ۱۸۰ تن از نمایندگان، در پینمایی از اقدام اخیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در برگزاری دهمین اجلاس وزیران اطلاع رسانی کشورهای اسلامی، تشکر و قدردانی کردند.

تعهذات خود طبق توافق موقت ژنو(برنامه اقدام مشترک) پایبند بوده است. «جن ساکی» سخنی وزیر خارجه خود را در کنفرانس خیر خودی و افراطی گری در پاسخ به سئوالی این پرسش بر این که ایران و ۵+۱ به توافق نرسیده است و در هفتده اخیر در قم برگزار شد چه تفاوتی دارد؟ گفت: هر کدام از این دو جلسه با یک هدف اما در دو وجه برگزار شده است. یکی این که صرفاً هماهنگی‌های مذهبی علیه گروه‌های تکفیری صورت گیرد و اینچنانیز هماهنگی‌های وسیع سیاسی صورت گرفت که یکی از ابعاد مهم این اجلاس بحث فرهنگی و مذهبی است اما ایجاد دیگری هم دارد که در حال بررسی است.

او گفت: اجلاس قم بسیار ارزنده بود به ویژه بهر سبب همکاری داخل جهان اسلام علیه حرکت‌های تکفیری و این اجلاس هم حرکت‌های مکمل آن اجلاس در قزوین دارد. البته ما در برگزاری اجلاس قم به محضر ابی عظام مکارم شیرازی و سبحانی بودیم و ان‌شاءالله این دو اجلاس به هم مشترک می‌خورد و در حرکت‌های ضد اسلامی و تکفیری برسد.

یکشند، انسانیت خود را قربانی کرده‌اند. وزیر امور خارجه عراق گفت: راه مبارزه با تروریسم از این برندن ریشه‌های ظهور و رشد خشونت و افراطی گری است.

دیپلماتون رئیس اجرائی دولت افغانستان

رئیس جمهوری کشورمان همچنین در دیدار "محمد محقق" معاون رئیس اجرائی دولت افغانستان با برآی از خشونتوی این توافق گفت: گروه‌های مختلف سیاسی افغانستان و فعالیت دولت جدید این کشور، گفت: افغانستان از تفرقه و اختلاف رنج‌های بسیاری رده و امیدواریم ثمرات وحدت و برادری برای این ملت برپه‌ده شدن ترور و خشونت و ایجاد ثبات، آبادانی و پیشرفت باشد.

روحانی تولید مواد مخدر در افغانستان را آسبیدی برای کل منطقه دانست و تلاش جدی برای برخورد با این موضوع را ضروری اعلام کرد.

رئیس جمهوری اظهار داشت: اگر دولت افغانستان از ایران درخواست کند، آماده کمک علمی و تحقیقاتی برای تغییر الگوی کشت محصولات کشاورزی و کاهش تولید مواد مخدر در این کشور خواهیم بود. رئیس اجرائی دولت افغانستان هم در این دیدار گفت: احساس ملت افغانستان نسبت به ایران بالاتر از همسایگی است و این کشور را برادری بزرگ برای خود می داند.

روحانی در دیدار «اصف علی‌زرداری» رئیس جمهوری سابق پاکستان هم



گفت: تهران ا همواره خواهان روابط خوب و همکاری با اسلام‌آباد در عرصه‌های مختلف بوده است. وی افزود: پاکستان همواره در زمینه مبارزه با عمل شکل‌گیری تروریست‌ها و فعالیت‌های تروریستی با ایران و در عرصه سبب به عمل شکل‌گیری خشونت و افراطی گری فعالیت و جدیت بیشتری داشته باشد. رئیس جمهوری سابق پاکستان هم ایده و سخنان رئیس جمهوری کشورمان رادر زمینه جهان عربی از خشونت راداده بود، گفت: عمیق ترین وجه مشکل تروریسم در عراق خلایف فرهنگی امروز توصیف کرد.

حجت الاسلام والمسلمین سید علی خمینی: امیدواریم گزینۀ نظامی روی هیچ میزی نباشد

در این راستا به بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی اخیرشان اشاره می‌کنم؛ ایشان به این نکته اشاره داشتند که وجه قالب افراط گرای در زمان کنونی، افراط گرای در عمل نیست بلکه شایسته است پیش از برخورد با افراط گرای در حوزه عمل، دغدغه برخورد با آن را در حوزه نظری و اندیشه داشته باشیم. وی با تأکید بر ضرورت توجه به ریشه‌های افراطی گری گفت: در چنین کنفرانسی‌ها و کنفره‌هایی که برای ریشه کنی افراطی گرای در دنیا بر گزار می شود، باید توجه داشته باشیم داماهی که دنیا با این حالتی دو گانه به کشورهایی که مرکز تفکرهای تکفیری و افراطی هستند نگاه می کند، نمی توانیم چشم اندازی از گوشه شدن شدن پنجره عدالت داشته باشیم. سید علی خمینی نماینده امامی که افراط گرای ریشه در خاک و زمین داشته باشد، شمره افراط گرای همواره رشد خواهد کرد و چاره‌ای جز مبارزه وجود نخواهد داشت. یادگار امام را برای سخن خود ضم نکتی از سخن بزرگان دگان کنفرانس، یاد و خاطره افراطی انقلاب اسلامی را گرمای دانش و مستود و این موضوع را نیاز واقعی دانست. به امید روزی که گزینه نظامی روی هیچ میزی قرار نداشته باشد.

۱۰ پیشنهاد رئیس جمهوری برای مبارزه فوری با خشونت و افراطی گری

سرویس سیاسی – اجتماعی: رئیس جمهوری با تأکید بر ضرورت مبارزه هماگنی با خشونت و افراط گرای، ا تمامی کشورهای منطقه خواست با همکاری و هماهنگی و ایجاد ائتلاف و سیاستگذاری‌های منطقه‌ی و عقلانی، به سوی خاورمیانه‌ای صلح و صلح با امنیت گام بردارند.

به گزارش خبرنگار اطلاعات، حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی در پیروزی در کنشایش نخستین همایش بین المللی جهان علیه خشونت و افراطی گری که با حضور نمایندگان ۱۰ دهه‌های کشور جهان در محل سالن اجلاس سران بر گزار شد، با ابراز خرسندی از حضور مقام عالی رهبری، در فریختگان استادان، نویسندگان و خبرنگاران در این کنفرانس، گفت: استقبال جهانی از ایده جهان علیه خشونت و افراطی گری و تصویب آن در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با این اقامت کشورهای جهان، میزان ضرورت و اهمیت پرداختن به مقوله خشونت در جهان را نشان می دهد.

دکتر روحانی اظهار داشت: گر چه همکاری‌های گسترده اقتصادی و تعامل سیاسی در بخش‌های این نظام بین الملل، خشونت و افراطی گری را کاهش داد است ولی در عین حال متأسفانه در بخش‌های دیگری از جمله منطقه خاورمیانه، خشونت همچنان حضور دارد و بعضاً به طور روزانه جان دهها کودک، زن و مرد می گیرد. رئیس جمهوری با تأکید بر این که تمامی کشورها و جریان‌های حامی صلح باید با همکاری و تعامل، درجه نهادهای هماهنگی و جدیت خود را در مبارزه با خشونت و افراطی گری به حد اکثر برسانند، گفت: در نظام بین الملل امروز جنگ و درگیری‌های نظامی جز تولید هزینه و تنش و از هم گسیختگی زندگی اجتماعی و اقتصادی شهروندان غیر نفعی ندارد. اروپایی‌ها باید از ریشه‌های خشونت باز گیری و نزاع و دو جنگ جهانی در نهایت به همکاری‌های به هم نیتید، اقتصادی گرد نهانند. با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی، دستاوردهای بزرگی را برآی صلح و امنیت منطقه خود به ارغعان آوردند.

دکتر روحانی اشاره به این که همکاری‌های کشورهای آسیایی و آمریکای لاتین

به همکاری‌های کشورهای منطقه‌ای و قضایه‌ای در قز آیند اشتباهات مؤثر سیاسی و امنیتی گام برمی دارند، افزود: از عموم کشورهای منطقه درخواست می کنم که با همکاری و هماهنگی و ایجاد ائتلاف و سیاستگذاری‌های منطقه‌ی و عقلانی، به سوی خاورمیانه‌ای در سوی صلح و صلح با امنیت سوق پیدا کنیم.

رئیس جمهوری «دولتهای این منطقه را به مراتب علاقه مندرتر و دلسوزتر

در قبال آراش و مبارزه با خشونت دانست و گفت: هیچ ضرورتی دیده نمی‌شود که بازنگران فراتر از منطقه‌ای که منافع خاص خود را دنبال می کنند، سر نوشت مردم این منطقه را رقم بزنند. جهان عاری از خشونت در شرایطی محقق می شود که دولت‌ها با هم همکاری کنند و در سیاست گذاری‌ها هماهنگی باشند. وقتی دولت‌ها هماهنگ باشند، جریان‌های افراطی در حاشیه قرار خواهند گرفت.

رئیس دولت تدبیر و امید با تأکید بر این که همکاری‌ها مقلتر گرای بین‌المللی‌ها خود به سیاست‌های مشترک دست یابند می توانند در مدت زمان کوتاهی ریشه‌های خشونت را بشکستند، گفت: جمهوری اسلامی ایران در دوره جدید مدیریت و تدبیر و امید از روز نخست مسئولیت خود را بر عاتق آورده و مبارزه با خشونت تأکید کرد و در عموم مجامع منطقه‌ای و بین المللی خواستار همکاری دولت‌های ریشه کن در خشونت شد.

رئیس شورای عالی امنیت ملی تصریح کرد: تمامی نهادهای ارگان‌های ایران در این هدف ملی با یکدیگر هماهنگ هستند و در صورتی که کشورهای منطقه با یکدیگر هم بر سرند، می توانند جریان‌های ضد اسلامی تمام داعش را در مدت زمان کوتاهی به حاشیه برانند و هر از گاه آن را به واسطه فعالیت‌ها و جنبه‌های این جریان ضد انسانی بی‌خامان و اسیر شده‌اند، آزاد کنند. دکتر روحانی افزود: هیچ شرایطی موجب نیاز به حضور یکپانگان و نیروهای تدبیرجی در این منطقه نیست، امروزه‌های دینی ما مبارزه بر مدارا و تحمل و توسل به صلح و آشتی صورت کرده است. اسلام، دین رافت و رحمت و سیره پیامبر اسلام (ص) مبتنی بر عطفونیت است.

قرآن کریم علت نهایی رسالت پیامبر ابراهیم را رحمت می داند، مصافا که این اسلام از برای عدالت، صلح و برابری مسالمت آمیز را در آموزه‌های خود در تمامی ابعاد زندگی بشر ترویج می کند و ارتقاء می بخشد.

انجام خشونت به نام دین

رئیس جمهوری گفت: این واقعیتی شرم آور است که انواع خشونت‌ها مانند

باید و می تواند

باید و می تواند

باید و می تواند

باید و می تواند

باید و می تواند</

اصالت شعر و داستان

یا اصالت کلمه؟

<div></div>
هنگامه اهورا
مقدمه:
«شعر یا داستان؟» این پرسشی است که همواره در برخورد با اهالی قلم با آن رو به رو بوده‌ام و با توجه به ذوق هنری و فعالیت در عرصه ادبیات، تنها جوابم «شعر» بوده و این یعنی همه آن چیزی که به من حس برتری و اعتماد به نفس می‌داد. اما دیدری ناپایید که دچار روزمرگی و تکرار شدم، آن چنان که برای رسیدن به هوا و فضایی تازه، بهیچ‌ده هر ه‌دری می‌ردم. اما که کسر انجام تمام کم ششده‌ام در دنیای بی‌کران «مکتب ادبی اصالت کلمه» یافتم. همهٔ پیش فرض‌های ذهنی‌ام را در پرازنز قرار داده و بی هیچ ره توشه‌ای قدم در راهی گذاشتم که می‌دانستم هرگز هوای برگشت به سرم نمی‌دند.
چشم‌هایم را شستسم و آسمانی دیگر را به تماشا نشستم که نشان از رنگ تعلق ندارد... و اینک خرسندم که آموخته‌هایم را هر چند اندک و کم به اندازهٔ فهم خود از این مکتب ادبی چشم‌های ششودم در اختیار دوستانم قرار دهم.

مکتب و سبک‌های ادبی
با نگاهی گذرا به تاریخ ادبیات در می‌یابیم که مکتاب و سبک‌های ادبی جهان که بدون استثنا همهٔ مکتاب و سبک‌های ادبی پیشاغر یانستی راودر بر می‌گیرد یعنی مکتب‌هایی که اصالت را به شعر و داستان می‌دهند کلمه و وسیله‌ای دانسته‌اند برای ساختن الهه‌های شعر و داستان و بندهای در خدمت آنها. به عبارت دیگر از دید آنان شعر و داستان وجودی قائم به ذات دارند؛ در حالی که از دیدگاه مکتب ادبی اصالت کلمه، واژه ابعاد و پتانسیل‌های فراوانی دارد که هر یک از این مکتب یک یا چند ساحت از آن را کشف کرده و بقیهٔ ابعاد آن را نفی و انکار کرده‌اند.

مانند رومانتیسم که اصالت را به تخیل و احساس می‌دهد و خردگرایی (که شالوده مکتب پیشین خود یعنی کلاسیسیسم بود، نفسی می‌کند و رئالیسم هم که اصالت را به واقع گرایی می‌دهد، تخیل و احساس رومانتیسم را نادیده گرفته و باطل می‌داند و به این ترتیب تمامی اندیشمندان و نظر به‌پردازان تاریخ ادبیات جهان یعنی کسانی که زیر پرچم مکتب اصالت شعر و داستان قرار گرفته‌اند، از آغاز تا به امروز در مرحله نخست، اصالت را به شعر و داستان داده و کلمه را در خدمت آنها و ابزاری برای ساختنشان دانسته‌اند و در مرحله دوم دیدگاه و دنیای خودی را به اندازهٔ ساحت یا ساحت‌هایی از کلمه کوچک کرده و به انکار و مبارزه با دیگر ابعاد و پتانسیل‌های آن برخاسته‌اند.

ملا فرخ و فرخ‌زاد در گفتگو با حسن هنرمندی می‌گویند: «من در شعرم بیشتر از هر چیز دیگر سعی می‌کنم از زبان استفاده کنم؛ یعنی من چون این نقض را در دین شعر می‌خوانم احساس می‌کنم، نقضی که می‌شود احساس را کمبود دیدگاه گوناگون نامید.

شعر اما مقداری سنت به دنبال دارد. کلماتی دارد که مرتب در شعر دنبال می‌شود. همچنین، شعر امروز اگر قرار باشد شعر جاندار و زنده‌ای باشد باید از این کلمات ساختنشان دانسته‌اند و آنها را در خودش به کار بگیرد.» که مصداقی است از مکتب اصالت شعر و اشاره به این که از نظر باورمندان آن زبان، به عنوان وسیله‌ای در خدمت شعر است.

در جایی دیگر نیز در ص‌هاشنگذاری پیراج گر گین می‌گویند: «برای بیان این مسالله به هر حال احتیاج به یک زبان داریم، احتیاج به کلماتی که این مسائل را بیان کند. ولی من همیشه دیدام در کارهایی که می‌شود، این ترس برای اشخاص هست که چطور این کلمات را وارد شعر کنند. فکر می‌کنند این کلمه‌ها چون تا به حال توی شعر نیامده‌اند، بنابر این «شاعرانه نیستند».

اما واقعیت آن است که این ما نیستیم که کلمات را شاعرانه می‌کنیم، بلکه در کلمات به طور بالقوه ابعاد و پتانسیل‌های شاعرانهٔ بسیاری نهفته است که هنوز در متون ادبی کشف و استخراج نشده‌اند.
نیمای هوشیج هم در نامهٔ ۶۸ «حرف‌های همسایه» می‌نویسد: «زبان برای شاعر همیشه ناقص است. غنای زبان، رسایی و کمال آن به دست شاعر است و باید آن را بسازد... کسی که شعر می‌گوید، به کلمات خدمت می‌کند؛ زیرا اگر کلماتند که مصالح کار او هستند».

و متأسفانه این روال تا ظهور مکتب ادبی اصالت کلمه ادامه می‌یابد که جناب استاد دانش آذریک-بنیانگذار و تئورسین آن-برای اولین بار در تاریخ ادبیات جهان، کلمه را مادر شعر و داستان و دیگر ژانر‌های ناگفته و نهفته در ادبیات و شعر و داستان را وسیله‌ای برای رسیدن به کلمه دانسته و اعلام کرده‌اند. از دیدگاه ایشان در ادبیات، تنها کلمه قائم به ذات است و به هیچ وجه نمی‌توان وجود مستقلی را خارج از دنیای کلمه برای شعر و داستان تصور شد.

بسا البته این تئوری چنان شمول می‌توان ادبیات را به دو دیدگاه

«پیشاغر یانستی» مکتب اصالت شعر و داستان و- «غریبانستی» مکتب اصالت کلمه- تقسیم‌بندی کرد.

بنابر این هر که در دنیای ادبیات، کلمه را هدف و شعر و داستان را وسیله‌هایی در خدمت آن بداند، در دو دیدگاه غریبانستی قرار دارد و کلمه گراست و صرف نظر از سبک مکتبی که در آن فعالیت دارد. چنانچه کلمه را هدف و شعر و داستان را به عنوان پتانسیل‌هایی از کلمه- وسیله بداند، خواه ناخواه غریبان‌دیش است و اگر بر اساس تئوری‌های مکتب اصالت کلمه و ادبیات کلمه را رقم بزند یا تئوری جدیدی را کشف کند «غریبان‌نویس» می‌باشد.

بد نیست اشاره‌ای به «غریبان‌نویس» که به مکتب ادبی اصالت کلمه اطلاق می‌شود داشته باشیم. البته با توجه به این که «دکتر» به معنای پوشاندن حقیقت است یا پذیرفتن این واقعیت که همهٔ مکتاب و سبک‌های پیشاغر یانستی جهان، تنها یک یا چند پتانسیل کلمه را کشف و از آن استفاده کرده‌اند و بقیهٔ قابلیت‌های آن را فراموش کرده و به عبارت دیگر چهار فقر ادبی دیده‌اند، بر همگان آشکار می‌شود که غریبان‌نویس یعنی استفاده از تمامی ابعاد و پتانسیل‌های کلمه و غریبان در همهٔ قابلیت‌های آن که متأسفانه جناب آقای «حرف طایبانه» در نقدی بر کتاب «جنس سوم» می‌نویسد: «تجیرا کتابی به دستم رسید با عنوان «جنس سوم» که ظاهراً «جنسیت کارنامهٔ فرزندان دیدگاه‌های عریان» است. دیدگاه‌های عریان! چه عنوان عجیب و غریبی و چه فرامشی یا اروتیسم دارد».

بگذریم. اکثر مکتاب ادبی و فلسفی جهان دارای کلید و ازگان خاص خود هستند. مکتب ادبی اصالت کلمه نیز شامل کلید و «جنسیت ادبی» مانند: «شیرعت ادبی»، «طریقت ادبی»، «حقیقت ادبی»، «جهشیت ادبی»، «فراشعر»، «فراداستان» و... که لازم است برای فهم بیشتر مطالب نگاهی اجمالی به آنها داشته باشیم.

از دیدگاه مکتب ادبی اصالت کلمه، تمام مکتاب گوناگون ادبی با انواع سبک‌هایشان که با چارچوبه‌سازی، کلمه را در ژانر‌هایی که پذیرفته و در آن کلمه می‌زنند مجبور کرده‌اند «شیرعت ادبی» محسوب می‌شوند که هر یک فقط سبک یا ساحت‌هایی از دنیای هنری کلمه را کشف کرده و به عنوان آن هدف خود قرار داده‌اند و نقطهٔ مشترک همهٔ آنها رسیدن به متنی شاعرانهٔ اثر یا داستانی تر است که این نوعی تن دادن به ایستایی و دوش درد از تکامل ادبی بزرگ‌ترین ضعف مکتب اصالت شعر و داستان است. حال آن که مکتب ادبی اصالت کلمه با فراژی از محدودهٔ کوچک شعر و داستان متن را به جایی می‌رساند که از قید و بند تعاریفی که برای آن‌ها ارائه شده متن را، و اتحادی بین شعر و داستان برقرار می‌کند و در این حالت، چنانچه شعریت متن بیشتر باشد «فراشعر» و در صورتی که قصور بیشتر، بارزتر، «فراداستان» نامیده می‌شود که درو طریقت ادبی به فشار می‌آیند و کسی که در این راه قدم می‌زند، از شیرعت ادبی فراوری کرده و وارد «طریقت ادبی» شده است.

پس طریقت ادبی حرکتی است آن‌گونه‌که از خود هدف نمی‌سازد و دچار مطلق گرایی نمی‌شود و بدون این که ابعاد حقیقت کلمه را درک کند، همه را از خود دانسته و مقصودش کشف پتانسیل‌های نهفته و ناگفته کلمه و رسیدن به متنی که محور است.

در طریقت ادبی طریقت ادبی فراشعر و فراداستان به نقطه‌ای برسد که از غریب‌محوری و داستان‌محوری فراوری کرده باشد که نتوان تشخیص داد به حقیقت کلمه نزدیک‌ترند.

و اما «جنسیت ادبی» یا «ابرشیرعت ادبی» به ژانر‌های شعر و داستان اطلاق می‌شود که انواع شیرعت‌های فرامشی می‌مانند تا تئورهای رومانتیسم و ... در دل آن به وجود آمده‌اند. با پذیرفتن این که شعر و داستان دو جنسیت ادبی‌اند، «جنس سوم» ادبیات و «حقیقت ادبی» چیزی نیست از خود کلمه که در ادبیات در دهن خود به شکل یک هرم خرد و تصور در سیریم کنیم، جایگزینش در اس آن است. هر کلمهٔ قلمی خود را تمام پیش فرض‌هایم را عریان و از جنسیت‌ها و شیرعت‌های ادبی فراوری کند و در غرض حقیقت گرایی ادبی شده که این خود طریقت گرایی ادبی است

برای رسیدن به متون غریب و خلاق کلمه.

کتاب‌های آسمانی ادیان توحیدی، شیواترین و باشکوه‌ترین متون عربانند و لاترین نمونهٔ آنان کلام مقدس قرآن کریم است که با لحاظ ادبی هم پیشایم. همان‌ها بنیان‌بن توحید است و گذشتن از جنگ‌های هفتاد و دو ملی سبک‌های ادبی و شکستن به‌های شیرعت و قصویت و رسیدن به وحدت کلمه در متن غریان و کلمه‌محور.

یزد، سبزمین آرمیده در دل کوه‌های مرکزی ایران، کانون تمدنی بسیاری غنی و پویایی است که پیدایش آن ریشه در تاریخی بس کهن دارد. شرایط سخت طبیعی، کوه‌پایه‌ای لم‌یزد و عاری از هر گونه نشانهٔ حیات (که دور تا دور این سامان را فرا گرفته است)، خاک سرشار از فسفات اقلیم فراخشت، گرمای طاقت‌فرسای تابستان‌ها و سرمای پس سوزان زمستان‌ها، منابع آبی به شدت محدود، همه و همه دست به دست هم داده تا شرایط محیطی سخت ناسازگار (با طبیعت انسانی)، با ویژگی‌های دشوار برای زیستن را بر این سرزمین حاکم نماید.

چنین شرایطی، جدال بی‌امان انسان‌های ساکن این دیار با طبیعت قهار پیرامون را در طول تاریخ ناگزیر نموده و پتانسیل‌های فراوانی دارد که هر یک از این مکتب یک یا چند ساحت از آن را کشف کرده و بقیهٔ ابعاد آن را نفی و انکار کرده‌اند.

مانند رومانتیسم که اصالت را به تخیل و احساس می‌دهد و خردگرایی (که شالوده مکتب پیشین خود یعنی کلاسیسیسم بود، نفسی می‌کند و رئالیسم هم که اصالت را به واقع گرایی می‌دهد، تخیل و احساس رومانتیسم را نادیده گرفته و باطل می‌داند و به این ترتیب تمامی اندیشمندان و نظر به‌پردازان تاریخ ادبیات جهان یعنی کسانی که زیر پرچم مکتب اصالت شعر و داستان قرار گرفته‌اند، از آغاز تا به امروز در مرحله نخست، اصالت را به شعر و داستان داده و کلمه را در خدمت آنها و ابزاری برای ساختنشان دانسته‌اند و در مرحله دوم دیدگاه و دنیای خودی را به اندازهٔ ساحت یا ساحت‌هایی از کلمه کوچک کرده و به انکار و مبارزه با دیگر ابعاد و پتانسیل‌های آن برخاسته‌اند.

ملا فرخ و فرخ‌زاد در گفتگو با حسن هنرمندی می‌گویند: «من در شعرم بیشتر از هر چیز دیگر سعی می‌کنم از زبان استفاده کنم؛ یعنی من چون این نقض را در دین شعر می‌خوانم احساس می‌کنم، نقضی که می‌شود احساس را کمبود دیدگاه گوناگون نامید.

شعر اما مقداری سنت به دنبال دارد. کلماتی دارد که مرتب در شعر دنبال می‌شود. همچنین، شعر امروز اگر قرار باشد شعر جاندار و زنده‌ای باشد باید از این کلمات ساختنشان دانسته‌اند و آنها را در خودش به کار بگیرد.» که مصداقی است از مکتب اصالت شعر و اشاره به این که از نظر باورمندان آن زبان، به عنوان وسیله‌ای در خدمت شعر است.

در جایی دیگر نیز در ص‌هاشنگذاری پیراج گر گین می‌گویند: «برای بیان این مسالله به هر حال احتیاج به یک زبان داریم، احتیاج به کلماتی که این مسائل را بیان کند. ولی من همیشه دیدام در کارهایی که می‌شود، این ترس برای اشخاص هست که چطور این کلمات را وارد شعر کنند. فکر می‌کنند این کلمه‌ها چون تا به حال توی شعر نیامده‌اند، بنابر این «شاعرانه نیستند».

اما واقعیت آن است که این ما نیستیم که کلمات را شاعرانه می‌کنیم، بلکه در کلمات به طور بالقوه ابعاد و پتانسیل‌های شاعرانهٔ بسیاری نهفته است که هنوز در متون ادبی کشف و استخراج نشده‌اند.
نیمای هوشیج هم در نامهٔ ۶۸ «حرف‌های همسایه» می‌نویسد: «زبان برای شاعر همیشه ناقص است. غنای زبان، رسایی و کمال آن به دست شاعر است و باید آن را بسازد... کسی که شعر می‌گوید، به کلمات خدمت می‌کند؛ زیرا اگر کلماتند که مصالح کار او هستند».

و متأسفانه این روال تا ظهور مکتب ادبی اصالت کلمه ادامه می‌یابد که جناب استاد دانش آذریک-بنیانگذار و تئورسین آن-برای اولین بار در تاریخ ادبیات جهان، کلمه را مادر شعر و داستان و دیگر ژانر‌های ناگفته و نهفته در ادبیات و شعر و داستان را وسیله‌ای برای رسیدن به کلمه دانسته و اعلام کرده‌اند. از دیدگاه ایشان در ادبیات، تنها کلمه قائم به ذات است و به هیچ وجه نمی‌توان وجود مستقلی را خارج از دنیای کلمه برای شعر و داستان تصور شد.

بسا البته این تئوری چنان شمول می‌توان ادبیات را به دو دیدگاه «پیشاغر یانستی» مکتب اصالت شعر و داستان و- «غریبانستی» مکتب اصالت کلمه- تقسیم‌بندی کرد.

بنابر این هر که در دنیای ادبیات، کلمه را هدف و شعر و داستان را وسیله‌هایی در خدمت آن بداند، در دو دیدگاه غریبانستی قرار دارد و کلمه گراست و صرف نظر از سبک مکتبی که در آن فعالیت دارد. چنانچه کلمه را هدف و شعر و داستان را به عنوان پتانسیل‌هایی از کلمه- وسیله بداند، خواه ناخواه غریبان‌دیش است و اگر بر اساس تئوری‌های مکتب اصالت کلمه و ادبیات کلمه را رقم بزند یا تئوری جدیدی را کشف کند «غریبان‌نویس» می‌باشد.

بد نیست اشاره‌ای به «غریبان‌نویس» که به مکتب ادبی اصالت کلمه اطلاق می‌شود داشته باشیم. البته با توجه به این که «دکتر» به معنای پوشاندن حقیقت است یا پذیرفتن این واقعیت که همهٔ مکتاب و سبک‌های پیشاغر یانستی جهان، تنها یک یا چند پتانسیل کلمه را کشف و از آن استفاده کرده‌اند و بقیهٔ قابلیت‌های آن را فراموش کرده و به عبارت دیگر چهار فقر ادبی دیده‌اند، بر همگان آشکار می‌شود که غریبان‌نویس یعنی استفاده از تمامی ابعاد و پتانسیل‌های کلمه و غریبان در همهٔ قابلیت‌های آن که متأسفانه جناب آقای «حرف طایبانه» در نقدی بر کتاب «جنس سوم» می‌نویسد: «تجیرا کتابی به دستم رسید با عنوان «جنس سوم» که ظاهراً «جنسیت کارنامهٔ فرزندان دیدگاه‌های عریان» است. دیدگاه‌های عریان! چه عنوان عجیب و غریبی و چه فرامشی یا اروتیسم دارد».

بگذریم. اکثر مکتاب ادبی و فلسفی جهان دارای کلید و ازگان خاص خود هستند. مکتب ادبی اصالت کلمه نیز شامل کلید و «جنسیت ادبی» مانند: «شیرعت ادبی»، «طریقت ادبی»، «حقیقت ادبی»، «جهشیت ادبی»، «فراشعر»، «فراداستان» و... که لازم است برای فهم بیشتر مطالب نگاهی اجمالی به آنها داشته باشیم.

از دیدگاه مکتب ادبی اصالت کلمه، تمام مکتاب گوناگون ادبی با انواع سبک‌هایشان که با چارچوبه‌سازی، کلمه را در ژانر‌هایی که پذیرفته و در آن کلمه می‌زنند مجبور کرده‌اند «شیرعت ادبی» محسوب می‌شوند که هر یک فقط سبک یا ساحت‌هایی از دنیای هنری کلمه را کشف کرده و به عنوان آن هدف خود قرار داده‌اند و نقطهٔ مشترک همهٔ آنها رسیدن به متنی شاعرانهٔ اثر یا داستانی تر است که این نوعی تن دادن به ایستایی و دوش درد از تکامل ادبی بزرگ‌ترین ضعف مکتب اصالت شعر و داستان است. حال آن که مکتب ادبی اصالت کلمه با فراژی از محدودهٔ کوچک شعر و داستان متن را به جایی می‌رساند که از قید و بند تعاریفی که برای آن‌ها ارائه شده متن را، و اتحادی بین شعر و داستان برقرار می‌کند و در این حالت، چنانچه شعریت متن بیشتر باشد «فراشعر» و در صورتی که قصور بیشتر، بارزتر، «فراداستان» نامیده می‌شود که درو طریقت ادبی به فشار می‌آیند و کسی که در این راه قدم می‌زند، از شیرعت ادبی فراوری کرده و وارد «طریقت ادبی» شده است.

پس طریقت ادبی حرکتی است آن‌گونه‌که از خود هدف نمی‌سازد و دچار مطلق گرایی نمی‌شود و بدون این که ابعاد حقیقت کلمه را درک کند، همه را از خود دانسته و مقصودش کشف پتانسیل‌های نهفته و ناگفته کلمه و رسیدن به متنی که محور است.

در طریقت ادبی طریقت ادبی فراشعر و فراداستان به نقطه‌ای برسد که از غریب‌محوری و داستان‌محوری فراوری کرده باشد که نتوان تشخیص داد به حقیقت کلمه نزدیک‌ترند.

و اما «جنسیت ادبی» یا «ابرشیرعت ادبی» به ژانر‌های شعر و داستان اطلاق می‌شود که انواع شیرعت‌های فرامشی می‌مانند تا تئورهای رومانتیسم و ... در دل آن به وجود آمده‌اند. با پذیرفتن این که شعر و داستان دو جنسیت ادبی‌اند، «جنس سوم» ادبیات و «حقیقت ادبی» چیزی نیست از خود کلمه که در ادبیات در دهن خود به شکل یک هرم خرد و تصور در سیریم کنیم، جایگزینش در اس آن است. هر کلمهٔ قلمی خود را تمام پیش فرض‌هایم را عریان و از جنسیت‌ها و شیرعت‌های ادبی فراوری کند و در غرض حقیقت گرایی ادبی شده که این خود طریقت گرایی ادبی است

برای رسیدن به متون غریب و خلاق کلمه.

کتاب‌های آسمانی ادیان توحیدی، شیواترین و باشکوه‌ترین متون عربانند و لاترین نمونهٔ آنان کلام مقدس قرآن کریم است که با لحاظ ادبی هم پیشایم. همان‌ها بنیان‌بن توحید است و گذشتن از جنگ‌های هفتاد و دو ملی سبک‌های ادبی و شکستن به‌های شیرعت و قصویت و رسیدن به وحدت کلمه در متن غریان و کلمه‌محور.

ایران شناسی

دانشنامهٔ مشاهیر یزد آمده است؛ همواره در خدمت به آموزش و پرورش و امور فرهنگی گذشته است. از جملهٔ این موارد می‌توان به ریاست هنرستان فنی دکتر ناصر اعظم، معاونت آموزش و پرورش شهرستان تفت، ریاست آموزش و پرورش هنرستان صدوق و مدیریت کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان یزد و مشاورت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره کرد.

در کنار این فعالیت‌ها، ایشان تحصیلات حوزوی را برای آشنایی با علوم دینی در مدرسهٔ امام خمینی (ره) و شعبهٔ یزد دنبال نمود و با فراگیری دورهٔ تخصصی جنگ‌های م.م.م. (ششمین، میگرپی –رادپاکوی) در دوران دفاع مقدس و جنگ تحمیلی، به آموزش آن در دانشگاه آزاد و جبهه‌های جنگ تحمیلی پرداخت.

آقای کاظمی علاوه بر سمته‌های رسمی در مقام مدیرکل و بلدنگی میبد ساکن.

مردم این سامان، در طول تاریخی که به قرن‌ها قبل از اسلام بازمی‌گردد، تاکنون نه‌تنها به چنین مهمی ناآل آمده‌اند، بلکه قادر گشته‌اند بستری را فراهم نمایند که بنیانگذار فرهنگ و تمدنی سخت و پویاو از جهات بسیاری، منحصربه‌فرد باشد. فرهنگی با هویت، ریشه‌دار و آکنده از نشانه‌های اصالت‌هایی قومی ایرانی که در برخورد با اسلام، غنایی بس شگرف یافته و موجد یکی از اصیل‌ترین فرهنگ‌های ایرانی و اسلامی گردیده است.

در این رهگذر، اسان یزد آثار بی‌بدیل و میراث‌های گرانبه‌ای را به جهان اسلام و مبین عزیز اسلامی تقدیم داشته است که در نوع خود بی‌نظیر و انحصاری است – در واقع، همان‌گونه که دشواری زندگی ایجاب می‌نموده است، چهره‌های شاخص علمی، دینی، فرهنگی، هنری و… این سامان، نیز با امرارت و سبک‌های ویژه‌ای، قله‌های مجد و افتخار را طی نموده‌اند.به تعبیری هیچ‌یک در این سرزمین، گل زار نبوده‌اند است، آنچه که هست ریشه در رنج و خون دل انسان کوب‌نشین دارد؛ اما این مکتب یک یا چند ساحت از آن شرایط و ویژگی‌های محیطی سخت و طاقت‌فرسا، خود را آزاد نموده و کانی بلند برپیان‌های سخت‌کوشی، قناعت، خلاقیت، ینار و توکل از علم و فرهنگ و هنر بی‌ریزی کند. متأسفانه چون بسیاری دیگر از مناطق ایران‌زمین، از گزند تندباد ویرانگر تراج بیگانگان در امان نمانده و آسیب‌های فراوان دیده است.

در این پورش بی‌امان و بیغباری بی حساب، بسیاری از کتاب‌ها، اشیا، نوشتارها و دیگر دست‌آورد‌های هنری، علمی و فرهنگی بی‌بدیل که همگی نشانه‌های هویت‌اصل و غنای فرهنگ مردم این سامان است، به تاراج رفته است. جولا که این تکراری آن چنان گسترده است که با وق هیچ عامل ویرانگر دیگری چون این نمی‌توانسته است این سبدهای گوناگون را در دین شعر می‌خوانم احساس می‌کنم، نقضی که می‌شود احساس را کمبود دیدگاه گوناگون نامید.

یزدزمین و پستی خانه‌ها تا شنبستان و سر درگاه مساجد و پستی بلندی آوها، دهمه‌ها، کتک‌ها و ها کوشتن خلوت گورستان‌ها، هیچ کجا از این همهٔ وحشتناک در امان نمانده است و مع‌الأسف از همانجا که ما از خود کاسته‌ایم، لور، آرمیتاز، بریتیش میوزیم، متروپولیتن و ده‌ها مسجد و کتابخانه دولتی و غیردولتی دیگر اروپا و آمریکا را بر روی خود افزوده‌اند و در واقع با داشته‌های خود ما بر فخر فروخته و می‌فروشند. در این رهگذر جز تأتف و تحسّر و به‌ویژه‌ای با خواجه بلندآوازهٔ شیراز، جناب حافظ که فرمود:

جای آن است که خون مجاز در دل لعل

زین تیره‌ای که خرف می‌شکند بازارش

چیزی برای ما نمی‌ماند. شاید روح‌نما آیت‌اللهی که در ذهن پیدار میرزا امجد کاظمی می‌شود شده است ناشی از درک همین واقعیت و تلخی این ماجرا می‌گمانیم.چیز باشد. از آن‌ها آواز جوانی یا این واقعیت‌های دردناک پیرامونی آشنای می‌گردد و عظمت فاجعه را با همهٔ ابعاد و جودی خود لمس می‌نماید. متأسفانه

◆◆◆
* **از همانجا که ما از خود کاسته‌ایم، لور، آر میتاز، بریتیش میوزیم، متروپولیتن و صدها موزه و کتابخانه دولتی و غیردولتی دیگر اروپا و آمریکا بر روی ق خود افزوده‌اند**

و در واقع با داشته‌های خود ما بر م‌اخر فروخته و می‌فروشند

◆◆◆

در میان عموم مردم بسیار اندکند آن‌ها که با تمامی وجود خود، آثار و عواقب این تاراج و هشتناک فرهنگی را لمس نموده باشند و بسیار بسیار نادرند کسانی که عملاً برای اهرس این چنین خطر ناک از خود می‌اندیش باشند.

تاریخ معاصر یزد را بزرگ‌مرد دیگری در این وادی نام می‌برد که با پوست و گوشت و استخوان خود، عظمت فاجعه را درک کرد و مردانه و با همتی استوار گام در میان طویل ساخته شده است. این بنا که به کمک معماری سنتی این سامان، حجت‌الاسلام و المسلمین حاج سیدعلی محمد وزیری (ره)، در حفظ و صیانت از دستاوردهای عظیم فرهنگی این استان، قبلاً این مجموعه در زیرزمین مسجد جامع کبیر یزد (برای حفظ و نگهداری مهم‌ترین آثار تاریخی اسلامی این استان) و جمع‌آوری نسخ کتبای کتاب‌های خطی و آنگاه تأسیس کتابخانهٔ وزیر و وصیت ایشان در تشکیل موزه و بنیاد پژوهش‌دانشی (در پوشش آستان قدس رضوی) خدماتی پس پراجاز است که در عظم آن را تنها فرهنگیان دلسوزی می‌توانند درآیند

که با همهٔ وجود خود، حق فاجعهٔ تکراری و تحریب و تخریب بی‌غباری میراث‌های فرهنگی را احساس و همهٔ زوایا و ابعاد گستردهٔ آن را درک کرده باشند و چه بسا به این دلیل تا تجلیل از وزیری در حیاتش، عدای جاهل، نهمت‌هایی به ایشان روا داشته‌اند!

و اینک پس از گذشت سالیانی که از آن کار بزرگ و فقدان آن بزرگوار گذشته است، بار دیگر انسانی غیرتمدن و دلسوختهٔ فرهنگ این سامان و این کشور، قد علم نموده و در جهت حفظ دستاوردهای فرهنگی، آنچه را که در توان داشته، در طبق اخلاص گذاشته است.
شایان ذکر است که علاوه بر کتابخانه تخصصی تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و کتب خطی ادیان، اسناد و نسخ خطی، سکه و اسکناس، مکتب، نگین و مهر و نسخای تاریخی، تمبر و کبریت) که جناب آقای میرزا امجد کاظمی، طی سال‌ها با صبر و وقت و حوصله و بذل سرمایه شخصی خود گردآوری نموده و با همت و اراداد برای نظیر، در جوار حرم امامزاده جعفر (علیه‌السلام)، در معرض نمایش گذارده و سمران آثار و اساطی سه قف‌نامه بر آن آستان مقدس وقف نموده است؛ این‌ها بنیانگذار بنیاد فرهنگی پژوهشی ریحانهٔ رسول(س) نیز هستند که در حال حاضر نیز با وسعت و گسترش آن، به قف‌نامه بر آن آستان مقدس تاریخ و اسناد مطبوعاتی و موزه (کتابخانهٔ هفت‌گانه: قرآن و ک

مجلس با بازار سرمایه همراه شود

حصول ۶۰ درصد از تحرکات بازار منوط به احکام بودجه است و امیدواریم که شورای پول و اعتبار همکاری لازم را با بازار سرمایه داشته باشند.

استنباط از روند مذاکرات و نتیجه حاصله مثبت است و با توجه به پیش بینی و اعتمادی که از فضای مذاکراتی به چشم می خورد نگرانی در این خصوص وجود ندارد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه(سنا)، محمد علی احمد زاد اصل مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری گروه صنایع بهشهر در خصوص فاکتورهایی که در روزهای اخیر بر بازار سرمایه تأثیر گذاشته است اظهار داشت: به نظر می رسد روند مذاکرات هسته ای و حتی تمدید آن کاملاً به نفع ایران بوده و با توجه به اعتمادی که از فضای مذاکرات حاصل شده است پیش بینی می شود نگرانی در این مورد وجود نداشته باشد. احمدزاد اصل در ادامه افزود: اما نگرانی ایجاد شده از فضای مذاکرات در میان حقیقی ها بیشتر از حقوقی هاست و با احتساب فعالیت های این گروه، نگرانی این قبیل سهامداران در بازار نقش تعیین کننده ای دارد و فضای معاملاتی بازار را منفی جلوه داده است در حالی که این نگرانی در میان حقوقی ها وجود ندارد.

وی ادامه داد: التهاب موجود در بین حقیقی ها به زودی فروکش می کند و بازار به شرایط عادی باز میگردد اما حقیقی ها در این میان باید تحمل خود را بالا ببرند.مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری گروه صنایع بهشهر در ادامه خاطر نشان ساخت: دلایلی که حقوقی ها در مقابل حقیقی ها ضعیف برخورد می کنند از دو جنبه قابل بررسی است. جنبه منفی آن این است که حقوقی ها منابع خود را این بازار تأمین نمی کنند و جنبه مثبت آن این است که این منابع صرف کاری های توسعه ای و افزایش سرمایه می شود که خود چشم اندازاتی شرکت و صنعت را مناسب جلوه می دهد.

احمدزاد اصل بیان یکی دیگر از فاکتورهای تأثیرگذار در بازار را بودجه دانست و افزود: یک نگرانی عمده ای که حقوقی ها دارند و باعث کم تحرکی آنها شده است احکام بودجه ای است، در میان اعضای بازار این ابهام وجود دارد که در نهایت نرخ خوراک پتروشیمی به چه صورت تعیین می شود در حالی که این صنایع در حدود ۴۰ درصد بازار را تشکیل می دهند.

ادامه و نگرانی بعدی در مورد بودجه نرخ بهره مالکانه است که هنوز تکلیفی برای آن روشن نشده است و به نظر می رسد اعلام نتیجه آن بازار را تحت تأثیر قرار دهد.

مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری گروه صنایع بهشهر در ادامه در باره بودجه اعلام داشت: به هر حال ۶۰ درصد از شرکت های حاضر در بازار سرمایه متاثر از احکام بودجه هستند و امیدواریم که شورای پول و اعتبار همکاری لازم را با بازار سرمایه داشته باشد.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص های بورس

عنوان شاخص	مقدار	پیشین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۷۱۳۸۱/۷	۷۱۴۱۲/۵	۷۱۳۳۳/۳	۵/۱	۰/۱
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۲۲۵	۳۲۲۸	۳۲۲۴/۷	(۱/۴)	(۰/۴)
شاخص آزادشاور	۸۱۸۲۹/۹	۸۱۹۴۷/۷	۸۱۸۲۰/۸	(۱۷/۸)	(۰/۲)
شاخص بازاراول	۵۲۶۲۲/۳	۵۲۶۳۸/۲	۵۲۶۱۷/۳	(۳۹/۸)	(۰/۸)
شاخص بازار دوم	۱۴۰۱۴۵/۳	۱۴۰۱۴۳/۳	۱۳۹۸۰/۳	۲۹۷/۳	۰/۲۱
شاخص صنعت	۵۹۸۰۲/۶	۵۹۸۰۳/۱	۵۹۷۸۴/۹	۳/۴	۰/۱

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه۹۳/۹/۱۸)

مجموع حجم معاملات	۵۹۴/۴۲۱/۸۵۴ سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۷۰۷/۱۲۱ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۵۲۹۷۹ معامله
ارزش بازار	۳۲/۲۴۶/۷۲۲ میلیارد ریال

بازمندیهای اطلاعات

فروش

فروش خودرو مدل ۲۰۱۵
تعمیل
۷۰۰ کیلومتر

فروش توئیتل ۳۶۰

فروش توئیتل ۳۶۰
تعمیل
۲۲۰۵۱۹۱۹

فروشی خودرو مدل ۲۰۱۵
تعمیل با قیمت مناسب
۹۱۱۳۳۴۰۰۷۵ (س)

حمل و نقل

حمل و نقل
۹۰۰ کیلومتر

اتوبار

اتوبار
۱۰

خدمات صنعتی

خدمات صنعتی
۹۵۰ کیلومتر

فروش سایر املاک

فروش سایر املاک
۱۵۰۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

پرساله

پرساله
تعمیل
۷۰۰ کیلومتر

مشارکت در ساخت مواضع
تجاری اداری
مسکونی مبله و غیر مبله
۲۲۰۵۱۹۱۹

خدمات مسافرتی

خدمات مسافرتی
۴۰ کیلومتر

کانادا

کانادا
اقامت. تحصیل
۸۲۸-۲۵۹۹

پیمایه شخصی

پیمایه شخصی
۲۰ کیلومتر

خدمات صنعتی

خدمات صنعتی
۹۵۰ کیلومتر

فروش سایر املاک

فروش سایر املاک
۱۵۰۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک

خدمات املاک
۱۰ کیلومتر

خدمات املاک



نیزیا



برای اطلاعات بیشتر به وب سایت یا نمایندگی های مجاز شرکت کرمان موتور مراجعه نمایید



www.kermanmotor.ir

امداد خودرو کرمان موتور

۰۲۱ ۶۴۰۲۶



شهر	کد	نمایندگی	تلفن	کد شهر
اهواز	۲۲۰۲	زیبایی	۳۵۵۶۷۷۲۳-۴	۰۶۱
دزفول	۲۲۰۳	مسعودفر	۴۲۲۳۲۱۳۱	۰۶۱
اهواز	۲۲۰۴	خانم زاهدی وفا	۳۳۳۷۷۴۱۴۶	۰۶۱
بهبهان	۲۲۰۵	دارخال	۱۳۳۳۶۰۵۰	۰۶۷
زنجان	۲۳۰۲	قربانیان	۳۳۳۳۷۰۷۱-۳	۰۲۴
زنجان	۲۳۰۳	خاکی پرست	۳۳۳۲۱۳۲۹	۰۲۴
شاهرود	۲۴۰۱	کلاته	۳۲۲۴۴۱۲۶-۷	۰۲۳
سمنان	۲۴۰۲	اربعه	۳۳۳۰۴۹۸۲	۰۲۳
شاهرود	۲۴۰۳	رضایی	۳۲۳۹۳۰۰۲	۰۲۳
زاهدان	۲۵۰۱	غازی زاده	۳۳۳۳۱۹۸۱	۰۵۴
شیراز	۲۶۰۳	زارع	۳۶۷۱۲۱۵۴	۰۷۱
مرودشت	۲۶۰۵	شیروانی	۸۳۳۳۹۳۶۸	۰۷۲
شیراز	۲۶۰۶	حسینی	۳۲۳۴۵۵۵۲ - ۳۲۳۴۵۵۵۱	۰۷۱
شیراز	۲۶۰۷	رستمی	۳۸۴۲۴۸۲۸ - ۳۸۴۲۴۹۴۱	۰۷۱
شیراز	۲۶۰۸	تعمیرگاه مرکزی شیراز (سالاری)	۳۸۳۱۶۴۶۵ - ۳۸۳۱۶۲۶۳	۰۷۱
آباده	۲۶۰۹	نیکو	۴۴۳۶۴۰۱-۴	۰۷۱
جهرم	۲۶۱۰	حاجی پور	۵۴۴۴۶۷۵۶	۰۷۱
قروین	۲۷۰۱	شرکت سفیر خودرو امین (طیبا)	۳۳۵۵۹۷۶۲	۰۲۸
قم	۲۸۰۱	شرکت خدماتی نگین خودرو قم (حسنخانی)	۳۶۶۶۶۴۴۱-۲	۰۲۵
قم	۲۸۰۲	مصمصامی	۳۸۸۷۷۷۰۰	۰۲۵
سندسج	۲۹۰۱	مومنی	۳۳۲۴۴۴۸۳ - ۳۳۲۸۹۹۵۹	۰۸۷
کرمان	۳۰۰۱	شرکت خدمات بازرگانی هزار (برازوان)	۳۳۲۵۷۸۰۲	۰۳۴
بم	۳۰۰۲	امانیان	۴۴۳۱۳۳۳۱	۰۳۴
رفسنجان	۳۰۰۳	میرزایی	۳۴۲۸۷۷۱۰-۱۱	۰۳۴
بم	۳۰۰۵	صوفی آبادی	۴۴۲۲۰۷۵۳	۰۳۴
کرمان	۳۰۰۷	شجاعی	۳۲۷۲۸۷۴۴	۰۳۴
سیرجان	۳۰۰۸	صفاری	۴۲۲۸۰۱۰۰	۰۳۴
جیرفت	۳۰۰۹	کریمی افشار	۴۲۳۰۱۰۱۷	۰۳۴
بم	۳۰۱۰	ادیب	۴۴۳۱۹۷۷۸	۰۳۴
کرمان	۳۰۱۱	شرکت خدمات بازرگانی هزار (برازوان)	۳۳۲۵۷۸۰۲	۰۳۴
رفسنجان	۳۰۱۲	یوسفی	۳۴۸۲۰۷۹۳	۰۳۴
کرمانشاه	۳۱۰۱	الهیاری	۳۸۲۱۳۸۴۲-۳	۰۸۳
یاسوج	۳۲۰۱	زارع	۳۳۳۴۶۰۶۰	۰۷۴
گرگان	۳۳۰۲	جلالی	۳۲۱۴۵۸۲۲ - ۳۲۱۳۰۱۹۴	۰۱۷
گنبد کاووس	۳۳۰۳	ولی محمدی	۳۳۲۲۲۴۴۷ - ۳۳۲۲۲۸۶۵	۰۱۷
گرگان	۳۳۰۴	جلالی	۳۲۱۲۹۷۴۰	۰۱۷
آق قلا	۳۳۰۵	سقر	۳۴۵۲۷۴۰۴	۰۱۷
کلاله	۳۳۰۶	خوجه	۳۵۴۲۱۸۰۸	۰۱۷
رشت	۳۴۰۳	شرکت دیار بهمن شمال (میر خداوندی)	۳۳۲۵۵۳۵۵	۰۱۳
لاهیجان	۳۴۰۴	طواف زاده	۴۲۲۳۸۱۵۸ - ۴۲۲۳۹۵۲۳	۰۱۳
رشت	۳۴۰۶	شرکت بنیان خودرو زرین (قربانی)	۳۴۴۹۱۷۵۱-۴	۰۱۳
خرم آباد	۳۵۰۱	ناصری	۳۳۴۰۱۰۴۰	۰۶۶
چالوس	۳۶۰۱	فقیه نصیری	۵۲۲۵۲۸۸۶	۰۱۱
بایل	۳۶۰۲	آقاچانی	۳۲۲۷۲۹۲۴	۰۱۱
تنکابن	۳۶۰۳	کاویانی	۵۴۲۷۲۴۴۴ - ۵۴۲۷۵۰۰۰	۰۱۱
آمل	۳۶۰۷	موسوی	۴۴۲۸۸۵۰۱	۰۱۱
ساری	۳۶۰۸	عرب خزائلی	۳۳۷۶۸۵۰	۰۱۱
بابل	۳۶۰۹	صادقی	۳۲۲۵۲۵۰۰ - ۳۲۲۵۲۵۰۵	۰۱۱
محمودآباد	۳۶۱۰	موسوی	۴۴۷۳۵۰۲۷	۰۱۱
بایل	۳۶۱۱	ابوالحسنی	۳۲۲۵۰۷۵۰	۰۱۱
بایل	۳۶۱۲	ابوالحسنی	۳۲۲۶۳۹۸۸	۰۱۱
نوشهر	۳۶۱۳	ابوالحسنی	۵۲۰۴۴۶۴۸	۰۱۱
ساری	۳۶۱۵	غلامیان	۳۳۳۴۹۷۴۱	۰۱۱
اراک	۳۷۰۲	محمدی	۳۲۷۷۳۶۱۲	۰۸۶
ساوه	۳۷۰۳	نیکوکار	۴۲۴۶۰۲۲۹	۰۸۶
همدان	۳۹۰۱	اهور	۳۲۶۵۶۵۶۵	۰۸۱
همدان	۳۹۰۲	باب الحوائجی	۳۴۲۶۵۸۰۲	۰۸۱
یزد	۴۰۰۱	شرکت احرار (فرشی)	۳۸۲۵۴۴۷۰	۰۳۵
یزد	۴۰۰۳	شرکت احرار (فرشی)	۳۵۲۱۸۳۰۲	۰۳۵
میبد	۴۰۰۴	شرکت احرار (فرشی)	۳۲۳۴۶۹۸۸	۰۳۵

شهر	کد	نمایندگی	تلفن	کد شهر
تبریز	۱۰۰۱	شرکت تیزران خودرو (علیپور)	۳۲۸۶۱۱۴۳-۵	۰۴۱
تبریز	۱۰۰۲	شرکت بانیان خودرو خودکار (خودکار)	۳۵۵۱۲۷۲۴ - ۳۶۳۷۹۰۲۰-۴	۰۴۱
مراغه	۱۰۰۳	شرکت رصد خودرو مراغه (فرخنده حال)	۳۷۲۷۶۸۶۸-۷۴	۰۴۱
ارومیه	۱۱۰۱	جوانمشن	۳۲۷۲۲۲۸۷-۳۲۷۲۰۰۸۵	۰۴۴
ارومیه	۱۱۰۳	جوانمشن	۳۲۳۸۲۰۰۱	۰۴۴
سلماس	۱۱۰۴	منسوبی	۳۵۲۲۴۶۷۳	۰۴۴
ارومیه	۱۱۰۵	جوان کیا	۳۲۳۷۴۸۳۲	۰۴۴
خوی	۱۱۰۶	شکاری	۳۶۴۵۸۳۳۵	۰۴۴
اردبیل	۱۲۰۱	فصاحتی	۳۳۶۱۲۵۳۲	۰۴۵
اصفهان	۱۳۰۱	حاج نبلی	۳۶۲۶۱۱۸۱-۳	۰۳۱
اصفهان	۱۳۰۲	بشنام	۳۳۲۰۶۳۶۱	۰۳۱
شهرضا	۱۳۰۳	گلایی	۵۳۲۸۷۲۵۳	۰۳۱
اصفهان	۱۳۰۴	شرکت حافظ قطعات (یاوری)	۳۳۸۶۸۹۰۰	۰۳۱
کرج	۱۴۰۱	معینی و زمانی	۳۴۶۷۹۰۹۵	۰۲۶
کرج	۱۴۰۲	صفری	۳۴۳۳۳۴۳۹ - ۳۴۳۳۳۴۳۶	۰۲۶
کرج	۱۴۰۳	باقری	۳۲۷۳۸۰۶۰	۰۲۶
مارلیک	۱۴۰۴	شاه محمدی	۶۵۱۵۷۹۷۹	۰۲۱
کرج	۱۴۰۷	باقری	۳۴۲۰۴۹۲۹	۰۲۶
ایلام	۱۵۰۱	ریسی	۳۳۸۴۰۲۶	۰۸۴۱
بوشهر	۱۶۰۱	کاردانی	۳۳۳۳۵۲۶۰ - ۳۳۴۵۲۱۳۱	۰۷۷
ذیر	۱۶۰۲	بحرانی	۳۵۴۲۸۶۰۸	۰۷۷
تهران	۱۷۳۰	مومنی	۷۷۶۲۶۹۸۵-۷	۰۲۱
تهران	۱۷۳۱	پایدار فرد	۲۲۸۴۰۰۸۸	۰۲۱
تهران	۱۷۳۲	شرکت آدونیس خودرو (ریقوبیان)	۸۸۶۱۸۶۵۰-۳	۰۲۱
تهران	۱۷۳۳	خسروانی	۶۶۰۱۵۵۰۲	۰۲۱
تهران	۱۷۳۴	میرزایی	۸۸۴۳۳۶۸۴	۰۲۱
تهران	۱۷۳۶	خرمی	۸۸۹۶۶۹۶۶	۰۲۱
تهران	۱۷۳۹	خانم غلامی	۶۶۶۴۴۵۲۸ - ۶۶۶۳۴۹۵۳	۰۲۱
تهران	۱۷۴۲	شرکت دنیز پارس آریا (بیگزاده)	۴۴۶۷۱۰۸۵ - ۴۴۶۹۷۶۳۱	۰۲۱
اسلامشهر	۱۷۴۶	مقدسی	۵۶۱۲۲۲۱۲ - ۱۴	۰۲۱
تهران	۱۷۴۷	زیبایی	۲۲۲۲۵۶۰۲ - ۲۲۲۲۴۶۷۶	۰۲۱
تهران	۱۷۴۸	خدامدیی	۴۴۴۲۷۹۳۶	۰۲۱
تهران	۱۷۵۱	مرادی	۲۲۳۲۲۴۴۸	۰۲۱
تهران	۱۷۵۲	رفیعی نیا	۶۴۴۳۴۳۱۲	۰۲۱
تهران	۱۷۵۳	زارعی	۴۴۴۵۳۶۱۲-۴	۰۲۱
تهران	۱۷۵۴	شرکت اوج صنعت غرب (مشایخ)	۵۵۴۰۱۲۱۳	۰۲۱
تهران	۱۷۵۶	زارع	۴۴۸۰۸۷۹۶	۰۲۱
تهران	۱۷۵۹	شرکت بادران گستر ایرسا(علوی نسب)	۳۳۷۸۷۶۸۷ - ۳۳۷۸۷۶۸۶	۰۲۱
تهران	۱۷۶۱	نیکوکار	۲۲۹۸۷۸۹۳-۳	۰۲۱
تهران	۱۷۰۳	شرکت هوپک پارس (هوپک)	۲۲۵۲۳۵۷۳	۰۲۱
تهران	۱۷۰۶	فتوحی	۶۶۴۰۶۰۲۱	۰۲۱
تهران	۱۷۰۷	شرکت اوج صنعت غرب (مشایخ)	۴۴۵۲۳۶۰۴ - ۴۴۵۰۳۰۷۷	۰۲۱
ری	۱۷۰۸	سلیمانی پور	۳۳۷۶۶۱۶۱	۰۲۱
تهران	۱۷۰۹	تعمیرگاه مرکزی شماره ۴ (علوی نسب)	۷۷۳۳۳۴۱۰ - ۷۷۹۶۶۵۶۱	۰۲۱
تهران	۱۷۱۱	تعمیرگاه مرکزی شماره ۲ (محمدی)	۴۴۹۸۲۰۰۰-۳	۰۲۱
تهران	۱۷۱۳	هزیری هوتکی	۷۷۵۹۵۹۷۰	۰۲۱
تهران	۱۷۱۴	مددی مهر	۵۵۳۲۰۹۰۸	۰۲۱
تهران	۱۷۱۵	تعمیرگاه مرکزی شماره ۳ (زارعی)	۶۶۸۱۹۸۱۸	۰۲۱
تهران	۱۷۱۶	شرکت آوا خودرو همراه (غلامی)	۶۶۶۴۴۱۲۶	۰۲۱
بروجن	۱۸۰۱	بنایی	۳۴۲۲۱۷۷۹	۰۳۸
بیرجند	۱۹۰۲	غازی زاده	۳۲۴۴۶۵۰۹	۰۵۶
مشهد	۲۰۰۱	تعمیرگاه مرکزی مشهد (عاکف)	۳۸۵۲۶۰۰۹ - ۳۸۵۴۳۰۹۲	۰۵۱
مشهد	۲۰۰۶	هادی زاده	۳۶۰۷۱۰۷۰ - ۳۵۵۹۳۵۵۳	۰۵۱
سبزوار	۲۰۰۷	علی آبادی	۴۴۲۹۳۳۳۱ - ۴۴۴۴۹۳۵۳	۰۵۱
قوچان	۲۰۰۸	بابایی	۴۷۲۱۷۱۱۱ - ۴۷۲۳۲۹۱۴	۰۵۱
گناباد	۲۰۰۹	نوری	۵۷۲۲۶۹۵۱-۲	۰۵۱
نیشابور	۲۰۱۱	زرنندی	۴۳۳۳۵۷۵۵ - ۴۳۳۴۲۰۲۰	۰۵۱
ترتیب حیدریه	۲۰۱۲	نوری	۵۲۲۸۴۴۴۰	۰۵۱
یجنورد	۲۱۰۱	عضدی	۳۲۳۱۶۷۹۳	۰۵۸
اهواز	۲۲۰۱	شرکت خوزستان گل ماشین (خیاط زاده)	۳۴۴۷۹۰۹۳	۰۶۱



۲۰۱

فرهنگ

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۳ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال هشتاد و نهم - شماره ۲۶۰۴۱



از محتشم تا مشفق

هر روز و شب توفان مرگ از آتش و دود
بر جان مظلومان ز مرد و زن نشیند
بر پیکر رنجور شهر از کینه خصم
بارانی از خمپاره و آهن نشیند
اینجا هزاران تن غریب و خانه بردوش
بر ماتم ویرانی میهن نشیند
اینجا چو خر مشهر و دزفول و دگر شهر
گرد ملال از غم به پیرامن نشیند
(سرود سرخ بهار ص ۲۸)

در مکتب ما مظهر داد است، شهید
دل داده و جان باخته، شاد است شهید
در ظرف کلام، می نگنجد هرگز
کوتاه سخن، اصل جهان است، شهید
(ص ۷۵)

سرود خلبانان

الا ای عقابان دشمن شکار
خروشان و توفنده در کارزار
به نام آوری آسمانی نبرد
به پرواز اندیشه، کیهان نورد
شمایید امروز بازوی حق
به امداد غیبی، به نیروی حق
(همان ص ۴۲)

همچنین در کتاب «پنجره‌ای رو به آفتاب» مشفق
در میلاد و شهادت ائمه معصومین (ع) با سرودن اشعار
خود، به راستی داد سخن داده است.

زینت المراثی: تضمین دوازده بند محتشم کاشانی،
که مشفق هم شهری محتشم در سنین جوانی، حتی در
حال بیماری سروده است و چندین بار به چاپ رسیده
و یک بار هم به خط هنرمند ارجمند، قریانعلی اجلی در
سال ۱۳۶۶ از سوی سازمان چاپ و انتشارات وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی در تیراژ ده هزار نسخه و با
مقدمه عالمانه شاعر معاصر، محمود شاهرخی منتشر
شده است. زینت المراثی را می‌توان به نوعی دانشنامه
شاعری مشفق دانست زیرا که وزن و محتوای شعر نشان
از یک تجربه بالای شعری می‌دهد.

از سینه زمانه، یکی آه آتشین
برخاست تا به بارگه هستی آفرین
یارب دمیده باز مگر روز واپسین
«باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است»
هرجا به گوش می‌رسد آوای انقلاب
خلق‌ی به ماتمند و جهانی در اضطراب
جان در تلاطم آمده، دل را نموده تاب
«گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرات عالم است»
شاهی که افتخار بدو کرد عالمین
بابش علی و فاطمه راهست نور عین
از شرم روی او به حجابند تیرین
«خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین
پرورده کنار رسول خدا، حسین»

دکتر سیدجعفر حمیدی: مشفق، حق بزرگی به
گردن شعر فارسی دارد چه شعر قبل از انقلاب و چه
شعر بعد از انقلاب. ذوق و استعداد مشفق، همچنین
تواضع و فروتنی او، هر کسی را فوراً شیفته خود
می‌سازد. او مجموعه‌ای از سبک گویندگان خراسانی،
عراقی، هندی، بازگشت و معاصر را در ذهن نازنین
خود جمع کرده است. از همه مهم‌تر اینکه در سال ۱۳۳۳ ش
با سرودن ترکیب بند دوازده تایی در تضمین دوازده بند
محتشم کاشانی، شاهکاری را به وجود آورده است
که پس از گذشت هفتاد سال و سروده شدن ترکیب
بندهای بسیار هنوز ترکیب بندی به این استواری سروده
نشده است. اینجانب که به زودی کتاب «ترکیب‌بندهای
کرblایی از راوندی تا محتشم و از محتشم تا مشفق» را
به زیر چاپ می‌برد و تقریباً کلیه ترکیب‌بندها، ترجیع
بندها و قصاید در این زمینه را دیده است، اذعان دارد که
سروده مشفق، پهلو به پهلو سروده‌های وقار، وصال،
وحشی، سروش، صباحی و ده‌ها ترکیب بند سرای عصر
صفوی و قاجار می‌زند.

از موج فتنه، چشم جهان غیرت یم است
و ز تند باد حادثه پشت فلک خم است
صبح امید، چون شب تاریک مظلوم است
«باز این چه مشهور است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است»
خرم دلی به روز و شب و ماه و سال نیست
جز غم، نصیب مردم شوریده حال نیست
بلاغ حیات را پس از این اعتدال نیست
«در بارگاه قدس که جای ملال نیست

سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است»
این تضمین شعر محتشم را مشفق در زمانی سروده
است که در آغاز جوانی بود و در بیماری و آتش تب
می‌سوخت. پدرش که امید از دوا و درمان طیبیان بریده
بود، به مسجد رفت و برای نجات پسرش به امام شهیدان
متوسل شد و زمانی که در مسجد یا حسینیه بود و به دعا
مشغول، به تدریج تب از عباس زایل می‌شد و در همان
دم تصمیم گرفت که دوازده بند محتشم را تضمین کند.
چند ساعت بعد که پدر از دعا و مسجد به سوی خانه
آمد، متوجه شد که عباس، سلامت خود را باز یافته و
سرودن اشعار را به پایان رسانده است.

شاهی که افتخار بدو کرد عالمین
بابش علی و فاطمه راهست نور عین
از شرم روی او به حجابند تیرین
«خورشید آسمان و زمین، نور مشرقین
پرورده کنار رسول خدا، حسین»
از این رویداد، در ست هفتاد سال می‌گذرد و شاعر
گرانقدر ما در این مدت، لحظه‌ای از نوشتن و سرودن باز
نایستاده و کتاب‌ها و مقالات و رساله‌های بسیار تاکنون
انتشار داده است.

سروده‌های مشفق در زمان جنگ تحمیلی، از
احساس، زیبایی و روانی خاصی برخوردار بودند.
در سوک آبادان چو جان من نشیند
سیلاب غم از دیده بردامن نشیند

آموزه

ویکتور هوگو:

عشق عبارت است از:
وجود یک روح در دو کالبد؛
عاملی است که دو تن را مبدل
به فرشته‌ای واحد می‌کند



سرسخن اکبریم فیضی

عبور از ذهن

واقع این است که روایت درست، معمولاً تحسین
برانگیز است و مخاطبان هر سوژه‌ای، از سوژه‌های
کوچک و فردی تا سوژه‌های ملی و جهانی، نمی‌توانند
احساس تحسین و قبول خودشان را در برابر روایت‌های
موفق و دارای ملاک و معیار پنهان کنند. بر این اساس،
در کارهای فرهنگی و هنری هر کشوری، اگر اغراق نباشد،
می‌توان به طور سال به سال چند و چون «روایت» و تغییر
و تحول و تطور و نزول و صعود زبان و شیوه روایی را
نشان داد و از همین دریچه می‌توان نشان داد که استواری
روایت تا چه اندازه در برجستگی آثار هنری و فرهنگی و
حتی علمی تعیین کننده است.

متأسفانه به دلایلی که چندان روشن نیست،
در مجموعه آثار فرهنگی و هنری کشورهای
آسیایی، بخصوص در نیم قرن اخیر، موضوع روایت و نقش
قاطع آن چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و از این رو، ما شاهد
رشد و اوج آثار فرهنگی و ادبی و هنری کشورهای حوزه
خاورمیانه نیستیم، اگر نگوییم که هر سال، شاهد نزول
آنها هستیم. این سخن به معنای تأیید رشد و قوت هنر و
ادبیات غرب نیست ولی انکار نمی‌توان کرد که در غرب
به همان اندازه که متدولوژی در کارهای علمی رواج دارد
و جدی گرفته می‌شود، در کارهای فرهنگی و هنری هم
موضوع روایت اساسی و بنیادین است و این موضوع را
می‌توان از مقایسه فیلم‌های هر ژانری دریافت که چون از
محل بحث ما خارج است، به موضوع اصلی این نوشتار
برمی‌گردیم که عبارتست از: روایت ذهن!

با نظر به آنچه در سطور گذشته مطرح کردیم،
می‌توان با اطمینان، روایت را امری ذهنی دانست، به این
صورت که روایت در پایه و بنیاد و ساختار خویش متکی
بر ذهن است: نخست ذهن راوی که به جستجوی پردازش
و از میان انواع گوناگون روایت و قالب‌ها و شیوه‌ها و
اسلوب‌های تازه و کهنه گونه‌ای را انتخاب می‌کند و برای
بیان کار یا اثر خویش استفاده می‌کند. چه روایت او موفق
باشد، چه ناموفق و آنگاه ذهن مخاطب یا شنونده که طبیعتاً
مسائل خودش را دارد و از قواعدی پیروی می‌کند که
برخی از آن قواعد، هستی‌شناسانه، برخی انسان‌شناسانه و
برخی دیگر روانشناختی و جامعه‌شناختی اند.

نکته اینجاست که میزان توفیق هر روایتی، بسته به
میزان ارتباط ذهن راوی و مخاطب است. هر اندازه این
ارتباط قوی‌تر باشد، روایت قابل اعتمادتر و معتبرتر است
و از ضعف ارتباط این دو ذهن می‌توان به ناموفق بودن
روایت به کار گرفته شده پی برد که البته نمونه‌های متعددی
دارد و تأمل و موشکافی در آن، ما را با موضوع سبک روایی
هر شخص و تحول و تطور آن مواجه می‌کند که در جایی
دیگر باید آن را مورد مطالعه قرار داد.

جالب این است که تحول ذهنی، به طور کلی،
تحول سبک و اسلوب را در پی دارد و در ادامه همین
تحول، تحول روایت مطرح می‌شود که قرینه‌ای است
دیگر برای اثبات این موضوع که روایت و مکانیسم‌های
پیچیده و لایه لایه آن، دقیقاً تابع ذهن است و نقش ذهن
در روایت، از چندین منظر، محوری و بنیادی است. با
اطمینانی بسیار بالا می‌توان گفت که تحولات راه یافته به
ذهن و دگر دیسی‌های پدید آمده در لایه‌های ذهن و اگر
بتوان از تحولات ذهنی سخن گفت، اصلی‌ترین عاملی
است که در تغییر و تعدد و تنوع روایت موثر می‌افتد و
باعث پدید آمدن گونه‌های مختلفی از روایت‌ها می‌شود
که حاصل آن در انواع و اقسام ساختار شکنی‌های متداول
و فرم‌های مختلف بیانی قابل مشاهده است.

همین موضوع است که ادب معاصر و هنر معاصر
را رقم می‌زند. فی‌المثل غزل امروز حاصل ذهنی است که
از ذهن غزل‌سرای یک قرن قبل انتحاً پذیرفته است. داستان
معاصر نیز محصول ذهنی است که از ذهن داستان‌نویس
۵۰ سال قبل فاصله گرفته و دور شده است.

فلسفه



تاریخ فلسفه از نگاهی دیگر
فلسفه؛ حدیث فارابی

۲



درس‌هایی از نهضت جنگل
کمیته اتحاد اسلام

۷



گفتگو با دکتر زریاب
پیام شاهنامه

۷



نوشته جان دسموند برنال
علوم اسلامی

۴



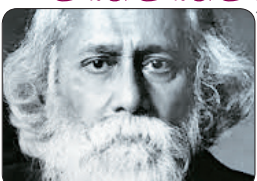
خاطرات مرحوم لر زاده
گفت: چه پُروا!

۶



با دکتر علی اکبر موسوی موحدی
ما و رسانه‌های جدید

۵۰۴



متفکران در برابر هم
گفتگوهای تاگوری



کمیته هیأت اتحاد اسلام دارای بیست و هفت عضو بوده است: ۱- میرزا کوچک خان ۲- حاجی میرزا محمدرضا حکیمی ۳- حاج سید محمود روحانی ۴- میرزا محمد انشائی ۵- شیخ بهاء الدین الملسی ۶- میر منصور هدی ۷- شیخ محمود کسمائی ۸- دکتر ابوالقاسم فرید ۹- حسین کسمائی ۱۰- اسماعیل عطار ۱۱- عزت الله خان هدایت ۱۲- وقار السلطنه ۱۳- شهیدی علی شاه ۱۴- حسن خیاط معروف به پدر ۱۵- رضا افشار ۱۶- سید حبیب الله خان مدنی ۱۷- شیخ عبدالاسلام ۱۸- ابراهیم کسمائی ۱۹- میرزا هادی لاکانی ۲۰- محمد علی پیربازاری ۲۱- میرزا محمد خان مدنی ۲۲- سید عبدالکریم کاشی ۲۳- اسکندر خان امانی ۲۴- حاج احمد کسمائی ۲۵- آقا جواد گل افراشی

از همه اقشار شهری و روستایی بویژه جوانان گیلانی برای فراگرفتن فنون نظامی از هر سوبه طرف پادگان آموزشی به گوراب زرمیخ می‌رفتند. شناخت زمان و مکان در بررسی‌های تاریخی حائز اهمیت است. آغاز حرکت و شروع نهضت جنگل را هم زمان با کشته شدن ولیعهد اطروش در شهر (ساریو) یوگوسلاوی سابق ذکر کردیم که جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ میلادی شروع شد.

با اوج گرفتن نفوذ اعضا نهضت جنگل فروپاشی روسیه تزاری آغاز شد و در اکتبر ۱۹۱۷ انقلاب کمونیستی روسیه به رهبری لنین پیروز شد و به همین دلیل رفتار و گفتار و کردار افسران و قزاقان روسی تغییر یافت.

نقش هیات اتحاد اسلام در حفظ تمامیت ارضی دارالمرز گیلان:

لنین در اکتبر ۱۹۱۷ انقلاب کمونیستی را سامان بخشید و در نود و هشت سال پیش کرسی رئیس دولت انقلابی روسیه به ژنرال بارانوف فرمانده قوای روس در ایران به تاریخ ژوئیه ۱۹۱۷ میلادی دستور مراجعت به روسیه را داد.

مشکلات پس از انقلاب لنین و عدم پرداخت حقوق و مخارج سربازان روسی موجب هرج و مرج و از هم گسیختن نظم و نسق نظامی قزاقان گردید و هزاران هزار از افسران و فرماندهان و سربازان دولت روس که خود را ول و رها شده از هر قید و بند و فرماندهی می‌دیدند از کرمانشاه و همدان و قزوین به طرف شمال کشور روان شدند تا خود را به بندرانزلی برسانند و از آنجا به طرف کشورشان برگردند.

لشکر بلاوارت تزاری به هنگام عبور از شهرها و روستاها دست به هر جنایتی می‌زدند و به قتل و غایت اموال مردم دست می‌زدند و خانه‌های مردم را می‌سوزاند.

رهبر نهضت جنگل میرزا کوچک خان و مشاورین عالی او در هیات اتحاد اسلام جنگل چون دد منشی‌های روس‌ها را تجربه کرده بودند و دولت مرکزی هم قدرت مقابله با قشون شکست خورده و بدون فرماندهی روسیه را نداشتند و مردم گیلان هم به شدت وحشت زده و نگران بودند و همه چشم‌ها به دقت و درایت و مدیریت میرزا کوچک خان دوخته شده بود.

میرزا خود را موظف به دفاع از وطن و مردم مظلوم گیلان احساس می‌کرد و با شناخت دقیقی که از راه‌ها و مسیرهای منتهی از رشت به قزوین داشت تعدادی از افراد مسلح جنگلی را در منجیل حد فاصل رشت به قزوین گمارد و راه عبور و مرور قزاق‌های روسی را بست.

و نمایندگان ای سوری میرزا نزد فرمانده روس اعزام گشتند و پیمای این چنین برای دشمنان اسلام و گیلان فرستاد.

(هیات اتحاد اسلام نهضت جنگل در گیلان با مراجعت قشون و سربازان روسیه به کشورشان کاملاً موافقت دارد و در این زمینه برای فراهم ساختن

تسهیلات آماده است مشروط بر آنکه عبور آنها موجب زحمت و اذیت و سلب آسایش اهالی را در طول مسیر تابندارنزی برای کسی فراهم نکنند و اسلحه‌های خود را به همراه نداشته باشند و تابع مقرراتی باشند که هیات اتحاد اسلام در اجرای دقیق آنها نظارت و پافشاری خواهد نمود.

دوستایی از نهضت جنگل و میرزا کوچک خان

کمیته اتحاد اسلام



و عواقب هرگونه تخلف بر عهده فرمانده روسی است). پس از وصول این پیام به فرماندهان تزاری و مذاکره با هیات اتحاد اسلام منجر به عقد قرارداد و پیمانی در ۹ ماده گردید.

برطبق این معاهده عبور سربازان شکست خورده روس بوسیله رهبر نهضت و شورای مشورتی هیات اتحاد اسلام به انجام رسید و ملت ایران و مردم گیلان تا حدودی از زحمت و دخالت‌های بی‌جای همسایه شمالی روسیه تزاری آرامش یافت.

و اما چگونه وارد شدن انگلیسی‌ها به حوادث شمال ایران در گیلان، مردم تیزهوش منطقه شمال مزدوران داخلی و پشتیبانان خارجی انگلیسی و روسی را می‌شناختند و می‌دانستند که دست‌های هر دو

دولت به خون بی‌گناهان آلوده است و با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه قدری زحمات روس‌ها کمتر شد ولی مردم خطر حضور انگلستان را جدی تلقی می‌کردند و نگران بودند که دوبله قیچی روسی و انگلیسی اسلامیان و ایرانیان را مورد حمله قرار دهد.

سندی پرده از این راز بر می‌دارد و آن اینکه آقای دنیس رایت سفیر سابق انگلستان در ایران چنین نوشته است:

(در این میان انقلاب روسیه در ماه مارس ۱۹۱۷ و در دنبال آن در هم شکستن و بلا اثر شدن ارتش روسیه، موجب گشته بود که دشواریهای کار بریتانیا بسیار افزایش یابد. دولت جدید التاسیس شوروی را ایرانیان دوست خود می‌دانستند. ایرانیان که از روسیه تزاری نفرت داشتند اکنون این نفرت را انحصاراً بر بریتانیا که اشغالگر کشورشان بود متمرکز ساختند. بلشویک‌ها از حقوق و امتیازاتی که روسیه تزاری در ایران کسب کرده بود دواطلبانه چشم پوشیدند. آنان موافقت نامه سربری بریتانیا و روسیه را که در سال ۱۹۱۵ امضاء شده بود علنی کردند و بریتانیا را در موقعیت ناراحت‌کننده‌ای قرار دادند.)

جنگلی‌ها که قدرت را در گیلان به دست گرفته بودند اجازه نمی‌دادند قوای انگلستان به روسیه عزیمت نماید.

انگلیسی‌ها تصمیم گرفته بودند برای استقرار حاکمیت خود در دریای خزر و دست یافتن به مخازن نفت، قفقاز را مورد حمله قرار دهند.

ژنرال دنسترویل فرمانده قوای انگلیس عامل اجرای این تصمیم بود.

ژنرال مذکور در نوشتار خود چنین آورده است: (تحصیل سیادت و حاکمیت بحر خزر آخرین مقصود و از جمله تصمیمات قطعی ما بود. من یقین داشتم که حکومت متبوع من معتقد خواهد شد، چنانچه عاقبت هم معتقد شد که حق نظارت و تفتیش بحر خزر فقط در دست کسی خواهد بود که شهر بادکوبه

را در تصرف داشته باشد - منظور باکو آذربایجان فعلی است)

قصه همدستی و همراهی انگلستان و روسیه در طول تاریخ استعماری شرق و غرب مشخص است و در جریان نهضت جنگل هویدا و آشکار تر.

انشاءالله در قسمت‌های بعدی دل نوشته‌ها و

پیش از پایگاه عبادت حق به ستیز با دشمنان خلق برخاسته‌اند و صغیر گلوله را برای نابودی ظلم و بی‌عدالتی به طنین تکبیر در آمیختند و در راه زنده نگاه داشتن اسلام و ایران و گیلان قیامی حسینی کردند و در این راه از همه چیز خود گذشتند و در سایه مکتب محمدی برای وحدت ملی با فیرادالله اکبر برای رهایی مظلومان و محرومان به نهضت جنگل عزت و شرف بخشیدند و بیرق سرخ عاشورائیان را برای همیشه تاریخ در اهتزاز نگه داشته‌اند.

میرزا با مظلومیت تاریخی خویش در برابر حاکمان خائن داخلی و دشمنان خارجی روسیه و انگلستان ایستاد و راست قامت جاودانه تاریخ شد و میراث فرهنگی و هویت ایرانی را از تاراج دشمنان در امان نگاهداشت و با سر بریده‌اش مردانه ایستاد تا قامت ایرانی در برابر خائنین وطن فروش و دشمنان انگلیسی و روسی خم نشود و امروز بیش از یک قرن از آن حادثه می‌گذرد و دولتهای روسیه و انگلیس باید از ملت ایران بویژه مردم شمال کشور و بالخصوص استان گیلان عذرخواهی نمایند.

و در این جاست که ضرورت بازشناسی ایران بویژه نهضت‌هایی که در آن شکل گرفته از جمله نهضت جنگل لازم، بلکه واجب به نظر می‌آید و اسرار مهمی درباره نقش استعمار و استبداد و استثمار بر سینه تاریخ این مرز و بوم، سنگینی می‌کند.

هر گذشته چراغ تابنده است

روشنی بخش راه آینده است
ملتی دردمند و دربه در است

کو، ز تاریخ خویش بی‌خبر است
یکی از درس‌هایی که می‌توان از رهبر نهضت جنگل آموخت، جاذبه در حد اعلی و دافعه در حداقل ضرورت بود و آن چیز یست که به قول استادمان که او هم مثل میرزا کوچک خان بهاران اندکی از عمرش گذشت ولی عمری با خیر و برکت داشت.

میرزا در سال ۱۲۵۷ شمسی در رشت به دنیا آمد و در سال ۱۳۰۰ به شهادت رسید یعنی چهل و سه سال زندگانی کرد با شرافت و استاد دکتر سید محمد حسینی بهشتی در سال ۱۳۰۷ در اصفهان به دنیا آمد و در سال ۱۳۱۰ در انفجار بمب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در خیابان امیرکبیر سرچشمه، در آتش خشم و حسادت و حماقت خائنین داخلی و بغض و کینه خارجیان سوخت و پنجاه و سه سال بیشتر عمر نکرد و هر دو شهید والا مقام کردار و گفتارشان با هم می‌خواند که نیاز جامعه را بشناسیم و همدل و همراه شویم و یاران و یاوران اسلام در ایران را افزایش دهیم و افراد را بی‌جهت از خود ترانیم و بر سرداران دشمن نیفزاییم. دو نکته از جذبه‌های میرزا کوچک خان را یادآور می‌شوم ۱- وقتی جوانی را می‌دید با شادابی و بشاشیت از او استقبال می‌کرد و می‌گفت اگر بخواهی حاضریم با تو کشتی گیله مردی بگیریم!

و به معلمان می‌گفت برای تقویت حس وطن دوستی اشعار فردوسی را برای این عزیزان بخوانید.

۲- برخی از تحصیل کرده‌های ایرانی برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته بودند و جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ میلادی که در گرفت ایران هم از صحنه خطرات دور نبود، هر چند خود را کشوری بی‌طرف می‌خواند. ولی بسیاری از جوانان آن روز تصمیم گرفتند برای نجات ایران و کمک به هموطنان اقدامی کنند و اسامی برخی از آنان را ذکر می‌کنم.

۱- کاظم زاده ایرانشهر از کمبریج ۲- ابراهیم پورداو از پاریس ۵- محمد علی جمال‌زاده از سوئیس ۶- نصرالله خان جهانگیر از سوئیس ۷- سعدالله‌خان درویش از سوئیس ۸- راوندی از سوئیس ۹- میرزا اسماعیل نوبری از اسلامبول ۱۰- حاج اسماعیل امیر خیزی از ترکیه ۱۱- میرزا آقا ناله‌ملت و میرزا اسماعیل یکانی از اسلامبول. افراد فوق با هم قرار گذاشتند و به آلمان رفتند و با هم قرار گذاشتند برای مبارزه با تجاوز بیگانگان روانه ایران شوند. ادامه دارد



مقدمه:

۱- با اینکه در سن و سال پیری سفر کردن مشکل است از اینکه به قزاقستان آمده‌ام بسیار خوشوقتم. صرف نظر از مقام و موقعیت قزاقستان در آسیای میانه این کشور برای من زادگاه فارابی است. من هم از زمانی که این فیلسوف را شناختم خود را هم‌زبان و هم‌وطن او می‌دانم. ولی یک ایرانی چگونگی خود را هم‌وطن مردی می‌داند که در فاراب به دنیا آمده و بزرگ شده و در آنجا قسمت اعظم عرض جغرافیای تفکر و علم و فرهنگ زمان خود را پیموده و آخرین سال‌های عمر خود را در شام یکسره صرف تحقیق و تفکر کرده و در همان جا وفات یافته است.

کاش کسی در ایران یاد قزاقستان می‌توانست سیر زندگی فارابی در فاراب و مرو و بغداد و شام را در یک فیلم تصویر کند. زندگی همه دانشمندان دوران درخشان علم و فرهنگ اسلامی سخت بوده است. ابن سینا و ابوریحان بیرونی نیز سال‌ها در جستجوی جایی امن، آواره بوده‌اند اما سفرهای فارابی صرفاً سفرهای اختیاری به قصد علم‌آموزی بوده و اگر بالاخره در شام اقامت کرده بدان جهت بوده است که در آنجا با آزادی می‌توانسته است به فلسفه مشغول باشد. در حقیقت شام برای فارابی پناه و مجال تفکر و تحقیق بوده و فیلسوف آنجا را فضای مناسب فلسفه یافته و در آن وطن گزیده است. اگر بیشتر مردمان به یک وطن تعلق دارند صاحب‌نظران و دانشمندان بزرگ و هنرمندان دو یا چند وطن دارند. وطن اول هر کس جایی است که در آن به دنیا آمده و زبان باز کرده و پرورش یافته است اما کسی که به علم و تفکر تعلق پیدامی‌کند در جستجوی جهان علم و تفکر و اقامت در آنجاست و این جهان وطن دوم اوست.

فارابی که از فاراب عزم سفر به قصد تحصیل دانش کرد گذرنامه نداشت و در هیچ جای جهان پهناوری که سیر کرد، خود را بیگانه نیافت و کسی او را بیگانه ندانست. ما اکنون گاهی از مهاجرت دانشمندان مان‌آزده می‌شویم اما گمان نمی‌کنم مردم قزاقستان از این که فیلسوفشان از وطن اول مهاجرت کرده و سراسر جغرافیای علم و فرهنگ زمان را پیموده و به مقام معلم ثانی و مؤسس فلسفه اسلامی رسیده است از اقامتش در مرو و بغداد و دمشق و حلب‌آزده خاطر باشند. چه تفاوتی میان مهاجرت دانشمندان جهان قدیم که بسیار معمول بود با مهاجرت دانشمندان در این زمان وجود دارد؟

درک این تفاوت شاید ما را در درست مطرح کردن مسئله کنونی و درک و حل آن یاری کند. به فارابی بازگردیم. نام فارابی و زندگی او که متأسفانه از جزئیاتش خبر نداریم یادآور رویداد بزرگی است که در آغاز تاریخ دوره اسلامی در عالم اسلام اتفاق افتاده و بر اثر آن این جهان و به خصوص خراسان و ماوراءالنهر به مدتی قریب به پانصد سال یعنی تا زمان هجوم مغول مرکز دانش و هنر و تفکر بوده است.

من وقتی شروع به مطالعه آثار فارابی کردم هرگز فکر نمی‌کردم که او به کشور دیگری تعلق دارد و اگر فکر می‌کردم این تعلق برایم اهمیت نداشت. البته فارابی به اعتباری که ذکر کردم به قزاقستان تعلق دارد. در گذشته انتساب به این یا آن کشور مثل چنان که در زمان ما معمول است مطرح نبود اما با پیدایش دولت‌ها و حکومت‌های ملی، هر کشوری نه فقط به تاریخ مفاخر خود بیشتر اعتنا کرد بلکه وجود و آثار آنان را در قوام ملیت خود دخیل و مؤثر یافت. در این وضع طبیعی بود بعضی انتساب‌ها مایه اختلاف میان کشورها و ملت‌ها شود چنانکه ابن سینا را عرب‌ها و ایرانی‌ها و ازبک‌ها و تاجیک‌ها از آن خود می‌دانند ترک‌ها هم مولوی

بلخی را ترک می‌شناسند برای اینکه اختلاف رفع شود بهترین راه اینست که در نسبت خود با بزرگان تفکر بیشتر تأمل کنیم و به جای اینکه آنان را از آن خود بدانیم خود را به آنان منسوب کنیم در این صورت این انتساب نه سبب اختلاف بلکه مایه یگانگی و احساس خویشاوندی خواهد شد. وقتی من و شما هر دو هم‌وطن فارابی باشیم با هم هم‌وطنیم. اکنون اگر من و شما این معکوس کردن نسبت را نپذیریم این را نمی‌توانیم منکر شویم که کشورها یمان سوابق تاریخی و فرهنگی مشترک عمیق و طولانی دارند.

۲- رساله دکتری من درباره سیاست فارابی است که پنجاه سال پیش آن را نوشتم. در آن زمان فکر می‌کردم که ما ایرانیان در میان کشورهای اسلامی تنها کشور یا در زمره معدود کشورهایی هستیم که از هزار سال پیش تاکنون به فلسفه

موافقانش خیلی بیشتر است اما در فلسفه و تفکر به آراء همگانی رجوع نمی‌شود و عقل مشترک ملاک نیست زیرا عقل فلسفه، عقل دیگری است و طبیعی است که عقل مشترک فلسفه را در نیابد و برنماید. اگر فلسفه همواره مورد بی‌مهری و دچار غربت بوده و این غربت در قرون اخیر شدت یافته است نباید نتیجه گرفت که جایی در تاریخ نداشته است و ندارد.

از زمانی که میزان علم را کارآمدی آن دانستند پیوسته کسانی با مواضع مختلف فکری گفته‌اند که فلسفه و به خصوص فلسفه‌های جهان قدیم به هیچ کار نمی‌آید. شرق‌شناسان هم در پژوهش‌هایشان در صدد برآمدند که ببینند منابع یونانی فلسفه دوره اسلامی کجاها و کدام‌هاست و بعضی اختلاف‌نظرها را هم به ملاحظات برگرداندند و گفتند فیلسوفان به ملاحظه رعایت فقیهان آراء اسلامی را در فلسفه

دکتر عباس توفیقی؛ تاریخ فلسفه از نگاه دیگری

فلسفه؛ حدیث فارابی



وارد کرده‌اند تارنگ و بوی دینی پیدا کند یا لااقل بیگانه با جهان اسلام نباشد و بتواند جایی در این جهان پیدا کند. این معانی گرچه مشهور شده است اما سخن سنجیده و تحقیقی نیست و باید بیشتر در آنها تأمل کرد.

نکته‌ای که مخصوصاً در این میان مورد غفلت قرار گرفته است چرایی التفات و اعتنا و توجه بخشی از جهان اسلام به فلسفه و اعراض و بی‌توجهی بخش دیگر بود. در قرون هشتم و نهم میلادی (دوم و سوم هجری) تنها بخشی از اروپا و کسانی از جهان اسلام در ایران و ماوراءالنهر به فلسفه اعتنا داشتند.

وجه این اعتنا چه بود و چرا آسیای بزرگ و آفریقا (حتی مصر) در صدد آموختن علوم یونانی و من جمله فلسفه برنیامدند. ساده بگویم باید بیندیشیم تا بدانیم این چه شورطلبی بود که مثلاً فارابی را در دورترین نقطه جهان اسلام از سرزمین وحی، برانگیخت که

از شهر و دیار خود به مرو برود و در آنجا فلسفه بیاموزد و چون می‌شنود که در حوزه علمی بغداد استادانی هستند که می‌توانند به مشکل‌های او پاسخ بدهند، عزم بغداد کند و پس از آنکه از استادان منطق و فلسفه و ادب آنجا کسب دانش کرد به حلب و دمشق برود تا با خاطری آسوده به تفکر و تحقیق و تألیف و تصنیف کتب و رسالات در فلسفه و علوم زمان خود بپردازد. چرا این شور طلب در حجاز و حتی در مصر با آن سابقه تاریخی درخشان پدید نیامد؟ علم با طلب پدید می‌آید و آنکه علم را می‌جوید در راه طلب بی‌بهره نمی‌ماند.

چنانکه طلب فارابی بی‌حاصل نبود. پس بینیم بهره فارابی از علم و فلسفه چه بوده و آثارش متضمن چه درس‌هایی است یعنی در آنها چه می‌توان یافت که به ما نه فقط در فهم فلسفه اسلامی و شناخت مقام آن مدد کند بلکه به ما بگوید که نیاکان ما چه نیازی به آثار فارابی و امثال او داشته‌اند که آنها را تاکنون حفظ کرده‌ایم و ما مردم عصر تجدد چرا باید آنها را بخوانیم و... آثار فارابی که بیشتر در منطق و مابعدالطبیعه و سیاست و شعر و موسیقی و... است از جهات مختلف و مخصوصاً

با تأثیری که بر ابن سینا داشته در تاریخ فلسفه اسلامی ممتاز است. این آثار با همه تنوعی که داشته هرگز کتاب درسی نبوده است. زیرا اولاً مطالبش صورت اجمالی دارد و ثانیاً در آنها فلسفه مہیّای ورودیه عالم اسلامی شده است. فارابی طرح تاریخ فلسفه اسلامی را که در آن کلام و تصوف با فلسفه جمع شدند در انداخت. اگر فارابی نبود ابن سینا در تدوین تفصیلی فلسفه راه دشوارتری داشت و شاید فلسفه به راه دیگری جز راه سهروردی و ملاصدرا و... میرفت. در فلسفه فارابی حداقل سه وجه ممتاز می‌توان یافت:

۱- فارابی که بی‌گذرنامه از دورترین نقطه جهان اسلام در شمال شرق راه افتاده و تا غرب جغرافیای دانش و فرهنگ اسلامی راه پیموده است (از فاراب تا حلب و دمشق) هنوز با هوای مدینه یونانی و فضائل آن به کلی قطع علاقه نکرده بود اما اخلاف او به تدریج از فضای مدینه یونانی دور و دورتر شدند و اگر ذکری از مدینه کردند مرادشان شهر و دیار و کشور و... بود. فارابی هم در پایان راه خود وقتی پیامبر را رئیس مدینه می‌خواند ناگزیر میبایست امت را به جای مدینه بگذارد.

۲- فارابی احکام دین را وارد فلسفه نکرد و آنها را با موازین منطق نسنجید و رد و اثبات نکرد بلکه دین را عین فلسفه دانست. به نظر او زبان دین زبان خطابه و خیال است اما فیلسوف با زبان برهان سخن می‌گوید. اما برهان و خطابه هر دو ممکن است متضمن یک معنی و حقیقت باشند اما صورت ظاهرشان تفاوت دارد یا بهتر بگویم باطن سخن خطابی پیامبران فلسفه و عقل است. به نظر فارابی مبدأ و منشأ و غایت فلسفه و دین یکی است و این دو صرفاً از حیث صورت با هم تفاوت دارند.

۳- وقتی به سعی فارابی برای جمع میان فلسفه افلاطون و ارسطو و مخصوصاً به جمع دین و فلسفه نظر می‌کنیم به وجوه شباهت و نزدیکی دین و فلسفه و حتی با تفاوت‌هایشان بهتر و بیشتر آشنا می‌شویم هر چند که بعضی مطالب کتاب «الجمع بین رأی الحکیمین» را ممکن است نپذیریم و چگونگی می‌توانیم بگویم که افلاطون و ارسطو هیچ اختلافی با هم نداشته‌اند. اما اختلاف‌ها و قرابت‌هایشان با خواندن کتاب فارابی را بهتر می‌توانیم دریابیم. فارابی در بیان وحدت دین و فلسفه احکام دین را با میزان منطق نسنجیده است بلکه اتصال علم و فلسفه را به معدن و مبدأ دین اثبات کرده است.

اگر فیلسوف در اتصال به عقل فعال با سخن برهان آشنا میشود و حقایق را در صورت عقلی و برهانی می‌یابد و فرا می‌گیرد پیامبر عقل فعال را به صورت ملک و وحی می‌بیند و حقایق را از زبان او یعنی به زبان وحی می‌شنود. زبان وحی زبان خطاب به همه مردم است و گوش مردمان با آن بیشتر آشناست. پس یکی بودن فلسفه و دین به این معنی نیست که احکام دین را با قواعد منطق بسنجند و وجه عقلی هر حکمی به روشنی معلوم باشد بلکه نظر به یگانگی دین و فلسفه از حیث مبدأ و غایتشان است اما تفاوت دین و فلسفه از نظر فیلسوف باطن است و دین ظاهر و فیلسوف که با باطن دین سر و کار دارد ماهیت دین را می‌شناسد. نبی هم به این علم آگاه است اما او به زبان خطابه که زبان مردم است با ایشان سخن می‌گوید. در این طرح، فارابی فلسفه برهانی را با تصنع و تکلف با جهان اسلامی زمان خود تطبیق نداده است. او که مانند استادان یونانی خود در جستجوی راهی بوده است که در آن سیاست همچنان جایگاهش را در فلسفه حفظ کرده باشد و نظم عالم سرمشق نظام مدینه و سیاست باشد، نبوت را چنان تفسیر کرده است که در آن نبی فیلسوف سیاستمدار (رئیس) و قانونگذار (واضع الشریعه) است.

ادامه دارد

خاطرات مرحوم لر زاده/ ۲ گفت: چه پُررو!

حسین طاهرزادهٔ بهزاد از پیشینه‌امندان استقبال نمود و از فردای آن روز شروع به ساختمان کورهٔ کاشی سازی نمودند. آقای «احمد خاکنگار» برادر «حسین خاک‌نگار» استاد کارگاه معرفی شد. چندین نقاش و طراح و کاشی‌ساز باهم کار می‌کردند. تذهیب کاران مدرسهٔ کمال الملک که به سرپرستی «بهادری» کاشی‌های کاخ مرمر را رنگ می‌کردند اِیسن افراد بودند: «زایوه»، «انجالدانی»، «اسکندانی»، «فرشچیان»، «آقا ماشالله»، «حسین شیخ»، «امامی». اولیای امور از پیشرفت کار راضی بودند. از طرفی رضاشاه هم می‌خواست این کار هرچه زودتر و بهتر خاتمه پذیرد. بعد از ظهرها همیشه به‌سر کار می‌آمد و شخصا به تمام جزئیات رسیدگی می‌کرد. بالاخره در فروردین ماه سال ۱۳۱۴ شمسی کار گنبد آماده شد. من سراغ ندارم که در هیچ زمانی این همه کارگر و استاد واقعی برای یک ساختمان در یک جامع شده باشند.

همان‌طور که قبلاً گفتیم من تا پایان سال ۱۳۱۳ در توس بودم و استخوان‌بندی و سفت‌کاری و سنگ‌کاری کاخ مرمر تا آن زمان انجام شده بود و استادانی عاقلیدر هر یک جداگانه یک یا دو اتاق را به دست گرفته و هنرنمایی می نمودند. این عمل باعث شده بود که هر کدام جوهر هنر خویش را نشان بدهند. کارهای انجام شده قبل از آمدن من به این شرح بود: اتاقهای گیلویی سازی شده بود، و مشغول بخاری سازی و افزار کشی بدن اتاق‌ها بودند، سالن آینه و سالن نیم آینه را می‌خواستند شروع نمایند. مقرنس‌های سالن آینه که طرح استاد جعفر خان کاشانی است را مرحوم استاد حسین عبدالباقی کاشانی که مقرنس ساز قابلی بود، به خوبی پیاده کرد. استادان گچکار و آینه کار آن مکان، شیخ حسین کیاغزو استاد کریم منیجه (منیزه) و استاد حسین چپ بودند که جزو دستهٔ عبدالباقی محسوب می‌شدند.

سالن نیم آینه و سفره‌خانه که از بهترین کارها به شمار می‌رود به دست «استاد حسن رضایی» معروف به «حسن ناخوش» و «استاد محمد گرایش‌نژاد» معروف به «محمد ماهی» (که یک ماه گرفتگی در صورت داشت) و «استاد حسین رضایی» و «غلامعلی مسگر» و… بود. قلاب‌های سقف که ریشه‌های گل دارد مربوط به آقای «علی جواهری» گچکار است. سرسرای تختانی که زیر سالن آینه است مربوط به «استاد غلامرضا پهلوان قزوینی» و دسته او می‌باشد.

«استاد محمود قبی» در قسمت سرسرا هنرنمایی نموده است. «استاد شیخ اکبر» «استاد یوسف قنات آبادی» «استاد رجب» که هر کدام اتاقی را عهده‌دار بودند. و دیگرانی چون «استاد قاسمی پیکر تراش» و «استاد حسن شیخیان» و «استاد یحیی بروجردی» و «استاد حسن مفتی» و «استاد محمد» معروف به «تاپو» (چون شکم بزرگی داشت) که هر کدام در قسمتی مشغول بودند. به هر تقدیر پس از سال ۱۳۱۳ با یساران خود سنگ کاری داخلی و سرسرا و گنبد را شروع نمود. البته در گرم‌سازی سالن آینه نیز به دوستان کمک می‌کردم.

برای زدن گنبد، اطراف آن را داربست زده بودیم که یک روز «نبروند» آمد و خبر داد که شاه امروز به سر ساختمان می‌آید. زیر گنبد بنده احضار شدم. شاه از جوانی من تعجب نمود و گفت: پسر بیا جلو ببینم تو فردوسی را ساختهای؟ گفتیم: بله گفت: اما آمده‌ای گنبد را بسازی؟ گفتیم: من نیامده‌ام مرا آورده‌اند. گفت: چه پُررو!



ترجمه سهیل اسماعیلی

گفتگوی تاکور ورومین رولان

تاکور: فکر می‌کنید احتمال دارد ژنو نقش مهمی را در دنیای روابط بین‌الملل ایفا کند؟

رولان: ممکن است، اما امور بسیاری هم به مسائلی بستگی دارند که تحت کنترل ژنو نیست. **تاکور:** به نظر من جامعه ملل تنها یکی از نیروهای دخیل در روابط بین‌الملل است. در حال حاضر اصلاً نمی‌توان گفت این مجمع دراصلاح چنین روابطی بیشترین تأثیر را دارد و معلوم نیست که بتواند در آینده به قدرتی برای ایجاد هماهنگی بیشتر در دنیای سیاست تبدیل شود. من به گروه‌ها و نهادهای مختلف بین‌المللی و افرادی که در اینجا کار می‌کنند، ایمان دارم و امیدم این است که بتوانند نهایتاً در ژنو، یک کانون حقیقی برای فعالیت‌های بین‌المللی ایجاد کنند تا سیاست‌های آینده را شکل دهد.

رولان: می‌بینیم که چشم بسیاری از مردم به پیامی از ششقرن است. آنها فکر می‌کنند ـ و باید اضافه کنم به درستی ـ که هند کشوری است که در عصر حاضر می‌تواند چنین پیامی را به دنیا بدهد.

تاکور: توجه به این نکته جالب است که هند احتمالاً اولین انسان با تفکر بین‌المللی را در قرن نوزدهم عرضه کرده، است. من سراغ ندارم که در هیچ زمانی این همه کارگر و استاد واقعی برای یک ساختمان در یک جامع شده باشند. **رولان:** معتقد منطقی گرای علمی به حل مسأله هند کمک خواهد کرد. **تاکور:** می‌دانم که هند هرگز نمی‌تواند به ثبات فکری محض اعتقاد بیشتری داشته باشد، توازن و هماهنگی احیاء خواهند شد. به همین دلیل است که نوسان به یک سمت می‌تواند ما را در رسیدن به تعادل اصلی زندگی معنویمان یاری کند. علم باید به کمک ما بیاید تا در پایان توسط ما جنبه انسانی پیدا کند.

رولان: روحیه تحمل دینی در هند همیشه مرا شگفت‌زده کرده است چون به هیچ چیز که ما در غرب می‌شناسیم شباهت ندارد. ماهیت جهانی مذهب شما و روحیه ترکیبی تمدن‌تان این را ممکن ساخته است. هند به همه نوع آیین و باور مذهبی اجازه شکوفایی در کنار بقیه را داده است.

تاکور: شاید این نقطه ضعف ما نیز باشد. درست به خاطر همین روحیه بی تمیز تحمل است که انواع کیش‌ها و خامبهای مذهبی در هند جولان داده‌اند و به این ترتیب شناخت مبنای حقیقی آیین معنوی مان را مشکل ساخته‌اند. به عنوان مثال قربانی کردن حیوانات ارتباطی با مذهب ما ندارد، اما بسیاری از مردم آن را به واسطه سنت مقدس می‌دانند. انحرافات دینی را در هر کشوری می‌توان دید.



روایت سون هدین از ایران عهد قاجار

هیچتر بین دختر سواراوان

در حینی که ما صحبت می‌کردیم سفره حاضر شد و مهدی خان با لبخندی دوستانه از من دعوت کرد که به اتاق غذاخوری بروم. خوشبختانه غذاها کاملاً ایرانی بودند. اما سرویس و طریقه پذیرایی اروپایی بود و شراب سفید و شامپانی به این مهمانی غیرمنتظره حالت باشکوهی می‌داد. من قصد داشتم که یک ساعت بمانم، اما یک ساعت شش ساعت شد. تازه میزبان هنوز هم می‌کوشید، که مرا اودار به ماندن بکند، تا بتوانم شنب به ترنم موسیقی گوش بدهم، اما پایداری کردم. دستور احضار رئیس پست داده شد و به او امر شد که درشکهای فراهم بکند، چون من از اکبر و درشک‌اش، که قبل از رسیدن به زنجان قصد بازگشت به تبریز را داشتم، در زنجان خداحافظی کرده بودم.

امروز تلاش ما در هند کنار گذاشتن آنها و تقویت عقاید مهمتری است که میراث معنوی حقیقی ما هستند.

رولان: در نوشته‌های مقدس مسیحی نیز درونمایه قربانی کردن حیوانات غالب است. این بالهای ابتدای را در نظر بگیرید: خداوند هابیل را ارجح قرار داد چرا که او گوسفندی برای قربانی تقدیم داشته بود.

تاکور: هرگز نتوانسته‌ام خدای عهد عتیق را دوست داشته باشم.

رولان:.... تأکید در جای درست خود صورت نگرفته است و نگرش آن در حالت کلی تر روحانی نیست. **تاکور:** همیشه باید بر «حالت کلی تر» تأکید کنیم. حقیقت نمی‌تواند در مواجهه با شسر مطلق شکبیا باشد. حقیقت مانند نور خورشید است که حیات ذرات شسر را غیرممکن می‌سازد. در واقع، زندگی مذهبی هندی از نداشتن یکی از خصایص مذهب خلاق یعنی روحیه سالم ناشکیبایی در رنج است. حتی اقبال عمومی به خدانشناسی ممکن است برای هند امروز فایده‌بخش باشد، گرچه هند هرگز آن را به صورت آیین همیشگی خود نخواهد پذیرفت. خدانشناسی همه گیاهان هرز مضر در جنگل را از بین خواهد برد، و درختان بلند دست نخورده باقی می‌ماند. در حال حاضر، حتی هدیه انکار از طرف غرب برای بخش بزرگی از مردم هند با ارزش است.

رولان: معتقد منطقی گرای علمی به حل مسأله هند کمک خواهد کرد.

تاکور: می‌دانم که هند هرگز نمی‌تواند به ثبات فکری محض اعتقاد بیشتری داشته باشد، توازن و هماهنگی احیاء خواهند شد. به همین دلیل است که نوسان به یک سمت می‌تواند ما را در رسیدن به تعادل اصلی زندگی معنویمان یاری کند. علم باید به کمک ما بیاید تا در پایان توسط ما جنبه انسانی پیدا کند.

رولان: روحیه تحمل دینی در هند همیشه مرا شگفت‌زده کرده است چون به هیچ چیز که ما در غرب می‌شناسیم شباهت ندارد. ماهیت جهانی مذهب شما و روحیه ترکیبی تمدن‌تان این را ممکن ساخته است. هند به همه نوع آیین و باور مذهبی اجازه شکوفایی در کنار بقیه را داده است.

تاکور: شاید این نقطه ضعف ما نیز باشد. درست به خاطر همین روحیه بی تمیز تحمل است که انواع کیش‌ها و خامبهای مذهبی در هند جولان داده‌اند و به این ترتیب شناخت مبنای حقیقی آیین معنوی مان را مشکل ساخته‌اند. به عنوان مثال قربانی کردن حیوانات ارتباطی با مذهب ما ندارد، اما بسیاری از مردم آن را به واسطه سنت مقدس می‌دانند. انحرافات دینی را در هر کشوری می‌توان دید.

درشکهٔ جدید برای من و بارم خیلی کوچک بود، ناچار یک چمدان بزرگ و یک بستهٔ بزرگ، که عبارت بود از تختخواب سفری و بالش و پتوهای نمدی پشت یک اسب گذاشته شد. بعد دوباره سفر شروع شد. این سفر سفری بود تراژدی کمیک.

یک سوارکار افسار اسب باریم را می‌کشید. این اسب خیلی بد راه می‌رفت، به طوری که بارش مرتب به طرفی آویزان می‌شد و می‌بایستی از نو طاب پیچ می‌شد. بالاخره مجبور شدیم که روی درشکه برای چمدان جایی دست و پا کنیم و چاپارشاگرد را قرار شد که لوازم خواب را جلو خود، روی زین بگیرد. به این ترتیب سفر کمی آسان‌تر شد.

هوا سرد بود. در بیشتر جویها آب یخ بسته بود. با آن که ماه همه جا را روشن کرده بود، از روی تپه‌ها فقط مرز اشیاء قابل تشخیص بود. صدایی شکستن تیرمیان اسب‌ها را اعلام کرد و اگر سوارکاری، که رختخواب را میان بازواش داشت جلوی اسب‌های درشکه نبود و آنها را وادار به ایستادن نمی‌کرد، اسب‌ها که از صدای اشیاء تیر تیر ترسیده بودند، درشکه را با خود می‌بردند. برای ترسیم این شکستگی جلو قهوه خانهٔ بیناب توقف کردیم و از موقعیت استفاده کرده با چند فنجان چای خودمان را گرم

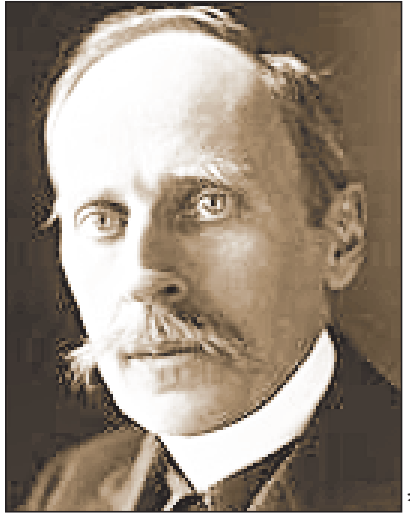
آیین

همانندند و نقابه‌ای بزرگی بر چهره دارند که نمودار کشور خاصی نیست.

ولز: فکر نمی‌کنید حقیقت این امر نمایانگر آن باشد که ما در حال رسیدن به نظم انسان نوینی هستیم که از منطقه‌ای بودن امتناع می‌کند؟

تاکور: لازم نیست از نظر قیافه‌شناسی هم مثل هم باشیم. ذهن می‌تواند جهانی باشد. لازم نیست فردیت قربانی شود.

ولز: ما اکنون به فکر یک تمدن بشری هستیم که بر مبنای آن فردیت‌ها بخت زیادی برای تجلی دارند. فردیتی که اکنون می‌شناسیم از این حقیقت طعمه خورده که تمدن



بجای تبدیل به یک کل جهانی به واحدهای مجزایی تقسیم شده است. در ظاهر این سرنوشت بشر بوده است. **تاکور:** من معتقد که تمدن بشری می‌تواند با اخوت و همکاری تمدنهای مختلف دنیا پیوند بهتری یابد. به نظر شما علل‌های ناردان... مشکل امروز بیشتر برخورد بین طبقاتی در پیکره یک ملت است تا خصوصت بین ملتها. البته این موضوع به هیچ وجه آفت ملی‌گرایی ستیزه‌جویانه و روحیه جنگ‌طلبی را توجیه یا کم نمی‌کند. **تاکور:** کلمات بیش از حد آگاهانه هستند، اما خطوط نه عقاید شکل و رنگ خود را دارند و منتظر تلپور خود در هنر تصویری می‌مانند. الان نقاشی مرا شیفته خود کرده است. بامداد من با شعر و آواز شروع شد؛ اکنون در غروب زدن گیم دهنم از رنگ‌ها و اشکال پر شده است.

گفتگوی تاکور و ا.ج. وین-ولز

تاکور: در گذشته‌های دور، هنگ کنگ و دیگر شهرها کمابیش دارک، کلکنه، بمبئی، هنگ کنگ و دیگر شهرها کمابیش

بگیریم تجدید حیات زبانه‌ای ملی در همه جامی شود. با توجه به این به نظر نان نمی‌آید که در آمریکایا با وجود تماس مداوم این کشور و انگلیس، زبان انگلیس متمایل به تغییر و اصلاح قطعی‌ای است؟

ولز: شک دارم الان اینطور باشد. چهل سال پیش اینگونه نبود، اما هر چه می‌گذرد در ادبیات و گفتار معمول تمیز بین انگلیسی بریتانیایی و آمریکایی مشکل تر می‌شود. به نظر می‌رسد که واکنش بیشتری در جهت عکس وجود داشته باشد. امروز ما در حال پیچیده‌تر کردن و کامل نمودن روشهای فیزیکی انتقال کلمات هستیم. ترجمه حمت‌دارد. اشعار شما را در نظر بگیریم؛ آیا با ترجمه، قسمت زیادی

شبهه نت‌نویسی شما ارائه داد. حتی با وجود این امکان نیز ممکن است قطعات مورد نظر برای مردم شما خیلی قابل درک نباشد.

ولز: ممکن است غرب به موسیقی شما هم عادت کند. **تاکور:** به نظر می‌رسد تنها و ملودیهای خاصی که ما را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد، شنوندگان غربی را کاملاً گیج می‌کند. اما همانطور که شما می‌گویید شاید آشنایی بیشتر با آنها به تدریج باعث درک بیشترشان در غرب شود.

ولز: احتمال دارد بیان هنسری در آینده کاملاً با آنچه امروز می‌بینیم تفاوت پیدا کند و واسطه هنری برای همه یکسان و قابل درک شود. رادیو را در نظر بگیرید که دنیا را به هم پیوند می‌دهد. و اینکه نمی‌توانیم جلوی اختراعات بیشتر را بگیریم. شاید در آینده، پس از اینکه سر و صداها بر سر استفاده از زبانه‌ای محلی و ملی در رادیو خوابید و کشفیات علمی جدیدی هم انجام شد، با یکدیگر با واسطه مشترکی صحبت کنیم. چیزی که الان خوابش را هم نمی‌بینیم.

تاکور: باید روانشناسی مورد نیاز این عصر را به وجود آوریم. باید افراد را با ضروریات و شرایط جدید تمدن همگام کنیم.

ولز: همگامی، همگامی‌های وحشتناک! **تاکور:** به نظر شما مشکلات نژادی اساسی است؟ **ولز:** نه، نژادهای جدید به صورت نوسانات دائمی پشت سر هم می‌پند. امتزاج نژادی از دوره‌های اولیه تاریخ وجود داشته است. هند بهتر ین نمونه می‌باشد. به عنوان مثال در بنگال، با وجود نظام طبقاتی و دیگر موانع امتزاج عجیب نژادها رخ داده است.

تاکور: و مسئله غرور نژادی هم بوده است. آیا غرب می‌تواند ششوق را کاملاً به رسمیت بشناسد؟ اگر پذیرش مقابل امکان‌پذیر نباشد، آنگاه باید بر حال کشوری که از پذیرش فرهنگ دیگری سر باز زند تا سَف خورده. مطالعه زبانی نمی‌رساند، گرچه اشخاصی چون دکتر هاس (Haas) و آنسری ماتیس (Henri Matisse) هم وجود دارند که فکر می‌کنند ذهن شرقی نباید‌درای کشورهای شرقی برود و در این صورت همه چیز رضایت بخش خواهد بود.

ولز: امیدوارم شما موافق نباشید. من هم نیستم. **تاکور:** جای تأسف دارد اگر قوم یا ملت دائمیه جانبداری الهی داشته باشد و گمان کند بر برنامه آفرینش بر دیگران ارجحیت ذاتی دارد.

ولز: موسیقی بدون اینکه دستخوش تغییر شود از کشوری به کشور دیگر می‌رود ـ از پورسل (Purcell) گرفته تا پخ، پس از آن براس و آنگاه موسیقی روسی و سپس موسیقی شرقی. موسیقی بیش از هر چیز دیگری در این دنیا بین‌المللی است.

تاکور: می‌خواهم چیزی را اضافه کنم. من بیش از سیصد قطعه موسیقی تصنیف کرده‌ام. هیچ کدام از آنها در غرب قابل اجرا نبوده‌اند. چرا که نمی‌توان آنها را دقیقاً با

شبهه نت‌نویسی شما ارائه داد. حتی با وجود این امکان نیز ممکن است قطعات مورد نظر برای مردم شما خیلی قابل درک نباشد.

ولز: ممکن است غرب به موسیقی شما هم عادت کند. **تاکور:** به نظر می‌رسد تنها و ملودیهای خاصی که ما را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد، شنوندگان غربی را کاملاً گیج می‌کند. اما همانطور که شما می‌گویید شاید آشنایی بیشتر با آنها به تدریج باعث درک بیشترشان در غرب شود.

ولز: احتمال دارد بیان هنسری در آینده کاملاً با آنچه امروز می‌بینیم تفاوت پیدا کند و واسطه هنری برای همه یکسان و قابل درک شود. رادیو را در نظر بگیرید که دنیا را به هم پیوند می‌دهد. و اینکه نمی‌توانیم جلوی اختراعات بیشتر را بگیریم. شاید در آینده، پس از اینکه سر و صداها بر سر استفاده از زبانه‌ای محلی و ملی در رادیو خوابید و کشفیات علمی جدیدی هم انجام شد، با یکدیگر با واسطه مشترکی صحبت کنیم. چیزی که الان خوابش را هم نمی‌بینیم.

تاکور: باید روانشناسی مورد نیاز این عصر را به وجود آوریم. باید افراد را با ضروریات و شرایط جدید تمدن همگام کنیم.

ولز: همگامی، همگامی‌های وحشتناک! **تاکور:** به نظر شما مشکلات نژادی اساسی است؟ **ولز:** نه، نژادهای جدید به صورت نوسانات دائمی پشت سر هم می‌پند. امتزاج نژادی از دوره‌های اولیه تاریخ وجود داشته است. هند بهتر ین نمونه می‌باشد. به عنوان مثال در بنگال، با وجود نظام طبقاتی و دیگر موانع امتزاج عجیب نژادها رخ داده است.

تاکور: و مسئله غرور نژادی هم بوده است. آیا غرب می‌تواند ششوق را کاملاً به رسمیت بشناسد؟ اگر پذیرش مقابل امکان‌پذیر نباشد، آنگاه باید بر حال کشوری که از پذیرش فرهنگ دیگری سر باز زند تا سَف خورده. مطالعه زبانی نمی‌رساند، گرچه اشخاصی چون دکتر هاس (Haas) و آنسری ماتیس (Henri Matisse) هم وجود دارند که فکر می‌کنند ذهن شرقی نباید‌درای کشورهای شرقی برود و در این صورت همه چیز رضایت بخش خواهد بود.

ولز: امیدوارم شما موافق نباشید. من هم نیستم. **تاکور:** جای تأسف دارد اگر قوم یا ملت دائمیه جانبداری الهی داشته باشد و گمان کند بر برنامه آفرینش بر دیگران ارجحیت ذاتی دارد.

ولز: موسیقی بدون اینکه دستخوش تغییر شود از کشوری به کشور دیگر می‌رود ـ از پورسل (Purcell) گرفته تا پخ، پس از آن براس و آنگاه موسیقی روسی و سپس موسیقی شرقی. موسیقی بیش از هر چیز دیگری در این دنیا بین‌المللی است.

تاکور: می‌خواهم چیزی را اضافه کنم. من بیش از سیصد قطعه موسیقی تصنیف کرده‌ام. هیچ کدام از آنها در غرب قابل اجرا نبوده‌اند. چرا که نمی‌توان آنها را دقیقاً با

شبهه نت‌نویسی شما ارائه داد. حتی با وجود این امکان نیز ممکن است قطعات مورد نظر برای مردم شما خیلی قابل درک نباشد.

ولز: ممکن است غرب به موسیقی شما هم عادت کند. **تاکور:** به نظر می‌رسد تنها و ملودیهای خاصی که ما را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد، شنوندگان غربی را کاملاً گیج می‌کند. اما همانطور که شما می‌گویید شاید آشنایی بیشتر با آنها به تدریج باعث درک بیشترشان در غرب شود.

ولز: احتمال دارد بیان هنسری در آینده کاملاً با آنچه امروز می‌بینیم تفاوت پیدا کند و واسطه هنری برای همه یکسان و قابل درک شود. رادیو را در نظر بگیرید که دنیا را به هم پیوند می‌دهد. و اینکه نمی‌توانیم جلوی اختراعات بیشتر را بگیریم. شاید در آینده، پس از اینکه سر و صداها بر سر استفاده از زبانه‌ای محلی و ملی در رادیو خوابید و کشفیات علمی جدیدی هم انجام شد، با یکدیگر با واسطه مشترکی صحبت کنیم. چیزی که الان خوابش را هم نمی‌بینیم.

تاکور: باید روانشناسی مورد نیاز این عصر را به وجود آوریم. باید افراد را با ضروریات و شرایط جدید تمدن همگام کنیم.

ولز: همگامی، همگامی‌های وحشتناک! **تاکور:** به نظر شما مشکلات نژادی اساسی است؟ **ولز:** نه، نژادهای جدید به صورت نوسانات دائمی پشت سر هم می‌پند. امتزاج نژادی از دوره‌های اولیه تاریخ وجود داشته است. هند بهتر ین نمونه می‌باشد. به عنوان مثال در بنگال، با وجود نظام طبقاتی و دیگر موانع امتزاج عجیب نژادها رخ داده است.

ولز: همگامی، همگامی‌های وحشتناک! **تاکور:** به نظر شما مشکلات نژادی اساسی است؟ **ولز:** نه، نژادهای جدید به صورت نوسانات دائمی پشت سر هم می‌پند. امتزاج نژادی از دوره‌های اولیه تاریخ وجود داشته است. هند بهتر ین نمونه می‌باشد. به عنوان مثال در بنگال، با وجود نظام طبقاتی و دیگر موانع امتزاج عجیب نژادها رخ داده است.

ولز: من هم متعلق به نژادی تحت سلطه‌ام. مالیات سنگینی می‌پردازم. مجبورم برای هوانوردی نظامی و ماشین سیاسی دولت مرتب چک بکنم. می‌بینید که ما از پلیدهای مشترکی در رنج هستیم. البته در هند، سنت مقام بازی غیر طبیعی‌تر بوده و مدت زیادی ادامه داشته است. مغول‌ها که قبل از انگلیسیها آمده بودند به نظر به همان اندازه ماکور عمل کردند.

تاکور: اما تفاوتی هست. دولت مغول اصلاً از نظر علمی کارآمد و فنی نبود. مغول‌ها پول می‌خواستند و تا زمانیکه می‌توانستند در رفاه زندگی کنند، با جوامع روسیایی در حال رشد کاری نداشتند. فرمانروایان مسلمان هم‌امل امر و نهی نبودند و آموزش دهندگان و روساییان را وادار به انجام کاری نمی‌کردند. به این ترتیب الان سیستمهای آموزشی ستنی هند کاملاً بی سر و ساماند و تلاشهای بومی در آموزش منوط به تأیید دولتی است.

ولز: تأیید، توسط دولت یعنی خداحافظ با آموزش. **تاکور:** اغلب از من در مورد برنامه‌هایم می‌پرسند. جواب من این است که طرحی ندارم. کشور من مثل هر جای دیگری قانون خود را خواهد ساخت. یعنی از یک مرحله آزمایشی عبور می‌کند و احتمالاً چیزی می‌شود کاملاً متفاوت از آنچه من و شما انتظار داریم.

به قیسر امام حسین نزدیک‌تر باشد، آنقدر پس از مرگ کارش آسان‌تر است و به دست شهید مقدس به باغ بهشت وارد خواهد شد. به این خاطر همه آنهاًی که از نظر مالی خیرالنشان تخت است، معمولاً در وصیتنامه خود مبلغی را برای خرید قبری در کربلا تعیین می‌کنند. البته قیمت این قبر در اطراف مرکز خویشختی متفاوت است و مبلغی را هم باید برای حمل مرده در نظر گرفت. چون کسانی که مرده‌ها را در این سفر پیران دنیا پیشان همراهی می‌کنند، برای کاری که انجام می‌دهند پول زیادی مطالبه می‌کنند. البته به کدرت مقرون به صرفه است، که برای یک مرده وارد این سفر پولانی شد. پس مرده‌ها بایستی منتظر هم‌دیگر بمانند و پس از این که انجمن مناسبی پیدا کردند، از طریق روستاهای زندگان سفرشان را شروع می‌کنند.

ما از حوزهٔ درهٔ دز پهن گذشته‌ایم و زنجان چای را، که بی نهایت مسطح است و به سختی می‌توان آن را تسخیر کرد، در حالی که نشخوار می‌کرد، نشسته بودند.

فرهنگی

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۳/ سال هشتادونهم - شماره۲۶۰۴۱
ویژه فرهنگ تاریخ و تمدن ایران وجهان ۲۰۱۷ **اخبارات**

تحلیل

تحلیل هنر اصیل ایران: بازل کری

کتابهای خطی تبریز

در نیمه اول قرن چهاردهم آب را با نقش پولک پولک و یا امواج کاکل دار و پیچ پیچ در اندازهای بزرگ نسبت به بقیه تصویر نشان می‌داده‌اند. تمام این‌ها در نقاشی چین آن زمان و پیش تر از آن نیز وجود داشته ولی مانند ایرانیان آن را به صورت قراردادی به کار نمی‌برده‌اند، مگر بر روی ظروف چینی سفید و لاجوردی قدیمی قبل از اواسط قرن چهارده. به هر حال نمی‌توان باور کرد که این‌ها پیش از نیمه قرن چهارده شروع شده باشند.

بنابر این معلوم می‌شود که این افراد ادها بایستی از طریق دیگری به ایران آمده باشند. احتمالاً یافته‌های ابریشمی و حکاک‌های لاک‌ی در این مورد اثر داشته‌اند ولی در مورد تاریخ این صنایع و جزئیات آن به اندازهٔ ظروف چینی قبل از سلسله مینگ (۱۳۷۸-۱۶۴۴) اطلاعی در دست نداریم.

واضح ترین عصری که در میناتور این دوره از چین به عاریت گرفته شده شکل کوه‌ها و درختان است، و این‌ها از منبع دیگری بجز نقاشی‌های واقعی چین که انحصاراً در دسترس سلاطین بوده نمی‌تواند گرفته شده باشند. ما می‌دانیم که محققین چینی در تبریز پایتخت ایران وجود داشته‌اند و رسیدالدين



در کتاب جانورشناسی درختان به وضوح ناتورالیستی و کالبرگ‌افى هستند در حالیکه مشخصات زمین منحصربه پرتگاه‌ها و تپه‌های شود که محیط آنها را دو خط محدود کرده‌اند، احتمالاً این مسئله بایستی نشان‌دهندهٔ خطوط ضخیم نقاشی چینی با کارآه قلم‌و باشد ولی می‌توان آنها را به سادگی مربوط به تقلید از یافته‌های تایپرستى و برودى دانست.

سایه بین خطوط محیطی شکل‌ها خیلی غنی‌تر از تصاویر جامع‌التواریخ و «تاریخ مردخ قدیم» بیرونی است که در دانشگاه ادینبرو قرار دارد. ما همین خطوط دندانه‌دار را به صورتی قوی‌تر با رنگهای معدنی قهوه‌ای شکلاتی، آبی خاکستری و قهوه‌ای و اگر مشاهده می‌کنیم که اغلب در نوک شکله‌ها و فرم‌های حیابی شکل قوی شده و شاید به منظور نمای سنگ‌بوده است و با همانند نقشه‌های جدید با سیستمی خطی پر شده است.

اگر چنین است این مورد حتی برای نشان دادن خصوصیت اساساً سمبولیکی این نوع نقاشی‌های ناتورالیستی شدید نیز مفید خواهد بود. اگرچه در جوامع‌التواریخ رنگ‌آمیزی آرام و محدود است مفهوم اصلی خیلی نزدیک به تصاویر مفهومى ایران است. ارتباط اندازه‌ها معمولاً در نظر گرفته نشده و عناصر منظره در این کمپوزیسیون‌ها پرکنندهٔ منظره هستند. اگرچه کادر هنوز کمپوزیسیون را قطع می‌کند، ولی هر جا که لازم به خاطر ایجاد تعادل با حالت درام، نیمهٔ سواران پس از عبور از زیر نوشته‌ها از حاشیهٔ آن ظاهر شده‌اند.

از مشخصات این کتب خطی استعمال فراوان رنگ و نقروای برای آبی تر نشان دادن آب و برای چروک لباس و حتی ریش و محاسن مردان است که خود ناشی از عدم آگاهی از به مرور زمان سیاه شدن این رنگ می‌باشد.

خاطرات مرحوم لر زاده/ ۲ گفت: چه پُررو!

حسین طاهرزادهٔ بهزاد از پیشینه‌امندان استقبال نمود و از فردای آن روز شروع به ساختمان کورهٔ کاشی سازی نمودند. آقای «احمد خاکنگار» برادر «حسین خاک‌نگار» استاد کارگاه معرفی شد. چندین نقاش و طراح و کاشی‌ساز باهم کار می‌کردند. تذهیب کاران مدرسهٔ کمال الملک که به سرپرستی «بهادری» کاشی‌های کاخ مرمر را رنگ می‌کردند اِیسن افراد بودند: «زایوه»، «انجالدانی»، «اسکندانی»، «فرشچیان»، «آقا ماشالله»، «حسین شیخ»، «امامی». اولیای امور از پیشرفت کار راضی بودند. از طرفی رضاشاه هم می‌خواست این کار هرچه زودتر و بهتر خاتمه پذیرد. بعد از ظهرها همیشه به‌سر کار می‌آمد و شخصا به تمام جزئیات رسیدگی می‌کرد. بالاخره در فروردین ماه سال ۱۳۱۴ شمسی کار گنبد آماده شد. من سراغ ندارم که در هیچ زمانی این همه کارگر و استاد واقعی برای یک ساختمان در یک جامع شده باشند.

همان‌طور که قبلاً گفتیم من تا پایان سال ۱۳۱۳ در توس بودم و استخوان‌بندی و سفت‌کاری و سنگ‌کاری کاخ مرمر تا آن زمان انجام شده بود و استادانی عاقلیدر هر یک جداگانه یک یا دو اتاق را به دست گرفته و هنرنمایی می نمودند. این عمل باعث شده بود که هر کدام جوهر هنر خویش را نشان بدهند. کارهای انجام شده قبل از آمدن من به این شرح بود: اتاقهای گیلویی سازی شده بود، و مشغول بخاری سازی و افزار کشی بدن اتاق‌ها بودند، سالن آئینه و سالن نیم آینه را می‌خواستند شروع نمایند. مقرنس‌های سالن آئینه که طرح استاد جعفر خان کاشانی است را مرحوم استاد حسین عبدالباقی کاشانی که مقرنس ساز قابلی بود، به خوبی پیاده کرد. استادان گچکار و آئینه کار آن مکان، شیخ حسین کیاغزو استاد کریم منیجه (منیزه) و استاد حسین چپ بودند که جزو دستهٔ عبدالباقی محسوب می‌شدند.

سالن نیم آینه و سفره‌خانه که از بهترین کارها به شمار می‌روند به دست «استاد حسن رضایی» معروف به «حسن ناخوش» و «استاد محمد گرایش‌نژاد» معروف به «محمد ماهی» (که یک ماه گرفتگی در صورت داشت) و «استاد حسین رضایی» و «غلامعلی مسگر» و… بود. قلاب‌های سقف که ریشه‌های گل دارد مربوط به آقای «علی جواهری» گچکار است. سرسرای تختانی که زیر سالن آئینه است مربوط به «استاد غلامرضا پهلوان قزوینی» و دسته او می‌باشد.

«استاد محمود قبی» در قسمت سرسرا هنرنمایی نموده است. «استاد شیخ اکبر» «استاد یوسف قنات آبادی» «استاد رجب» که هر کدام اتاقی را عهده‌دار بودند. و دیگرانی چون «استاد قاسمی پیکر تراش» و «استاد حسن شیخیان» و «استاد یحیی بروجردی» و «استاد حسن مفتی» و «استاد محمد» معروف به «تاپو» (چون شکم بزرگی داشت) که هر کدام در قسمتی مشغول بودند. به هر تقدیر پس از سال ۱۳۱۳ با یساران خود سنگ کاری داخلی و سرسرا و گنبد را شروع نمود. البته در گرم‌سازی سالن آئینه نیز به دوستان کمک می‌کردم.

برای زدن گنبد، اطراف آن را داربست زده بودیم که یک روز «نبروند» آمد و خبر داد که شاه امروز به سر ساختمان می‌آید. زیر گنبد بنده احضار شدم. شاه از جوانی من تعجب نمود و گفت: پسر بیا جلو ببینم تو فردوسی را ساختهای؟ گفتیم: بله گفت: اما آمده‌ای کنبد را بسازی؟ گفتیم: من نیامده‌ام مرا آورده‌اند. گفت: چه پُررو!



ترجمه سهیل اسماعیلی

گفتگوی تاکور ورومین رولان

تاکور: فکر می‌کنید احتمال دارد ژنو نقش مهمی را در دنیای روابط بین‌الملل ایفا کند؟

رولان: ممکن است، اما امور بسیاری هم به مسائلی بستگی دارند که تحت کنترل ژنو نیست. **تاکور:** به نظر من جامعه ملل تنها یکی از نیروهای دخیل در روابط بین‌الملل است. در حال حاضر اصلاً نمی‌توان گفت این مجمع دراصلاح چنین روابطی بیشترین تأثیر را دارد و معلوم نیست که بتواند در آینده به قدرتی برای ایجاد هماهنگی بیشتر در دنیای سیاست تبدیل شود. من به گروه‌ها و نهادهای مختلف بین‌المللی و افرادی که در اینجا کار می‌کنند، ایمان دارم و امیدم این است که بتوانند نهایتاً در ژنو، یک کانون حقیقی برای فعالیت‌های بین‌المللی ایجاد کنند تا سیاست‌های آینده را شکل دهد.

رولان: می‌بینیم که چشم بسیاری از مردم به پیامی از ششقرن آن‌ها فکر می‌کنند ـ و باید اضافه کنم به درستی ـ که هند کشوری است که در عصر حاضر می‌تواند چنین پیامی را به دنیا بدهد.

تاکور: توجه به این نکته جالب است که هند احتمالاً اولین انسان با تفکر بین‌المللی را در قرن نوزدهم عرضه کرده، است. من سراغ ندارم که در هیچ زمانی این همه کارگر و استاد واقعی برای یک ساختمان در یک جامع شده باشند. همان‌طور که قبلاً گفتیم من تا پایان سال ۱۳۱۳ در توس بودم و استخوان‌بندی و سفت‌کاری و سنگ‌کاری کاخ مرمر تا آن زمان انجام شده بود و استادانی عاقلیدر هر یک جداگانه یک یا دو اتاق را به دست گرفته و هنرنمایی می نمودند. این عمل باعث شده بود که هر کدام جوهر هنر خویش را نشان بدهند. کارهای انجام شده قبل از آمدن من به این شرح بود: اتاقهای گیلویی سازی شده بود، و مشغول بخاری سازی و افزار کشی بدن اتاق‌ها بودند، سالن آئینه و سالن نیم آینه را می‌خواستند شروع نمایند. مقرنس‌های سالن آئینه که طرح استاد جعفر خان کاشانی است را مرحوم استاد حسین عبدالباقی کاشانی که مقرنس ساز قابلی بود، به خوبی پیاده کرد. استادان گچکار و آئینه کار آن مکان، شیخ حسین کیاغزو استاد کریم منیجه (منیزه) و استاد حسین چپ بودند که جزو دستهٔ عبدالباقی محسوب می‌شدند.

رولان: روحیه تحمل دینی در هند همیشه مرا شگفت‌زده کرده است چون به هیچ چیز که ما در غرب می‌شناسیم شباهت ندارد. ماهیت جهانی مذهب شما و روحیه ترکیبی تمدن‌تان این را ممکن ساخته است. هند به همه نوع آیین و باور مذهبی اجازه شکوفایی در کنار بقیه را داده است.

تاکور: شاید این نقطه ضعف ما نیز باشد. درست به خاطر همین روحیه بی تمیز تحمل است که انواع کیشها و خامبهای مذهبی در هند جولان داده‌اند و به این ترتیب شناخت مبنای حقیقی آیین معنوی مان را مشکل ساخته‌اند. به‌عنوان مثال قربانی کردن حیوانات ارتباطی با مذهب ما ندارد، اما بسیاری از مردم آن را به واسطه سنت مقدس می‌دانند. انحرافات دینی را در هر کشوری می‌توان دید.



روایت سون هدین از ایران عهد قاجار

هیچتر بین دختر سواراوان

در حینتی که ما صحبت می‌کردیم سفره حاضر شد و مهدی خان با لبخندی دوستانه از من دعوت کرد که به اتاق غذاخوری بروم. خوشبختانه غذاها کاملاً ایرانی بودند. اما سرویس و طریقهٔ پذیرایی اروپایی بود و شراب سفید و شامپانی به این مهمانی غیرمنتظره حالت باشکوهی می‌داد. من قصد داشتم که یک ساعت بمانم، اما یک ساعت شش ساعت شد. تازه میزبان هنوز هم می‌کوشید، که مرا اودار به ماندن بکند، تا بتوانم شنب به ترنم موسیقی گوش بدهم، اما پایداری کردم. دستور احضار رئیس پست داده شد و به او امر شد که درشکهای فراهم بکند، چون من از اکبر و درشک‌اش، که قبل از رسیدن به زنجان قصد بازگشت به تبریز را داشت، در زنجان خداحافظی کرده بودم.

امروز تلاش ما در هند گذار گذاشتن آنها و تقویت عقاید مهمتری است که میراث معنوی حقیقی ما هستند.

رولان: در نوشته‌های مقدس مسیحی نیز درونمایه قربانی کردن حیوانات غالب است. این بالهای ابتدای را در نظر بگیرید: خداوند هابیل را ارجح قرار داد چرا که او گوسفندی برای قربانی تقدیم داشته بود.

تاکور: هرگز نتوانسته‌ام خدای عهد عتیق را دوست داشته باشم.

رولان:.... تأکید در جای درست خود صورت نگرفته است و نگرش آن در حالت کلی تر روحانی نیست. **تاکور:** همیشه باید بر «حالت کلی تر» تأکید کنیم. حقیقت نمی‌تواند در مواجهه با شسر مطلق شکبیا باشد. حقیقت مانند نور خورشید است که حیات ذرات شسر را غیرممکن می‌سازد. در واقع، زندگی مذهبی هندی از نداشتن یکی از خصایص مذهب خلاق یعنی روحیه سالم ناشکیبایی در رنج است. حتی اقبال عمومی به خدانشناسی ممکن است برای هند امروز فایده‌بخش باشد، گرچه هند هرگز آن را به صورت آیین همیشگی خود نخواهد پذیرفت. خدانشناسی همه گیاهان هرز مضر در جنگل را از بین خواهد برد، و درختان بلند دست نخورده باقی می‌ماند. در حال حاضر، حتی هدیه انکار از طرف غرب برای بخش بزرگی از مردم هند با ارزش است.

رولان: معتقد منطق گرای علمی به حل مسأله هند کمک خواهد کرد.

تاکور: می‌دانم که هند هرگز نمی‌تواند به ثبات فکری محض اعتقاد بیشتری داشته باشد، توازن و هماهنگی احیاء خواهند شد. به همین دلیل است که نوسان به یک سمت می‌تواند ما را در رسیدن به تعادل اصلی زندگی معنویمان یاری کند. علم باید به کمک ما بیاید تا در پایان توسط ما جنبه انسانی پیدا کند.

رولان: احداث‌الاعلم بین‌المللی‌ترین عنصر دنیای نوین است. منظورم روحیه همکاری در تحقیقات علمی می‌باشد. اما امروز سیاستمداران گاز‌های سمی در اختیار دارند. باعث تأسف است که دانشمندان در خدمت قدرتهای نظامی هستند که به پیشرفت اندیشه و فرهنگ بشری کوچکترین علاقه‌ای ندارند.... مشکل امروز بیشتر برحسب بی‌طباتی در پیکره یک ملت است تا خصوصت بین ملتها. البته این موضوع به هیچ وجه آفت ملی‌گرایی ستیزه‌جویانه و روحیه جنگ‌طلبی را توجیه یا کم نمی‌کند.

تاکور: کلمات بیش از حد آگاهانه هستند، اما خطوط نه عقاید شکل و رنگ خود را دارند و منتظر تلپور خود در هنر تصویری می‌مانند. الان نقاشی مرا شیفته خود کرده است. بامداد من با شعر و آواز شروع شد؛ اکنون در غروب زدن گیم دهنم از رنگها و اشکال پر شده است.

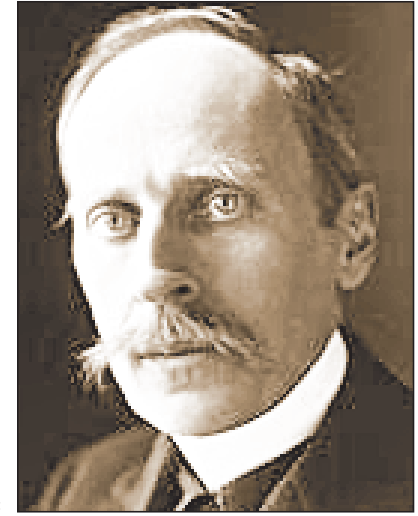
گفتگوی تاکور و ا.ج. وین-ولز
تاکور: در زمان جدید تمایلی برای یک شکلی وجود دارد. کلکته، بمبئی، هنگ کنگ و دیگر شهرها کمابیش

همانندند و نقابه‌ای بزرگی بر چهره دارند که نمودار کشور خاصی نیست.

ولز: فکر نمی‌کنید حقیقت این امر نمایانگر آن باشد که قربانی کردن رسیدن به نظم انسان نوینی هستیم که از منطقه‌ای بودن امتناع می‌کند؟

تاکور: لازم نیست از نظر قیافه‌شناسی هم مثل هم باشیم. ذهن می‌تواند جهانی باشد. لازم نیست فردیت قربانی شود.

ولز: ما اکنون به فکر یک تمدن بشری هستیم که بر مبنای آن فردیتها بخت زیادی برای تجلی دارند. فردیتی که اکنون می‌شناسیم از این حقیقت طمعه خورده که تمدن

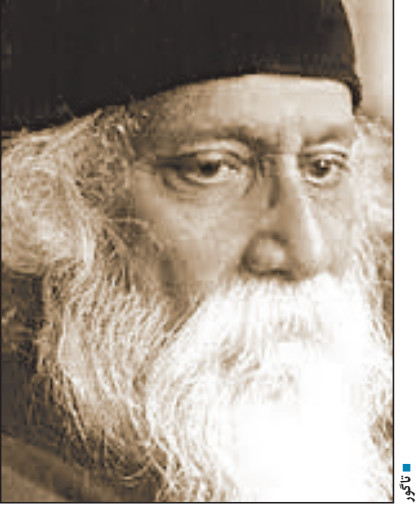


بجای تبدیل به یک کل جهانی به واحدهای مجزایی تقسیم شده است. در ظاهر این سرنوشت بشر بوده است. **تاکور:** من معتقد که تمدن بشری می‌تواند با اخوت و همکاری تمدنهای مختلف دنیا پیوند بهتری یابد. به نظر شما روئندی به سوی ایجاد یک زیان مشترک برای بشر وجود دارد؟ **ولز:** احتمالاً بچه‌خواهیم و چه نخواستیم زبان مشترکی به بشر تحمیل خواهد شد. پیش از این هم گروهی از اشخاص خوش فکر زیان جدیدی درست کرده‌اند. اکنون ضرورت، ما را مجاب به پذیرش زبان مشترکی می‌کند. **تاکور:** تقریباً موافقم. دوره لهجه‌هایی که برده کیلومتری دارند کم‌کم به سر می‌آید. ارتباطات سریع زبان مشترکی ایجاد می‌کنند. اما این به معنی نفی زبانهای محلی نیست. اکنون به موازات وحدت ذهنی بشر شاهد گسترش خودآگاهی ملی هستیم که منجر به شکل گیری یا بهتر

بگیریم تجدید حیات زبانهای ملی در همه جامی شود. با توجه به این به نظر نان نمی‌آید که در آمریکایا با وجود تماس مداوم این کشور و انگلیس، زبان انگلیس متمایل به تغییر و اصلاح قطعی‌ای است؟

ولز: شک دارم الا ن اینطور باشد. چهل سال پیش اینگونه بود، اما هر چه می‌گذرد در ادبیات و گفتار معمول تمیز بین انگلیسی بریتانیایی و آمریکایی مشکل تر می‌شود. به نظر می‌رسد که واکنش بیشتری در جهت عکس وجود داشته باشد. امروز ما در حال پیچیده‌تر کردن و کامل نمودن روشهای فیزیکی انتقال کلمات هستیم. ترجمه حمت‌دارد. اشعار شما را در نظر بگیریم؛ آیا با ترجمه، قسمت زیادی

گفتگوهای تاکوری



از آن از دست نمی‌رود؟ اگر روشی برای تفهیم آنها به همه مردم به صورت هم‌زمان وجود داشت، عالی می‌شد. **تاکور:** موسیقی ملتها مختلف بنیاد روانشناختی مشترکی دارد. اما این بدان معنا نیست که موسیقی ملی نباید وجود داشته باشد. از نظر من همین استدلال در مورد ادبیات نیز صادق است.

ولز: موسیقی بدون اینکه دستخوش تغییر شود از کشوری به کشوری دیگر می‌رود ـ از پورسل (Purcell) گرفته تا پاش، پس از آن براس و آنگاه موسیقی روسی و سپس موسیقی شرقی. موسیقی بیش از هر چیز دیگری در این دنیا بین‌المللی است.

تاکور: می‌خواهم چیزی را اضافه کنم. من بیش از سیصد قطعه موسیقی تصنیف کرده‌ام. هیچ کدام از آنها در غرب قابل اجرا نبوده‌اند. چرا که نمی‌توان آنها را دقیقاً با

شیوه نت‌نویسی شما ارائه داد. حتی با وجود این امکان نیز ممکن است قطعات مورد نظر برای مردم شما خیلی قابل درک نباشد.

ولز: ممکن است غرب به موسیقی شما هم عادت کند.

تاکور: به نظر می‌رسد تنها و ملودیهای خاصی که ما را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد، شنوندگان غربی را کاملاً گیج می‌کند. اما همانطور که شما می‌گویید شاید آشنایی بیشتر با آنها به تدریج باعث درک بیشترشان در غرب شود.

ولز: احتمال دارد بیان هنسری در آینده کاملاً با آنچه

امروز می‌بینیم تفاوت پیدا کند و واسطه هنری برای همه یکسان و قابل درک شود. رادیو را در نظر بگیرید که دنیا را به هم پیوند می‌دهد. و اینکه نمی‌توانیم جلوی اختراعات بیشتر را بگیریم. شاید در آینده، پس از اینکه سر و صداها بر سر استفاده از زبانهای محلی و ملی در رادیو خوابید و کشفیات علمی جدیدی هم انجام شد، با یکدیگر با واسطه مشترکی صحبت کنیم. چیزی که الا آن خوابش را هم نمی‌بینیم.

تاکور: باید روانشناسی مورد نیاز این عصر را به وجود آوریم. باید افراد را با ضروریات و شرایط جدید تمدن همگام کنیم.

ولز: همگامی، همگامی‌های وحشتناک!

تاکور: به نظر شما مشکلات نژادی اساسی است؟ **ولز:** نه، نژادهای جدید به صورت نوسانات دائمی پشت سر هم می‌پنند. امتزاج نژادی از دوره‌های اولیه تاریخ وجود داشته است. هند بهتر ین نمونه می‌باشد. به عنوان مثال در نگال، با وجود نظام طبقاتی و دیگر موانع امتزاج عجیب نژادها رخ داده است.

تاکور: و مسئله غرور نژادی هم بوده است. آیا غرب می‌تواند ششوق را کاملاً به رسمیت بشناسد؟ اگر پذیرش مقابل امکان‌پذیر نباشد، آنگاه باید بر حال کشوری که از پذیرش فرهنگ دیگری سر باز زند تأسف خورد. مطالعه زبانی نمی‌رساند، گرچه اشخاصی چون دکتر هاس (Haas) و آنسری ماتیس (Henri Matisse) هم وجود دارند که فکر می‌کنند ذهن شرقی نباید‌درای کشورهای شرقی برود و در این صورت همه چیز رضایت بخش خواهد بود.

ولز: امیدوارم شما موافق نباشید. من هم نیستم. **تاکور:** جای تأسف دارد اگر قوم یا ملت دائمیه جانبداری الهی داشته باشد و گمان کند بر برنامه آفرینش بر دیگران ارجحیت ذاتی دارد.

ولز: برتری غرب احتمالاً فقط به چند سده اخیر محدود می‌شود. قبل از جنگ لپانتو (Lepanto)، ترکها بر غرب غالب بودند. سفر دریایی کلمب برای اجتناب از ترکها انجام شد. نویسندگان دوره الزبانی و حتی اسلاف آنها مسحور ثروت و معیارهای بالای مادی در شرق بودند. تاریخ استیاری غرب در حقیقت بسیار کوتاه بوده است. **تاکور:** احتمالاً علم فیزیکی غرب نوزدهم روحیه

برتری نژادی را در غرب بوجود آورده است. شاید هنگامی که شرق آن را کسب کند، جریان عوض شود و مسیر طبیعی خود را پیش بگیرد.

ولز: علم‌نوین دقیقاً اروپایی نیست. یک‌سری اتفاقات و شرایط عجیب برخی از کشورهای شرقی را از اجرای کشفیات انسانگر ایران دیگر نقاط دنیا بازداشت. این کشورها خود قبل از آن علوم بسیاری را بوجود آورده و گسترش داده بودند. غرب نیز این علوم را از آنها گرفته و کمال بیشتری به آن داده بود. امروزه در دنیای علم، نامهای ژاپنی، چینی و هندی در حال کسب معروفیت شایسته خود هستند.

تاکور: هند در شرایط بدی بوده است.

ولز: هند بیاطبیعتاً از ادبیات دست سوم و سیستم ضعیف آموزشی که مکالی (Macaulay) بر هند تحمیل کرد، منجرتر بودند. به نظر من اکنون وضعیت در حال تغییر است. اما مطمئن باشید وضع ما انگلیسیها هم بهتر نبود. ما، اگر نه بدتر، دست کم به همان بدی یک هندی عادی آموزش می‌دیدیم.

تاکور: مشکل ما اینجاست که ارتباط ما با تمدن بزرگ غرب طبیعی نبوده است. ژاپن مقدار بیشتری از تمدن غرب را جذب کرده چرا که در پذیرش آن با توجه به نیازهایش مختار بوده است.

ولز: داستان بدی است چرا که فرصت‌های بسیار

خوبی برای شناخت یکدیگر داشته‌ایم. **تاکور:** مجراهای آموزشی مبدل به بسترهای خشکی شده‌اند و جریان منابع ما مرتباً به جهات دیگر تغییر مسیر داده‌اند.

ولز: من هم متعلق به نژادی تحت سلطه‌ام. مالیات

سنجینی می‌پردازم. مجبورم برای هوانوردی نظامی و ماشین سیاسی دولت مرتب چک بکنم. می‌بینید که ما از پلیدهای مشترکی در رنج هستیم. البته در هند، سنت مقام بازی غیر طبیعی‌تر بوده و مدت زیادی ادامه داشته است. مغولها هم که قبل از انگلیسیها آمده بودند به نظر به همان اندازه ماکور عمل کردند.

تاکور: اما تفاوتی هست. دولت مغول اصلاً از نظر علمی کارآمد و فنی نبود. مغولها پول می‌خواستند و تا زمانیکه می‌توانستند در رفاه زندگی کنند، با جوامع روسیایی

در حال رشد کاری نداشتند. فرمانروایان مسلمان هم‌ال امر و نهی نبودند و آموزش دهندگان و روساییان را وادار به انجام کاری نمی‌کردند. به این ترتیب الا ن سیستمهای آموزشی ستنی هند کاملاً بی سر و ساماند و تلاشهای بومی در آموزش منوط به تأیید دولتی است.

ولز: تأیید، توسط دولت یعنی خداحافظی با آموزش.

تاکور: اغلب از من در مورد برنامه‌هایم می‌پرسند. جواب من این است که طرحی ندارم. کشور من مثل هر جای دیگری قانون خود را خواهد ساخت. یعنی از یک مرحله آزمایشی عبور می‌کند و احتمالاً چیزی می‌شود کاملاً متفاوت از آنچه من و شما انتظار داریم.

به قیسر امام حسین نزدیک‌تر باشد، از این مرده‌ها جعبهٔ کارش آسان‌تر است و به دست شهید مقدس به باغ بهشت وارد خواهد شد. به این خاطر همه آنهایی که از نظر مالی خیرالنشان تخت است، معمولاً در وصیتنامهٔ خود مبلغی را برای خرید قبری در کربلا تعیین می‌کنند. البته قیمت این قبر در اطراف مرکز خوشبختی متفاوت است و مبلغی را هم باید برای حمل مرده در نظر گرفت. چون کسانی که مرده‌ها را در آیین سفر این دنیا پیشان همراهی می‌کنند، برای کاری که انجام می‌دهند پول زیادی مطالبه می‌کنند. البته به کدرت مقرون به صرفه است، که برای یک مرده وارد این سفر پولانی شد. پس مرده‌ها بایستی منتظر هم‌دیگر بمانند و پس از این که انجمن مناسبی پیدا کردند، از طریق روستاهای زندگان سفرشان را شروع می‌کنند.

ما از حوزهٔ درهٔ داز پهن گذشته‌ایم و زنجان چای شتر، در حالی که نشخوار می‌کرد، نشسته بودند.

فرهنگی

چهارشنبه ۱۹ آذر ۱۳۹۳/ سال هشتادونهم - شماره۲۶۰۴۱



تحلیل

تحلیل هنر اصیل ایران؛ بازل کری

کتابهای خطی تبریز

در نیمه اول قرن چهاردهم آب را با نقش پولک پولک و یا امواج کاکل دار و پیچ پیچ در اندازهای بزرگ نسبت به بقیه تصویر نشان می‌داده‌اند. تمام این‌ها در نقاشی چین آن زمان و پیش‌تر از آن نیز وجود داشته ولی مانند ایرانیان آن را به صورت قراردادی به کار نمی‌برده‌اند، مگر بر روی ظروف چینی سفید و لاجوردی قدیمی قبل از اواسط قرن چهارده. به هر حال نمی‌توان باور کرد که این‌ها پیش از نیمه قرن چهارده شروع شده باشند.

بنابر این معلوم می‌شود که این افراد ادعا یا بستی از طریق دیگری به ایران آمده باشند. احتمالاً یافته‌های ابریشمی و حکاک‌های لاک‌ی در این مورد اثر داشته‌اند ولی در مورد تاریخ این صنایع و جزئیات آن به اندازهٔ ظروف چینی قبل از سلسله مینگ (۱۳۱۸-۱۶۴۴) اطلاعی در دست نداریم.

واضح‌ترین عنصری که در میناتور این دوره از چین به عاریت گرفته شده شکل کوه‌ها و درختان است، و این‌ها از منبع دیگری بجز نقاشی‌های واقعی چین که انحصاراً در دسترس سلاطین بوده نمی‌تواند گرفته شده باشند. ما می‌دانیم که محققین چینی در تبریز پایتخت ایران وجود داشته‌اند و رشیدالدین



وزیر نیز در مورد تألیف جامع‌التواریخ دستیارانی چینی داشته است. تبریز یعنی کتاب خان، جاثو شناسی مورگان و دویخش‌از جامع‌التواریخ رشیدالدین موجود در انجمن سلطنتی آسیائی و دانشگاه ادینبرو، منظره چینی با خالص‌ترین فرم آن ظاهر می‌شود. تاریخ ایسن دو کتاب به ترتیب ۱۳۱۴ و ۱۳۰۶ می‌باشد.

در کتاب جانورشناسی درختان به وضوح ناتورالیستی و کالبرگ‌اف هستند در حالیکه مشخصات زمین منحصربه‌پرتگاهها و تپه‌هایی‌شود که محیط آنها را دو خط محدود کرده‌اند، احتمالاً این مسئله بایستی نشان‌دهندهٔ خطوط ضخیم نقاشی چینی با کارآه قلم‌و باشد ولی می‌توان آنها را به سادگی مربوط به تقلید از یافته‌های تایپرستی و بروردی دانست.

سایهٔ بین خطوط محیطی شکل‌ها خیلی غنی‌تر از تصاویر جامع‌التواریخ و «تاریخ مردخ قدیم» بیرونی است که در دانشگاه ادینبرو قرار دارد. ما همین خطوط دندانه‌دار را به صورتی قوی‌تر با رنگهای معدنی قهوه‌ای شکلاتی، آبی خاکستری و قهوه‌ای و اگر مشاهده می‌کنیم که اغلب در نوک شکله‌ها و فرمهای حیابی شکل قوی شده و شاید به منظور نمای سنگ‌بوده است و با همانند نقشه‌های جدید با سیستمی خطی پر شده است.

اگر چنین است این مورد حتی برای نشان دادن خصوصیت اساساً سمبولیکی این نوع نقاشی‌های ناتورالیستی شدید نیز مفید خواهد بود. اگرچه در جوامع‌التواریخ رنگ‌آمیزی آرام و محدود است مفهوم اصلی خیلی نزدیک به تصاویر مفهوم ایران است. ارتباط اندازه‌ها معمولاً در نظر گرفته نشده و عناصر منظره در این کمپوزیسیون را قطع می‌کند، ولی هر جا که لازم به خاطر ایجاد تعادل یا حالت درام، نیزهٔ سواران پس از عبور از زیر نوشته‌ها از حاشیهٔ آن ظاهر شده‌اند.

از مشخصات این کتب خطی استعمال فراوان رنگ و نقروای برای آبی‌تر نشان دادن آب و برای چروک لباس و حتی ریش و محاسن مردان است که خود ناشی از عدم آگاهی از به مرور زمان سیاه شدن این رنگ می‌باشد.



رسانه

فرانک فراهانی جم

پیش‌درآمد به عصر دیجیتال



فرانک فراهانی

اشاره: برای تعیین زمان مصاحبه با دکتر علی اکبر موسوی موحلی از مدت‌ها پیش بکرات با تلفن همراه ایشان تماس گرفتم اما به دلیل خاموش بودن تلفن همراه شان موفق نشدم با استاد صحبت کنم. به نظرم رسید شاید استاد برای شرکت در سمینار یا گذراندن دوره فرصت مطالعاتی به خارج از کشور سفر کرده است. اما چند روز قبل از مصاحبه شنیدم یکی از دوستان بتازگی استاد را در دانشگاه تهران ملاقات کرده است. با دفتر دکتر تماس گرفتم و استاد با خوشرویی زمانی را برای مصاحبه تعیین کرد. در حین مصاحبه متوجه شدم دکتر موسوی هیچ گاه مگر در شرایط اضطراری گوشی تلفن همراهش را روشن نمی‌کند. نه به این دلیل که اساسا با فناوری میانه خوبی ندارد، بیشتر به این دلیل که درباره مضرات

تمرکز اصلی کارهای تحقیقاتی شما در حوزه پروتئین‌ها بوده است. چرا پروتئین‌ها تا این اندازه مهم هستند؟

من در مرکز تحقیقات بیوشیمی و بیوفیزیک دانشگاه تهران کار می‌کنم. در گروه بیوفیزیک فعالیت حوزه تحقیقاتی ما بیشتر درباره ساختار و عملکرد پروتئین‌هاست. اگر بخواهیم تعریفی از پروتئین‌ها داشته باشیم می‌توانیم بگوییم پروتئین‌ها ماشین مولکولی حیات هستند یعنی انجام همه کارهایی که در بدن ما و دیگر موجودات زنده انجام می‌شود برعهده پروتئین‌هاست. به عبارت دیگر در انجام همه کارها از دیدن تا شنیدن و حتی تکان دادن دستان پروتئین‌ها نقش دارند. عملکرد این پروتئین‌ها حکمتی دارد و حکمتشان این است که کارهایی که انجام می‌دهند تابع ساختارشان است. وقتی در ساختار پروتئین‌ها به هر علتی تغییری ایجاد شود در انجام کارهایی که انجام می‌دهند تغییری ایجاد خواهد شد. این نشان دهنده رابطه بین ساختار و عملکرد پروتئین‌هاست. یعنی اگر ما بتوانیم یکی از این ساختارهای پروتئینی را بسازیم، می‌توانیم عملکرد مورد نظرمان را هم به وجود آوریم. وقتی فرد دچار بیماری می‌شود یعنی عملکرد پروتئینی در بدنش تغییر کرده است. تغییر عملکرد نتیجه تغییر ساختار پروتئین است. اگر ما بتوانیم ساختار پروتئین را به حالت اولیه بازگردانیم بیماری درمان می‌شود. تمرکز اصلی تحقیقاتی که ما در این مرکز انجام داده‌ایم نیز بر همین موضوع تاکید داشته است.

در دنیای امروز بشر وابستگی زیادی به فناوری‌های روز دنیا بخصوص گوشی‌های تلفن همراه پیدا کرده است. چرا گوشی تلفن همراه شما اغلب خاموش است؟

یکی از مطالعات ما درباره امواج تلفن همراه در محدوده فرکانس ۹۶۰ مگاهرتز است. گروه تحقیقاتی ما اثر امواج تلفن همراه را روی پروتئین‌ها

در بازه‌های زمانی نیم ساعت، یک ساعت و دو ساعت اعمال کرده‌اند و تغییرات ایجاد شده در پروتئین‌ها از جنبه ساختاری و عملکردی مورد بررسی قرار گرفته است. شش سال است که این تحقیقات را انجام می‌دهیم تا درباره اثر امواج تلفن همراه روی ساختار و عملکرد پروتئین‌ها به نتایجی دست پیدا کنیم. بررسی‌های انجام شده نشان داده است امواج تلفن همراه می‌تواند ساختار پروتئین‌ها را تغییر داده و در نتیجه در عملکرد پروتئین‌ها تغییری را ایجاد کند. آثار این تحقیقات در سطح نشریات علمی بین‌المللی منتشر شده است. بنابراین توصیه من این است که فقط در شرایط اضطراری از تلفن همراه استفاده کنیم؛ یعنی اگر جایی هستیم که به تلفن ثابت دسترسی داریم بهتر است تلفن همراه را خاموش کنیم و با تلفن ثابت مکالمه کنیم. باید به سبک زندگی توجه کنیم و سبکی را در پیش بگیریم که به بیماری منجر نشود.

یعنی باید از فناوری‌های روز دنیا هراس داشته باشیم؟

فناوری که از علم بین رشته‌ای، دانش و اخلاق سرچشمه گرفته باشد می‌تواند به فناوری سبز نزدیک شده و جامعه با ضرب اطمینان بیشتر از آن بهره‌مند شود. اما در بیشتر فناوری‌های امروزی بعد اقتصادی بیشتر مورد توجه است نه علم و اخلاق. فناوری‌هایی که در گذشته وارد زندگی بشر می‌شد بیشتر با هدف افزایش رفاه و کاهش مشکلات و محدودیت‌های موجود در زندگی قدم به زندگی مان می‌گذاشت. اما در فناوری‌های امروزی جنبه‌های اقتصادی نیز تا حد زیادی مورد توجه قرار گرفته که موجب می‌شود توجه به بعد اخلاقی تا حد زیادی کم‌نگر شود. بخش وسیعی از فناوری‌های امروزی به درآمدزایی وابسته است. گوشی‌های تلفن همراه هم از جمله فناوری‌هایی است که در این گروه قرار می‌گیرد. ما باید بتوانیم برای سلامتی انسان و دیگر موجودات زنده برنامه‌ریزی کنیم.

همان‌طور که همیشه تاکید می‌شود مایع ظرفشویی برای پوست دست مضر است و باید هنگام استفاده از مایع ظرفشویی حتما دستکش استفاده شود. تلفن همراه هم همین‌طور است و باید در استفاده از آن نکات ایمنی مورد توجه قرار گیرد. مقالات گسترده‌ای درباره تلفن همراه به چاپ رسیده است. در یک سری از این مقالات گفته شده است اگر کسی به طور مداوم روزانه چند ساعت از گوشی تلفن همراه استفاده کند و در محیطی باشد که سقف کوتاه داشته باشد. علاوه بر این در این محیط در معرض امواج دیگری مانند امواج ناشی از رایانه قرار داشته باشد و هم‌زمان دارویی هم بخورد مجموع این عوامل تداخل ایجاد می‌کند و موجب می‌شود امواج تلفن همراه اثر گذاری بررسی بیشتری داشته باشد. به طوری که موجب می‌شود طی پنج سال احتمالا برخی رشته‌های DNA که در بردارنده اطلاعات ژنتیکی است آسیب دیده یا پاره شود. اگر در فردی DNA آسیب ببیند این مشکل به نسل‌های بعدی هم منتقل می‌شود و به این ترتیب این گونه فناوری‌ها ناخواسته زندگی آیندگان را هم تحت تاثیر قرار می‌دهد. بنابراین باید در استفاده از تلفن همراه احتیاط کنیم؛ احتیاط شرط عقل است.

ولی به نظر می‌رسد کم‌نگ کردن نقش فناوری و بویژه تا این اندازه احتیاط در استفاده از تلفن همراه مانع از پیشرفت روزمره مان شود.

مهم‌ترین مسئله که امروز باید به آن توجه داشت و از سوی سازمان جهانی بهداشت نیز مورد تاکید قرار گرفته این است که یک کشور پیشرفته کشوری نیست که صنعتی و مجهز به فناوری‌های پیشرفته باشد. کشور پیشرفته کشوری است که سلامت باشد. سلامت از چهار جنبه عبارتند از سلامت جسمانی، روحی و روانی، اجتماعی و معنوی. ممکن است این سوال مطرح شود که چرا باید به سلامت معنوی توجه داشت. برای نشان دادن ارتباط بین اخلاق و فناوری یک منحنی ترسیم شده که نشان می‌دهد با رشد صعودی

فناوری‌ها شاهد تنزل اخلاق بوده ایم. ما باید بتوانیم سلامت معنوی را هم به موازات رشد فناوری حفظ کنیم. اگر به معنویات لطمه‌ای وارد شود شخصیت انسان دچار آسیب می‌شود. در صورتی که خسارت به اصل وجود انسان وارد شود، در این شرایط مانند ماشینی خواهیم بود که فقط کار می‌کنیم و از زندگی بهره‌ای نمی‌بریم. زندگی انسان به معنویات و حالات ملکوتی او وابسته است.

شاید خیلی‌ها در ارتباط با استفاده از تلفن همراه موضع گیری کرده و بگویند ما اثر و نتیجه قرار گرفتن در معرض امواج تلفن همراه را ندیده ایم. پاسخ شما به این گروه از افراد چیست؟

اثرات ناشی از استفاده تلفن همراه با گذشت زمان و به مرور خود را نشان می‌دهد. یعنی ممکن



است بعد از مدتی کاربران متوجه شوند بر اثر استفاده مداوم از تلفن همراه با ضعف شنوایی مواجه شده‌اند یا این که ممکن است در آینده‌ای نه چندان دور شاهد بروز نسل جدیدی از بیماری‌های ژنتیکی یا محیطی در نسل‌های بعدی باشیم. وقتی فردی یک ساعت با تلفن همراه مکالمه می‌کند از نظر روحی و روانی آسیب می‌بیند، هر چند ممکن است خودش متوجه این تغییرات ایجاد شده نشود. در اثر قرار گرفتن در معرض امواج تلفن همراه، رادیکال‌های آزاد در بدن این فرد رشد می‌کند و مانند جرقه به تمام سلول‌ها و ملکول‌های بدن ضربه می‌زند.

آیا در زمینه بروز بیماری‌های مختلف که شیوع آن در جوامع امروزی رو به رشد است هم تحقیقاتی را انجام داده‌اید؟

بله یکی از زمینه‌های تحقیقاتی ما بیماری دیابت بوده است. امروزه با رشد دیابت نوع دوم در سطح کشور مواجه هستیم. دیابت نوع دوم یعنی در بدن فرد انسولین ترشح می‌شود، اما خوب کار نمی‌کند. یکی از مهم‌ترین مسائل تاثیر گذار در ابتلا به دیابت نوع دوم قرار گرفتن در معرض استرس یا تنش هاست. نمی‌توان مصرف زیاد قند را عامل اصلی بروز دیابت دانست، بلکه از آن مهم‌تر ایجاد تنش در چرخه ایجاد دیابت نقش ایفا می‌نماید. انسان در محیط‌های مختلف در معرض تنش‌های گوناگون است، از قبیل تنش‌های عصبی، تنش از طریق استفاده از غذاهای صنعتی حاوی نگهدارنده‌ها یا استفاده زیاد از امواج تلفن همراه. تنش یا استرس به شکل رادیکال آزاد است که مانند جرقه عمل می‌کند. مجموعه رادیکال‌های آزاد در بدن رشد می‌کند و این جرقه‌ها به سلول‌ها، مولکول‌ها و بافت بدن آسیب می‌رساند و آنها را تخریب می‌کند. ما در تحقیقات این را یافته‌ایم که تنش یا رادیکال‌های آزاد در مقایسه با قندی شدن پروتئین‌ها اثر گذاری بیشتری دارد. یعنی مشابه قندی شدن پروتئین‌ها و با شدتی بسیار بیشتر اثر می‌کند. بنابراین یکی از عوامل تاثیر گذار در ابتلا به دیابت رادیکال‌های آزاد است که امواج تلفن همراه در ایجاد رادیکال‌های آزاد در بدن بسیار موثر است. امواج رایانه و مایکروفر هم می‌تواند در ایجاد رادیکال‌های آزاد در بدن تاثیر گذار باشد. امواج بی سیم و WiFi هم اثراتی به مراتب شدیدتر دارد؛ چون فرکانس آن بالاتر است.

پس برای حفظ سلامت انسان‌ها به موازات استقبال از فناوری‌های روز دنیا چه باید کرد؟

بیشتر فناوری‌های امروزی تیغ دو لبه است و باید با احتیاط آن را مصرف کرد. در شرایط امروز انسان نمی‌تواند این فناوری‌ها را استفاده نکند بلکه باید آن را تعدیل و حسب ضرورت از آن استفاده کند. برای

نمونه اگر امواج بی سیم و WiFi استفاده می‌کنیم در شب موقع خواب این دستگاه‌ها را خاموش کنیم و زیر این امواج با فرکانس بالانخواهیم. تاکید من، تعدیل کاربرد فناوری‌های روز در زندگی روزمره است. ما مجبوریم از فناوری‌های روز دنیا استفاده کنیم. امروز کمتر کسی را پیدا می‌کنید که تلفن همراه نداشته باشد. اما می‌توان استفاده از این فناوری‌ها را تعدیل کرد. گزارش شده است که حد مجاز استفاده از تلفن همراه برای فرد سالم ۲۳ دقیقه در روز است و اگر فردی روزانه بیش از ۲۳ دقیقه از تلفن همراه استفاده کند خارج از اندازه استفاده کرده است. دوز اشعه مانند دوز دارو است و نمی‌توان به جای یک قرص چند قرص مصرف کرد. من نظرم بهتر است این ۲۳ دقیقه استفاده از تلفن همراه نیز به هوای آزاد محدود شود و تا حد امکان در فضاهای بسته از تلفن همراه استفاده نشود. برای افرادی که بیمار هستند یا دارو مصرف می‌کنند این آستانه تحمل بمراتب کمتر است. ما درباره تاثیر امواج تلفن همراه روی هموگلوبین فردی که به تالاسمی مبتلا بوده است تحقیقاتی را انجام داده ایم. این تحقیقات نشان داده است که پس از گذشت یک هفته از زمانی که هموگلوبین آسیب می‌بیند در فرد مبتلا به تالاسمی هیچ اثری از اصلاح ساختار پروتئین دیده نمی‌شود. اما در فرد سالم بعد از گذشت یک هفته ساختار پروتئین اصلاح می‌شود. بنابراین افرادی که بیماری خاصی دارند باید در استفاده از فناوری‌های روز احتیاط بیشتری می‌کنند.

تنش‌هایی که بشر در زندگی روزمره با آن مواجه می‌شود فقط به تنش عصبی و روحی و روانی محدود نمی‌شود. بلکه باید تنش‌های دیگری از جمله تنش ناشی از امواج و تنش ناشی از مواد غذایی و مواد آرایشی و بهداشتی را هم به آن اضافه کرد. برای مثال خمیر دندان را در نظر بگیرید. در خمیر دندان برای جلوگیری از کپک زدن از مواد نگهدارنده‌ای مانند سوربات پتاسیم استفاده می‌شود. این ماده یک ماده اکسایشی قوی است که رادیکال‌های آزاد ایجاد می‌کند. معدودی از مردم می‌دانند که این ماده می‌تواند از طریق لثه وارد خون شود. ما در این زمینه با دستگاه AFM روی قندی شدن پروتئین‌ها



تحقیقاتی را انجام داده‌ایم که نشان می‌دهد این ماده بسیار شدیدتر از قندی شدن پروتئین‌ها عمل می‌کند. در نتیجه فیبریل‌های درشت و شفافی در بدن ایجاد می‌شود که به ایجاد مسمومیت و بیماری زایی منجر می‌شود، به همین دلیل گفته می‌شود دیابت مادر بیماری هاست. دهه‌ها بیماری در نتیجه ایجاد فیبریل‌ها یا ساختارهای فیتیلیه‌ای شکل به وجود آمده در بدن ایجاد می‌شود که پروتئین‌ها را به هم چسبانده و ساختارهای رشته‌ای شکلی ایجاد می‌کند که موجب ایجاد مسمومیت در بدن می‌شود. به همین دلیل شاید بهتر باشد به جای خمیر دندان از نمک یا دهان شویه طبیعی استفاده شود.

هیچ کس تصور نمی‌کند شاید مسواک زدن یا بهتر بگوییم خمیر دندان می‌تواند موجب تشدید دیابت شود! بلکه تصور عمومی این است که مصرف بیش از اندازه مواد قندی عامل اصلی ابتلا به دیابت است. بنابراین توصیه من این است که تا حد امکان از مقدار کمتری از خمیر دندان برای مسواک زدن دندان‌ها استفاده شود.



تأمل

گفتگوی با دکتر وکیلی پیام شاهنامه

در برابر فرهنگ و ادب، مردم را می توان به دو گروه تقسیم کرد: گروهی که فعلاً به آن اشتغال دارند و آگاهانه و با همه و جوه معنوی خود به آن می پردازند، و گروهی که به کارهای دیگر اشتغال دارند و اکثریت قاطع مردم را همانها تشکیل می دهند. این دسته و یا اکثریت عظیم به جهت پرداختن به امور دیگر از قبیل صنعت و کشت و اداره و سیاست و حکومت و سپاهگیری و غیر آن به طور آگاهانه و فعال در ادب و فرهنگ خود شریک نیستند اما وجود معنوی و مطلق ایشان به عنوان فردی از افراد یک ملت در یک امر کلی انتزاعی که آن را شاید «روح ملی» بتوان نامید، شریک و سهیم هستند.

آنچه قومی را از قوم دیگر ممتاز می کند تا جایی که بتوان این مایه جدایی و مایه الامتیاز را ملیت خواند همان روح ملی است. چرا در سرزمینی پهناور به نام ایران قومی وجود دارد که «ایرانی» خوانده می شود و چرا این «ایرانی» از «روس» و «ترک» و «عرب» و «هندی» جدا است؟ برای اینکه این قوم دارای صفات خاص و سنجایی معنوی خاص است که در هر یک از افسران آن وجود دارد و آنان را از همسایگان خود جدا می کند.

یکی از این صفات داشتن فرهنگ مشترک است و زبان مانند دین و راه و رسم زندگی از مبانی و از اجزای فرهنگ یک قوم است. پس زبان که جزئی از فرهنگ است جزء اصلی و لا یتغیر قومیت و ملیت است. اگر چنین است همه مردم مملکت ما، آگاه و ناآگاه، فرهنگی و غیر فرهنگی، عالم طبیعی و فیلسوف و محقق ادبی و طبیب و کشاورز و کارگر قسمتی از روح ملی و کبان معنوی خود را مدیون فردوسی هستند.

بیان این مطلب یا اثبات این مدعا نیاز به تمهید مقدمه ای دارد و من می ترسم که صفحات مجله شما جایی برای خلاصه این اثبات مدعا هم نداشته باشد و به همین جهت من کوشش خواهم کرد که هر چه موجز تر و مختصر تر آن را بیان کنم.

اسلام در قرن هفتم مسیحی (قرن اول هجری) با آمدن عرب وارد مملکت ما شد. مردم ایران مقدم این دین مبین را گرامی داشتند و در تأیید آن از هر قوم و ملت دیگر بیشتر کوشیدند و این نیازی به گفتن ندارد. با تأیید دین مبین اسلام مردم زبان عربی را که زبان قرآن و حدیث نبوی است نیز گرامی داشتند و بزرگترین زبان شناسان عربی از این کشور برخاستند.

به جز آن، ایرانیان در بنای فرهنگ اسلامی هم بزرگترین و مهم ترین عامل بوده اند و این معنی هم با همه سعی که نژادپرستان و متعصبان عرب زبان معاصر در اخفای آن می کنند از آفتاب روشن تر است و این همه سعی در پرده پوشی خود دلیل بر عظمت و اهمیت نقش ایرانی در ایجاد فرهنگ اسلامی است

اما همین ایرانیان که از برکت عقل سلیم و هوش فطری و داوری منطقی و سالم برخوردارند، نخواستند در عربیت مستحیل شوند و مانند مردم عراق و سوریه و مصر و تونس و مراکش ملیت اصلی خود را فراموش کنند و از ایوانوس اطلس تا دریای هند خود را عرب بخوانند و با این همه

با یکدیگر چنان خصومت و دشمنی کنند که دیگران با ایشان نمی کنند.

ایرانی بیدار و آگاه از خصوصیت ملی خود با تأیید و تقویت دین اسلام و با پی نهادن تمدن و فرهنگ اسلامی ملیت خود را حفظ کرد و تسلیم کسانی که ایشان را «موالی» و «بردگان» خود می خواندند نشد و در ضمن تقویت و خدمت به زبان عربی زبان خود را که عامل اصلی ملیت اوست حفظ کرد و آن را تا درجه یک زبان غنی فرهنگی که در قرن های پانزدهم تا نوزدهم صورت زبان جهانی و بین المللی در ایران و هند و افغانستان و متصرفات اسلامی روسیه داشت، بالا برد.

این زبان فرهنگی در آغاز اسلام فقط یک زبان محاوره ای بود و به تدریج خواست صورت فرهنگی و ادبی به خود بگیرد. اگر ادبا و شعرای ماساهم از قبیل عنصری و منوچهری بودند این زبان هرگز به صورت زبان فرهنگی و زبان ملی در نمی آمد زیرا مدح شاهان و امیران که با مردم بیگانه بودند در همان دفاتر و دواوین می ماند و به خانه های مردم از کشاورز و کارگر و پیشه ور راه نمی یافت.

به جز آن، مردم از گذشته بزرگ و پرافتخار خود بی خبر بودند و «اخبار ملوک الفرس» به تدریج جای خود را به «ایام العرب» می داد و «خداپنامه» فراموش شده بود و «حماسه ابوتمام» و «اغانی» جای آن را گرفته بود. صاحب بن عباد وزیر ایرانی کتابخانه ای داشت که چهل شتر آن را حمل می کرد و چون ابوالفرج اصفهانی «اغانی» را تألیف کرد از آن همه شتر بار کردن خلاص شد؛ او یک عرب مآب بود.

کسی می بایست که زبان فارسی «خداپنامه» یعنی تاریخ و حماسه ملت ایران را به درون خانه ها و به درون مجامع و معرکه ها ببرد و مردم ایران را از قهرمانان گذشته خود آگاه کند و با روی آوردن به شعر فارسی هویت فرهنگی مردم را به ایشان بازگرداند. این شخص فردوسی بود. اگر او می گوید: عجم زنده کردم بدین پارسی حقیقتی را گفته است که امروز حتی روشنفکران معاصر و حتی آقای شاملو شاعر توانای معاصر از آن آگاهی ندارند و آن را مانند لفظی خالی می روند و تکرار می کنند و دور می اندازند.

با آمدن شاهنامه به میدان ادب فارسی زبان فارسی زبان ملی شد، تاریخ از بطن طبری و «خداپنامه» به زبان عادی مردم راه یافت. مردم ایران رستم و کیخسرو و اسفندیار را شناختند و به آنها افتخار کردند.

در سوک سهراب و سیاوش گریستند و نقش آنان را با اشعار فردوسی بر کاشی ها خانه های خود نوشتند و شما نمونه این کاشی ها را در موزه های اروپا و آمریکا می توانید ببینید. هیچ کسی به هنر ایران و به نقاشی ایران مانند فردوسی (و پس از او نظامی) خدمت نکرده است. سلاطین ترک در نویساندن شاهنامه و در به نقش آوردن آن با یکدیگر به مسابقه پرداختند. در قهوه خانه ها کارگران و کشاورزان به داستان های شاهنامه گوش کردند و به زبان و ادب تاریخ خود آشنا شدند و ملیت ایرانی به تدریج مستحکم تر و منسجم تر شد.

ایرانی امروز هم به هویت اسلامی و هم به هویت ملی خود می نازد؛ از خاک و شرف و عزت خود دفاع می کند، زنده کننده یاد «جنگ قادسیه» را سر جای خود می نشاند و از غلط کاریشان پشیمان می سازد، مالک زمین و هوا و دریای خویش است؛ این «ایرانی» محصول فرهنگ و روح ملی و ژن بزرگی است که فردوسی یکی از معماران آن بوده است.

علم

ترجمه: شهرام تقی زاده انصاری

فرهنگ جهان و سیر تحول آن

علوم اسلامی



استاد انصاری

یکی از اشتباهات بزرگ دانشمندان ما و دانشمندان قرون وسطی این بود که در ارزش آثار افلاطون و ارسطو غلو می کردند. در آمیختن سحر اعداد افلاطون با سلسله مراتب کیفی ارسطو، ترکیبی پوچ بود که نتوانست خود را از علوم اسلامی آزاد کند. در حقیقت پیچیدگی هر دو علم کیمیاگری و اختر گویی نزد اعراب (مسلمانان) نیز ادامه داشت ولی جالب توجه است که شخصیت های بزرگ اسلامی مانند کندی، رازی و ابن سینا به طور وضوح ادعاهای این علوم کاذب را به سخره می گرفتند. جایگاه اجتماعی دانشمندان اسلامی در اوایل فرهنگ اسلامی زیاد با جایگاه آنها در دوران پایان کلاسیک فرقی نداشت.

ولی در سلسله عباسیان (۷۵۴ تا ۸۶۱ تا ۱۳۷۲ ه. ق) در خلافت المنصور، هارون الرشید، مأمون و حتی متوکل مؤمن، ترویج و رسیدگی به علم و دانش بسیار رونق گرفت به طوری که از زمان اسکندر دیگر مشاهده نشد. خلفای بنی امیه که در قرطبه حکومت می کردند (۹۲۸ تا ۱۰۲۱ م) و امرای کوچکی که در اسپانیا و مراکش بودند، بسیار از کار خود مغرور بودند.

حتی در زمان نزول فرهنگ اسلامی هم، امرای متکبری مانند صلاح الدین ایوبی، سلطان محمود غزنوی و الغ بیک حکمران سمرقند به علم و دانش زمان خود افتخار می کردند. علاوه بر آنها، تجار ثروتمند و مسئولین اداری برمکیان ایرانی (۱۳۳ تا ۱۸۸ ه. ق، تا ۷۵۰ تا ۸۰۳ م) و سه برادر بنی موسی (حدود ۲۳۶ ه. ق، تا ۸۵۰ م) هم که خود دانشمند بودند از علوم پشتیبانی می کردند. این ویژگی دنیایی علوم اسلامی و ارتباطش با تجارت کاملاً با علوم قرون وسطی که در دولت روحانیون مسیحی بود، فرق داشت.

علوم اسلامی شباهت زیادی به علوم در رنسانس داشت. کمک مالی درباریان و ثروتمندان به منجمان و پزشکان باعث شد که آنها بتوانند به تجربه و آزمایش های خود بپردازند. از سوی دیگر، کمک آنها باعث شد که متعصبین مذهبی دیگر حمله به علم و دانش نکنند، چون قبلاً به خاطر احساس غلطی که داشتند از علم خوششان نمی آمد.

ارتباط علم و دانش با پادشاهان، تجار ثروتمند و اشراف زادگان، اول پیشرفت علم را تشدید می کرد ولی بعداً موجب ضعف آن گشت، چون علم در طی زمان از مردم جدا شد به خاطر آن که دانشمندان با قدرتمندان ارتباط داشتند و به این ترتیب مردم طعمه خرافات شدند. تا زمانی که شهرها و تجارت شکوفا بود، طبقه متوسط علاقه به علم و دانش داشتند تا بتوانند از طریق گفتگو و ادامه ترقی علم آن را تضمین کنند. ولی وقتی این طبقه کنار رفت، دانشمندان تابع حال و سرنوشت سلسله های محلی شدند. حتی بزرگ ترین دانشمند اسلامی که ابن سینا باشد هیچوقت دارای آرامش خاطر نبود.

او به پادشاهان مختلف در ایران و آسیای مرکزی به عنوان طبیب یا وزیر خدمت می کرد. او در همدان به بهانه بیماری از قیامی که توسط عده ای افراد متعصب شده بود و می خواستند او را بکشند، نجات پیدا کرد. ابن خلدون (۷۳۲ تا ۸۰۸ ه. ق، تا ۱۳۳۸ م) آخرین متفکر بزرگ مسلمانان از اشیلیه فرار کرد و می خواست خدمات خود را به فردی که مایل است، بفروشد. سرانجام او مجبور شد با پدری که فردی ظالم بود و با تیمور مغول به معامله بپردازد.

تا ۸۰۸ ه. ق، تا ۱۳۳۸ م) آخرین متفکر بزرگ مسلمانان از اشیلیه فرار کرد و می خواست خدمات خود را به فردی که مایل است، بفروشد. سرانجام او مجبور شد با پدری که فردی ظالم بود و با تیمور مغول به معامله بپردازد.

ویژگی علوم اسلامی: دانشمندان اسلامی به طور کلی در فعالیت های علمی خود، از دانشمندان اواخر دوره کلاسیک الگو گرفتند و آن را منظم کردند. آنها میل نداشتند این علم را تصحیح کنند و یاد آن انقلاب کنند. ابوریحان بیرونی (۴۴۰-۳۶۲ ه. ق، تا ۹۷۳-۱۰۴۸ م) می گفت: «ما باید خود را در محدوده گفته های قدیمی ها حفظ کنیم و آن چیزی را که قابل تکمیل شدن است، تکمیل کنیم». باین که افراد می توانستند علم را تخصصی کنند، ولی علم به کمک فلسفه، شکل کلیت به خود گرفته بود. علم اصولاً دو قلوبی نجوم و پزشکی را به خود اختصاص داده بود، یعنی بوسیله علم اختر گویی که جهان بزرگ و جهان کوچک درون انسان را به یکدیگر ارتباط می داد، ترکیب کرد. فلسفه با سوء ظن روبرو شد و نمی توانست خود را به راحتی با قرآن هماهنگ سازد. دانشمندان مسلمان مومن کوشش می کردند که این هماهنگی را اثبات کنند، ولی با مخالفت مسلمانان ارتدکس با آنها به مخالفت بر می خواستند.

برای مثال کتاب «تهافت الفلاسفه» غزالی (۵۰۰ تا ۵۰۵ ه. ق، تا ۱۰۵۸ تا ۱۱۱۱ م) اختطاری به پوچی این چنین کوشش هایی بود. ابن رشد (۵۲۰ تا ۵۹۵ ه. ق، تا ۱۱۲۹ تا ۱۱۹۸ م) در کتاب خود به نام «تهافت التهافت» جوابی به این اختطاریه داد. ولی مقبول واقع نشد و غزالی نظریه در حقیقت - حقیقت عالی و حقیقت عقلی حقیر را در جای خود پابرجا نگهداشت و آموزه او علم را در کشورهای اسلامی عقیم ساخت، همان طور که در مسیحیان یونان هم این اتفاق افتاد. آخرین شکست برای هماهنگ ساختن علم با اساس دین اسلام، احتمالاً دلیل اصلی محو شدن علم در قرون بعدی اسلام باشد که از نظر فرهنگی و عقلی عقیم ماند.

این تأملات در دوره های شکوفائی تمدن اسلامی یعنی قرون ۲ و ۳ و ۴ ه. ق (۹۷۸ و ۱۰ م) هنوز زیاد چشمگیر نبود. حتی می توان حدس زد که بعضی از دانشمندان بزرگ اسلامی هنوز مذهب را مسئله مهمی تلقی می کردند و اجازه نمی دادند که در کوشش به سوی علوم غربی تأثیر بگذارد. علاوه بر آن وحدت علوم که در میان دانشمندان اسلامی وعده دیگر کم اهمیت تر، به رسمیت شناخته شده بود باعث شد که دانشمندانی مانند فرغانی (مرگ ۲۳۶ ه. ق، تا ۸۵۰ م) و زکریای رازی (۲۵۱ تا ۳۱۳ ه. ق، تا ۹۲۵ م)، ابن سینا و ابن رشد (۳۷۰ تا ۴۲۸ ه. ق)، به ترتیب آثار: «کتاب فی الحركات السماویة و جوامع علم النجوم»، «الحاوی»، «قانون» و «الکلیات فی الطب» را بنویسند که در قرن ۱۷ میلادی هنوز جزء مهم ترین کتب درسی دانشگاهی در اروپا بود. با جامعیت علوم اسلامی بسیار مهم بود، چون تمام دانش کشورهای دیگر را جذب کرده بود و این ویژگی آن نسبت به دوران کلاسیک بود. اعراب (مسلمانان) نه تنها توانستند از علوم اختر شناسی و ریاضیات کشورهای بین النهرین بهره برند که از زمان بابل تا آن زمان مداوم ادامه پیدا کرده بود، بلکه با کمال آگاهی از علوم باستان هند و تا اندازه ای از چین استفاده بردند.

ریاضیات: کار به جهت گرفتن نتایج فلسفی در اختر شناسی و نجوم باعث علاقمندی دانشمندان ریاضیات شد، چون علم نجوم تقریباً تنها حوزه کاربردی ریاضیات بود و به این دلیل هم باعث رشد هندسه و حساب عملی شد. ریاضی دانان اسلامی در این حوزه توانستند بر اساس داده های هندی و بابلی به پیشرفت های مهمی نایل شوند.

